

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# علوم اجتماعی

(جامعه‌شناسی نظام جهانی)

دوره‌ی پیش دانشگاهی

رشته‌ی علوم انسانی

## وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف : دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی

نام کتاب : علوم اجتماعی (جامعه‌شناسی نظام جهانی) - ۳۰۰/۱

شورای برنامه‌ریزی : محمدمهدی ناصری، احمد رجب‌زاده، محمدرضا طالبان، بهزاد دوران، فاطمه جواهری، مسعود گلچین، فریدون

ملای بحری، محمد شریف متولی‌الموتی، پروانه زاهدی‌فر، فرحناز حسام، عفت عباسی و جعفر صادق رنجی

مؤلفان : دکتر احمد رجب‌زاده، دکتر بهزاد دوران و فرشته سیدی

ویراستار : افسانه حبیب‌زاده کلی

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع : اداره‌ی کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی

تهران : خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماری ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹،

وبسایت: [www.chap.sch.ir](http://www.chap.sch.ir)

طراح گرافیک : طاهره حسن‌زاده

صفحه‌آرا : علی نجمی

طراح جلد : علیرضا رضائی‌کُر

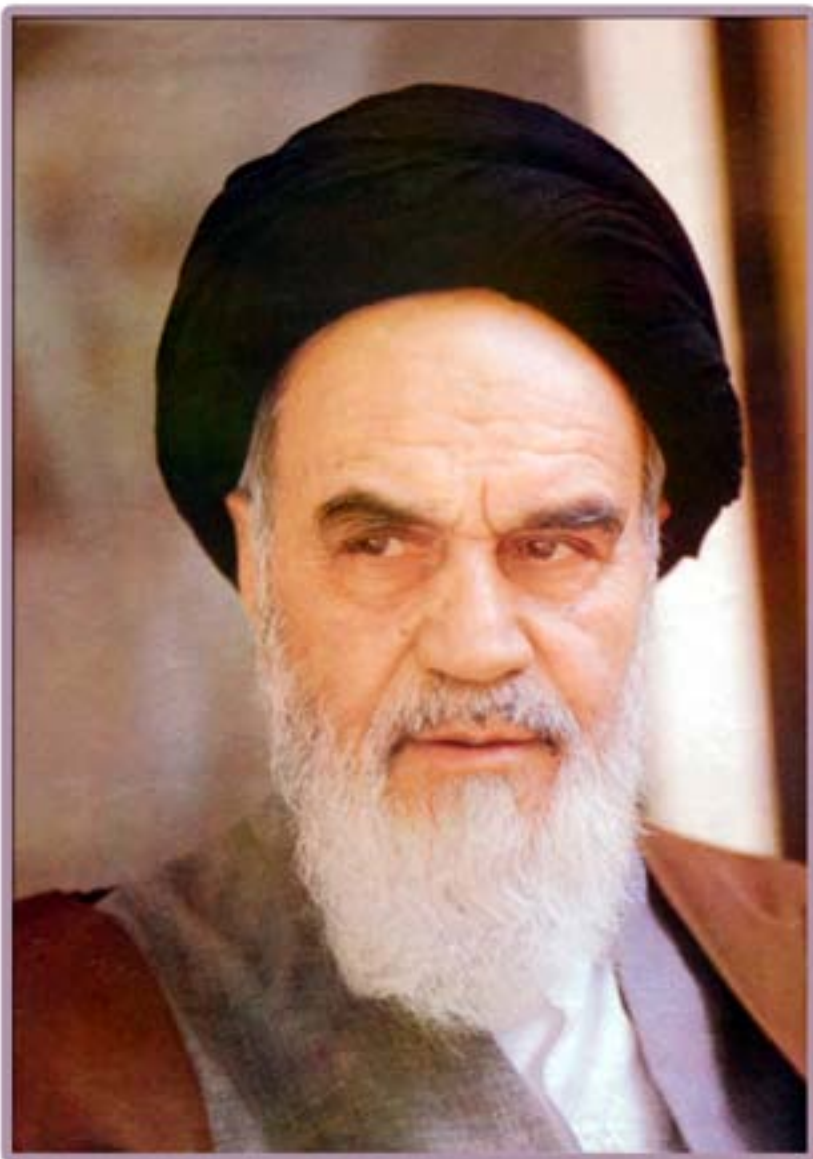
ناشر : شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران - تهران - کیلومتر ۱۷ جاده‌ی مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروبخش)

تلفن: ۵-۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۱۳۴۴۵/۶۸۴

چاپخانه : شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ : چاپ پنجم ۱۳۹۰

حق چاپ محفوظ است.



اگر بخواهید عزیز و سربلند باشید، باید از سرمایه‌های عمر و استعداد  
جوانی استفاده کنید و با اراده و عزم راسخ خود به طرف علم و عمل و کسب  
دانش و بینش حرکت نمایید.

امام خمینی (ره)



## فهرست مطالب

۱	۱- نظام جهانی
۱	جهانی کنونی
۳	جهان گذشته
۷	نظام جهانی
۹	۲- تکوین نظام جهانی
۹	افول امپراتوری روم و شکل گیری واحدهای فتودالی
۱۳	شکل گیری شهرهای مستقل در اروپا
۱۴	شکل گیری دولت - ملت ها در اروپا
۱۶	بورژوازی و رشد صنعت
۱۷	شکل گیری هسته ی اولیه ی نظام جهانی
۱۹	۳- گسترش جغرافیایی نظام جهانی
۱۹	جهان گشایی حکومت های اروپایی
۲۰	استعمار و ادغام واحدهای اجتماعی
۲۱	شکل گیری رابطه ی مرکز - پیرامون
۲۲	امپراتوری ها و جهان گشایی اروپایی ها
۲۴	جهان به عنوان یک نظام اقتصادی
۲۶	۴- نهادمندی نظام جهانی
۲۶	جهان گشایی دولت - ملت ها و پیامد آن
۲۷	طرح صلح و امنیت جهان به عنوان هدف مشترک کشورها
۲۸	ارکان سازمان ملل
۳۱	حقوق و وظایف کشورها در سازمان ملل
۳۳	نهادمندی نظام جهانی
۳۷	۵- جهانی شدن اقتصاد
۳۷	تجارت و شکل گیری تقسیم کار فراملی
۴۱	شکل گیری نهادهای مالی بین المللی
۴۲	سرمایه گذاری خارجی



- ۴۶ شرکت‌های چند ملیتی
- ۴۸ جهانی‌شدن (در بعد اقتصادی)
- ۵۱ ۶- دهکده‌ی جهانی ۱
- ۵۱ فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و کوچک‌شدن جهان
- ۵۵ گذر از محدودیت زمان و مکان برای تعامل
- ۵۷ شکل‌گیری «ما» و گروه بدون مکان مشترک
- ۶۰ جهانی‌شدن (در بعد ارتباطی)
- ۶۲ ۷- دهکده‌ی جهانی ۲
- ۶۲ هویت ملی
- ۶۴ تهاجم فرهنگی و «آمریکایی‌شدن» فرهنگ
- ۶۷ شکل‌گیری گروه‌های فراملی
- ۷۰ ۸- نابرابری در نظام جهانی ۱
- ۷۰ نابرابری در ثروت
- ۷۱ نابرابری در قدرت
- ۷۴ نابرابری در دانش و فناوری
- ۷۴ نابرابری درون سازمان‌های بین‌المللی
- ۷۸ ۹- نابرابری در نظام جهانی ۲
- ۷۹ رابطه‌ی مرکز - پیرامون
- ۷۹ نظام تقسیم کار بین‌المللی
- ۸۱ مرکز - نیمه پیرامون - پیرامون
- ۸۲ سرکرده‌ی نظام جهانی
- ۸۳ حاشیه‌نشین‌های نظام جهانی
- ۸۴ انحصارهای پنج‌گانه
- ۸۶ گروه ۸
- ۸۷ تغییر جایگاه در نظام جهانی
- ۹۱ ۱۰- بازی در نظام جهانی
- ۹۱ پیچیدگی نظام جهانی
- ۹۲ عمل (بازی) در نظام جهانی



۹۳	راهبرد (استراتژی)
۹۵	دولت - ملت‌ها یکی از مهم‌ترین بازیگران
۹۸	۱۱- اهداف دولت‌ها در عرصه‌ی جهانی
۹۸	انواع هدف
۹۹	حفظ موجودیت
۱۰۰	حق تعیین سرنوشت
۱۰۱	حفظ امنیت ملی
۱۰۱	راهبرد امنیت ملی
۱۰۳	تغییر موقعیت و تغییر راهبرد امنیت ملی
۱۰۷	۱۲- روش‌ها و وسایل دستیابی به اهداف
۱۰۷	انواع روش‌ها و وسایل
۱۰۸	دیپلماسی
۱۱۰	رسانه‌ها و «کلیشه‌سازی»
۱۱۲	اقتصاد
۱۱۵	اِزار نظامی (زور)
۱۱۷	۱۳- ایران و نظام جهانی
۱۱۷	ادغام در نظام جهانی
۱۱۹	چالش با نظام جهانی
۱۲۰	جنگ تحمیلی
۱۲۳	آغاز توسعه و سازندگی
۱۲۵	۱۴- جایگاه ایران در نظام جهانی
۱۲۵	توسعه و جایگاه جوامع در نظام جهانی
۱۲۶	توسعه‌ی ایران بعد از انقلاب
۱۳۳	جایگاه ایران در نظام جهانی
۱۳۷	چشم‌انداز بیست ساله و جایگاه ایران در منطقه
۱۵۱	کتاب‌شناسی

## دانش‌آموزان عزیز

علوم اجتماعی یکی از دروس اختصاصی رشته‌ی علوم انسانی در دوره‌ی پیش‌دانشگاهی است.

در این درس، شما با «نظام جهانی» و «جهانی‌شدن» آشنا می‌شوید. شناخت نظام جهانی از آن جهت اهمیت دارد که امروزه روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی میان کشورها به حدی گسترش یافته است که زندگی روزمره‌ی هر فرد، به شکل‌های متفاوت از آن تأثیر می‌پذیرد. برنامه‌ریزان کتاب حاضر، بر مشارکت شما در یادگیری مفاهیم اساسی و کسب توانایی برای به کارگیری آن‌ها تأکید دارند؛ به همین منظور، در کتاب، فعالیت‌های متنوعی طراحی شده است. این فعالیت‌ها نوعی فرصت یادگیری است و مشارکت شما در انجام دادن آن‌ها، موجب یادگیری عمیق‌تر می‌شود.

فعالیت‌هایی به شرح زیر در کتاب گنجانده شده است.

۱- در ضمن هر درس، فعالیت‌هایی با عناوین مختلف مانند «گفت‌وگو کنید»، «بررسی کنید»، «تمرین کنید»، «مقایسه کنید» و ... آمده است. انجام دادن اغلب این فعالیت‌ها، با مشارکت فعال شما در جریان گفت‌وگوهای کلاسی میسر می‌شود. این دسته از فعالیت‌ها را باید در کلاس، با نظارت و هدایت دبیر محترم انجام دهید.

بخش دیگری از این فعالیت‌ها نیز در خارج از کلاس، به صورت فردی یا گروهی انجام می‌پذیرد. این فعالیت‌ها در پایان هر درس گنجانده شده‌اند.

۲- لازم است با فعالیت فردی یا گروهی در کلاس، خودتان به پاسخ برسید. پاسخ این سؤال‌ها عیناً در متن کتاب نیست؛ زیرا هدف این نبوده است که شما مطالب را حفظ کنید و در برابر پرسش‌ها، پاسخ‌های یکسانی داشته باشید؛ در واقع، درک مفاهیم اساسی و تجزیه و تحلیل و ارزش‌یابی مسائل اجتماعی، مورد نظر بوده است.

۳- در پایان هر درس، بخش «خلاصه کنید» وجود دارد. برای انجام دادن این بخش، لازم است نکات مهم و اساسی درس را خلاصه کنید.

۴- تصاویر، نقشه‌ها، جداول، نمودارها و مطالب کادرهای رنگی با دو هدف تنوع بخشی و تعمیق یادگیری در کتاب گنجانده شده‌اند و در ارزش‌یابی این درس، منظور نمی‌شوند.

۵- از آن جا که مفاهیم و موضوعات تعدادی از درس های این کتاب بر پایه ی دانش و اطلاعاتی است که شما از کتاب های «تاریخ ایران و جهان ۱ و ۲» و «اقتصاد» کسب کرده اید، در صورت احساس نیاز، به این کتاب ها مراجعه کنید.

۶- در درس ها و انتهای کتاب، منابعی ذکر شده اند که در صورت تمایل برای کسب اطلاعات بیشتر، می توانید از آن استفاده کنید.

سازماندهی کتاب به گونه ای است که شما را به تفکر درباره ی مسائل و پدیده های جهان امروز و تحلیل آن ها وامی دارد. هدف این بوده است که بتوانید آموخته هایتان را به کارگیرید. بدیهی است که تکیه ی صرف بر محفوظات، شما را به این هدف نمی رساند؛ از این رو، در ارزش یابی این درس نیز بر اندیشه، مطالعه و تحقیق، اظهار نظر و ابتکار تأکید شده است.

این ارزش یابی به دو شکل انجام می گیرد:

الف - ارزش یابی مستمر در طول نیم سال که شامل موارد زیر است.

- مشارکت در گفت وگوهای گروهی

- همکاری در کار گروهی

- انجام دادن فعالیت ها به طور دقیق

- پرسش های کلاسی به صورت کتبی و شفاهی

- انجام دادن کارهای اختیاری مانند ارائه ی مقالات تحقیقی و ابتکارهای علمی، ادبی و

هنری.

ب- ارزش یابی پایانی نیم سال که به صورت کتبی و براساس بارم بندی مشخص انجام می شود.

«گروه علوم اجتماعی دفتر برنامه ریزی و تألیف کتاب های درسی»

معلمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند نظر اصلاحی خود را در باره ی مطالب این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۳۶۳ ۱۵۸۵۵ - گروه درسی مربوط و یا پیام نگار (Email: talif@talif.sch.ir) ارسال نمایند.

دفتر نامه ریزی و تألیف کتاب های درسی



## نظام جهانی

مقایسه کنید<sup>۱</sup>



در دو سال گذشته، مطالبی در خصوص تاریخ ایران و جهان آموختید. با صورت‌های مختلف زندگی اجتماعی (شهرنشینی، زندگی در روستا، زندگی عشایری و ...)، واحدهای اجتماعی (فئودالی، قبیله، دولت - شهر، امپراتوری و ...)، انواع حکومت (امپراتوری، خلافت، شاهنشاهی، فئودالی، شاهی، و ...)، تمدن و فرهنگ و ... از یک سو و تحولات این واحدهای اجتماعی و تغییر چهره‌ی جهان از سوی دیگر آشنا شدید.

با توجه به این که زندگی افراد در چارچوب جامعه‌ای شکل می‌گیرد که در آن زندگی می‌کنند و با فرض این که جهان از مجموعه‌ی جوامع شکل می‌گیرد. جهانی را که امروزه در آن زندگی می‌کنیم با جهان در دوره‌ی «قرون وسطا» مقایسه کنید.

برای این کار، ابتدا موضوعات یا محورهایی را برای مقایسه انتخاب کنید. سپس، زندگی جوامع را در این موضوعات یا محورها با هم مقایسه کنید. به چند موضوع یا محور حتماً توجه کنید: نوع (انواع) حکومت، رابطه‌ی حکومت و مردم، وضع اقتصادی و رابطه‌ی سیاسی و اقتصادی جوامع.

### جهان کنونی

**کشور -** امروز، همه‌ی ما در سرزمین یا کشوری به نام «ایران» که با مرزهایی از سایر سرزمین‌ها جدا شده است، زندگی می‌کنیم. افرادی را که در این محدوده زندگی

---

۱- برای انجام دادن فعالیت ورودی درس ۱، لازم است کتاب «تاریخ ایران و جهان ۱ و ۲» را همراه داشته باشید.

می‌کنند، به رغم زبان‌ها، مذهب‌ها و قومیت‌های متفاوت، به عنوان ایرانی می‌شناسیم، با آن‌ها احساس یگانگی می‌کنیم و سرنوشت مشترکی داریم. دیگران نیز، همانند ما در سرزمین‌هایی با مرزهای تعریف شده به نام کشور زندگی می‌کنند.

**نظام سیاسی واحد** — هر کشور با یک نظام سیاسی به عنوان «دولت» از سایر کشورها متمایز می‌شود که از جمله وظایف آن، حراست و دفاع از مرزها و مردمی است که در آن سرزمین زندگی می‌کنند یا متعلق به آن‌اند.

دولت، به عنوان نماینده‌ی مردمی که خود را متعلق به یک کشور می‌دانند، می‌کوشد تا میان بخش‌های سرزمینی که از آن به عنوان کشور یاد می‌شود، وحدت ایجاد کند؛ به جای گروه‌های رزمی محلی، قبیله‌ای و خانوادگی، «ارتش ملی» تشکیل می‌دهد و برای برقراری نظم در درون کشور، نیروی انتظامی و قوه‌ی قضائیه‌ی واحد ایجاد می‌کند که آنان نیز بر مبنای قانونی واحد یا قوانین محلی واحدی عمل می‌کنند.

برای اداره‌ی کشور، سازمان‌های اداری ایجاد می‌شود که کارکنان آن از دولت حقوق می‌گیرند. این سازمان‌ها مقررات واحدی را در زمینه‌های مختلف اعمال می‌کنند. زبان یا زبان‌های معینی به عنوان زبان رسمی مشخص می‌شود تا همه‌ی مکاتبات بر مبنای آن انجام شود.

در بیش‌تر کشورها، کسانی که می‌خواهند از آن کشور خارج یا به آن وارد شوند، باید از طریق گرفتن روادید (ویزا) و گذرنامه، از دولت‌ها اجازه بگیرند.

**نظام آموزشی واحد** — هر کشور نظام آموزشی خاصی دارد که همه‌ی آحاد مردم در آن با تعلیمات تقریباً واحدی آموزش می‌بینند و از آن با عنوان «نظام آموزش رسمی» یاد می‌شود.

**نظام اقتصادی واحد** — برای مبادله، پول واحدی مشخص می‌شود که دولت از طریق بانک مرکزی از آن حمایت می‌کند. به تبع آن، نظام بانکی در سراسر کشور شکل می‌گیرد و فعالیت اقتصادی را آسان می‌کند. با ایجاد و گسترش راه‌ها، حمل و نقل، ارتباطات (تلفن و ...) و برقراری امنیت در سراسر کشور و برخورد با قدرت‌های محلی و

یاغیان، مبادله‌ی کالا بین مناطق مختلف کشور آسان می‌شود. به تدریج، نظام توزیع تقریباً واحدی در سراسر کشور به وجود می‌آید که از آن به «بازار ملی» یاد می‌شود. بخش‌های تولیدی نیز از طریق بازار به هم پیوند می‌خورند.

به این ترتیب، بخش‌های مختلف اقتصاد به تدریج، از حالت مجزا و غیرپیوسته خارج می‌شوند و به صورت یک نظام اقتصادی که اجزای آن متقابلاً به هم وابسته‌اند، در می‌آیند. از این نظام، به «اقتصاد ملی» یاد می‌شود.

**دولت — ملت‌ها** — به واحدهای اجتماعی‌ای که در سرزمینی به عنوان کشور مستقرند و دارای نظام سیاسی، اقتصادی، آموزشی و ... واحدی هستند، از آن جهت که اعضای آن خود را به عنوان ملت می‌شناسند و توسط یک دولت، اداره و نمایندگی می‌شوند، «دولت — ملت» می‌گویند.<sup>۱</sup>

امروزه شکل غالب زندگی در جهان، زندگی در همین نوع واحدهای اجتماعی است.

## جهان گذشته

زمانی که به گذشته می‌نگریم، چهره‌ی دیگری از جهان را در برابر خود می‌یابیم.<sup>۲</sup> در گذشته، واحدهای فئودالی، عشیره‌ای و امپراتوری (شاهنشاهی، خلافت و ...) شکل غالب زندگی اجتماعی را در بخش‌های مختلف جهان تشکیل داده بودند.<sup>۳</sup>

در رأس واحد فئودالی، فردی قرار داشت که واحد اجتماعی را توسط افراد مسلحی که به وی وفادار بودند، اداره می‌کرد. مردم عادی هم رعیتی بودند که با ابراز وفاداری به ارباب، اجازه داشتند روی قطعه زمینی کار کنند و نان خود و ارباب را درآورند. مقام اربابی

---

۱- به این واحدها «گروه سرزمینی» و با کمی مسامحه، «جامعه» هم گفته می‌شود.

۲- تصویری که ارائه می‌شود، تصویر کاملی از تاریخ نیست بلکه شکل ساده شده‌ای است که امکان مقایسه را فراهم می‌سازد.

۳- البته واحدهای اجتماعی هم بودند که از یکی شدن مجموعه‌ای از واحدهای شهری و روستایی شکل گرفته بودند، اما به حد یک امپراتوری گسترش نمی‌یافتند. این‌ها، اشکال ناقص امپراتوری بودند.

## هند، امپراتوری مغول، ۱۶۰۵



منبع: <http://www.fsmitha.com/h3/map23-in.htm>

۱ (۸۴/۱۱/۱ - ۲۱ ژانویه ۲۰۰۶)

ارثی بود و اربابان، خود را از نژاد و خونی متفاوت با مردم عادی می‌دانستند. در رأس واحدهای عشیره‌ای، خان یا ریش‌سفیدانی قرار داشتند که گاه این سمت را به ارث می‌بردند و گاه اعضای با نفوذتر قبیله، آن‌ها را انتخاب می‌کردند. این ریش‌سفیدان، قبیله را براساس سنت و پیش‌تر به صورت شورایی، اداره می‌کردند. امپراتور، خلیفه، شاهنشاه، خاقان و ... در رأس امپراتوری قرار داشت. نخستین

۱- ذیل بعضی از نشانه‌های اینترنتی، زمان مراجعه به آن ذکر شده است. یادداشت زمان مراجعه از آن جهت مهم است که گاه اطلاعات آن نشانی، در طول زمان تغییر می‌کند و در مراجعه به نشانی ذکر شده، همان اطلاعاتی که در متن آمده، ممکن است در دسترس نباشد. این مطلب به ویژه برای سایت‌هایی که اطلاعات آماری دارند، اهمیت دارد؛ زیرا اطلاعات در هر دوره‌ی زمانی به روز می‌شود و تغییر می‌کند.

در واحدهای فئودالی و عشیره‌ای، اقتصاد شکل ساده‌ای داشت و اغلب خودبسند بود. در امپراتوری‌ها، بین واحدهای اجتماعی مختلف روابط تجاری شکل می‌گرفت و شهرها رونق می‌یافتند.

5

## مقایسه‌ی آفریقا در دو مقطع زمانی آفریقا تا ۱۵۰۰ میلادی



منبع: <http://www.fsmitha.com/h3/map15-af.htm>

## آفریقا در سال ۲۰۰۵



منبع: <http://www.fsmitha.com/world/map42af.htm>

(۸۴/۱۱/۱ - ۲۱ ژانویه ۲۰۰۶)

زمانی که گذشته و حال جهان را با هم مقایسه می‌کنیم، به تفاوت جدی زندگی امروز و دیروز پی می‌بریم.

در طول حدود دو هزار سال، از یک سو شاهد وجود واحدهای اجتماعی کوچک در قالب واحد فئودالی، قبیله‌ای و نظایر آن، و از سوی دیگر، شاهد شکل‌گیری امپراتوری‌ها هستیم که در آن، واحدهای اجتماعی کوچک‌تر به شکل واحدهای بزرگ‌تری در می‌آیند؛ این امپراتوری‌ها همه‌ی قلمروهای جهان را در بر نمی‌گرفتند و بعد از یک دوره‌ی شکوفایی، شاهد افول این امپراتوری‌ها و دوره‌ای از جداسدن واحدهای یکی شده هستیم؛ در حالی که در دوره‌ی جدید، نظامی شکل‌گرفت که اولاً، در کلّ جهان گسترش یافت و ثانیاً، با گذشت چند سده از عمر آن، هر چه پیش‌تر می‌رویم، واحدهایی که این نظام را تشکیل می‌دهند، بیش‌تر به هم وابسته می‌شوند.<sup>۱</sup>

با توجه به فراگیری این نظام در سطح کره‌ی زمین و یکی‌شدن روزافزون واحدهای اجتماعی مستقر در آن، از این نظام شکل‌گرفته و در حال توسعه، با عنوان «نظام جهانی» یاد می‌شود. نظام جهانی از ابعاد مختلف قابل بررسی است و در دروس بعدی به آن اشاره خواهد شد.

---

۱- در این درس و درس‌های بعد، از چند اصطلاح استفاده شده است که معنایی واحد یا نزدیک به هم دارند و همگی ترجمه‌های کلمه‌ی integration محسوب می‌شوند؛ از جمله «یکی‌شدن»، «وابستگی»، «بستگی»، «یگانگی» و «ادغام». این‌ها همگی بر یکی‌شدن دو یا چند واحد اجتماعی در یک یا چند بعد دلالت دارند. زمانی که این یکی‌شدن را از منظر نیازهای یک واحد اجتماعی به واحد اجتماعی دیگر در نظر می‌گیریم، ممکن است امری منفی به حساب آید؛ به همین جهت، این اصطلاح به «وابستگی» ترجمه می‌شود که معنایی منفی دارد؛ در حالی که از منظرهای دیگر، ممکن است امری خنثی یا مثبت باشد. در این حالت، به کلمه‌هایی مانند «ادغام»، «بستگی»، «یگانگی» و ... ترجمه می‌شود؛ مثلاً از منظر دولت - ملت‌ها، ممکن است یکی‌شدن واحدهای اجتماعی متعدد موجود در یک کشور، امری مثبت تلقی شود و از آن به یگانگی یاد کنند، در حالی که یکی‌شدن دولت - ملت با دیگر دولت - ملت‌ها امری منفی تلقی شود و به عنوان «وابستگی»، امری مذموم باشد.

### بررسی کنید



اخبار یکی از بخش‌های صدا یا سیما یا یک روزنامه را در یک روز، مرور و یادداشت کنید.

از بین خبرها، مواردی را که درباره‌ی رابطه‌ی اعضا یا واحدهای اجتماعی مختلف یک دولت – ملت با دولت – ملت دیگر است، جدا کنید.

– در این نوع خبرها، چه نوع فعالیت یا عملی توسط چه کسان یا واحدهایی انجام شده است؟

– هنجارهای حاکم بر این اعمال را مشخص کنید.

– در این باره داوری کنید که این هنجارها جزئی از نظام اجتماعی دولت –

ملت‌های معین (مثلاً ایران، چین، فرانسه و ...) اند یا این که به نظامی فراتر از این‌ها مربوط می‌شوند.

### درس را خلاصه کنید



.....

.....

.....



## تکوین نظام جهانی

**فکر کنید و پاسخ دهید**



در درس گذشته خواندید که امپراتوری یکی از انواع واحدهای اجتماعی است که در گذشته برای قرن‌های متوالی شکل غالب زندگی بوده است. هم‌چنین، آموختید که در امپراتوری، واحدهای اجتماعی مختلف با هم پیوند می‌یافته و به صورت یک واحد اجتماعی بزرگ‌تر در می‌آمده‌اند؛ از این رو، امپراتوری را می‌توان شبیه‌ترین واحد اجتماعی به نظام جهانی دانست.

با توجه به آن چه در کتاب تاریخ «ایران و جهان» خوانده‌اید و با اتکا به مطالب درس قبل، به سؤال زیر پاسخ دهید:

— چرا امپراتوری‌ها بعد از یک دوره شکوفایی (رشد)، دچار افول می‌شدند و جای خود را به امپراتوری دیگری می‌دادند، در حالی که نظام جهانی در طول یک دوره‌ی زمانی طولانی تداوم یافت و هنوز هم در حال توسعه است؟

### افول امپراتوری روم و شکل‌گیری واحدهای فئودالی

همان‌طور که در درس پیش خواندید، بخش عمده‌ای از تاریخ جهان را تاریخ امپراتوری‌ها تشکیل می‌دهد. واحدهای مستقل شهری، روستایی و ایلی، زمانی که در هم ادغام می‌شدند و به صورت یک امپراتوری (ناقص یا کامل) در می‌آمدند، از امکانی که برای برقراری رابطه‌ی امن بین آن‌ها پدید آمده بود، بهره‌مند می‌شدند و در دوره‌ای، توسعه و بهبودی را تجربه می‌کردند؛ زیرا می‌توانستند کالاهای افزون بر نیاز خود را با واحدهای دیگر مبادله کنند.

## امپراتوری عثمانی در قرن شانزدهم میلادی (قلمرو، شهرها و راه‌های تجاری)



منبع: <http://www.ottoman-traders.com/pix/trademap.jpg>

(۲۰۰۶ / ۲۱ ژانویه ۸۴ / ۱۱)

امپراتوری‌ها، برای حفظ و گسترش خود به طور روزافزون به منابع انسانی و مالی نیاز داشتند. تجمل‌گرایی عامل دیگری بود که نیاز امپراتوری را به منابع مالی بیش‌تر می‌کرد. این امر سبب می‌شد تا حکومت به اخذ مالیات بیش‌تر از واحدهای اجتماعی روی آورد؛ به این ترتیب، روند توسعه و رشد متوقف می‌شد و این، سرآغاز افول امپراتوری بود.<sup>۱</sup>

امپراتوری روم (غربی) نیز به همین ترتیب در سده‌ی پنجم میلادی از هم پاشید اما برخلاف سایر امپراتوری‌ها که بعد از دوره‌ای از هم پاشیدگی، دوباره احیا می‌شدند، به علت شرایطی که در اروپا پیش آمد، دوره‌ی از هم گسیختگی این امپراتوری ادامه یافت؛ بدین ترتیب، اروپا برای یک دوره‌ی تاریخی طولانی مدت به صورت فئودالی به زندگی خود ادامه داد.

۱- البته گاه یک حمله‌ی خارجی، این روند را تسریع می‌کرد.

## امپراتوری روم ۱۵۰ سال بعد از میلاد



منبع: <http://www.fsmitha.com/hl/map18rm.htm>

## بقایای امپراتوری روم در حدود ۵۰۰ میلادی

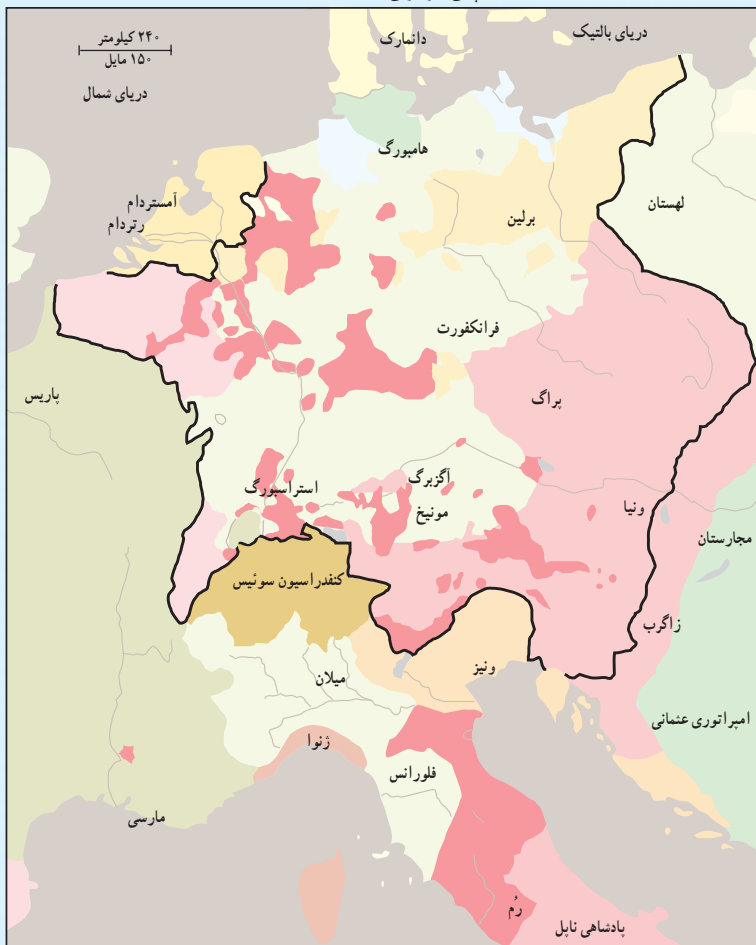


منبع: <http://www.fsmitha.com/h3/map01.htm>

(۸۴/۱۱ - ۲۱ ژانویه ۲۰۰۶)

بعد از دوره‌ای از قحطی، سختی و دوری از تمدن (که از آن به «دوره‌ی تاریک» یاد می‌شود)، دوره‌ای از رفاه نسبی پیش آمد، در این دوره، واحدهای فئودالی توانستند بخشی از تولید خود را انباشت کنند و به داد و ستد با واحدهای دیگر فئودالی پردازند. این امر به معنای آمادگی برای شکل‌گیری امپراتوری جدید بود اما چنین امری رخ نداد بلکه صورت دیگری از زندگی اجتماعی که نظام جهانی کنونی ادامه و گسترش آن است، شکل گرفت.

اروپای مرکزی در سال ۱۶۴۸



منبع: <http://www.fsmitha.com/h3/map18-eu.htm>

(۲۱ ژانویه ۲۰۰۶)

علامت (—)، مرزهای امپراتوری روم مقدس است. هر رنگ قلمرو یک پادشاهی را نشان می‌دهد.

تداوم زندگی فئودالی طیّ یک دوره‌ی طولانی، هنجارها و مقرراتی را شکل داده بود که امکان این که یک یا چند تن از فئودال‌ها بتوانند همه‌ی اروپا را تحت تسلط خود درآورند، از بین رفته بود.

برای مدت‌های مدید، پادشاهان توسط فئودال‌ها انتخاب می‌شدند اما قدرت آن‌ها به قلمرو فئودالی خود آن‌ها محدود بود و امکان اعمال قدرت در قلمرو فئودال‌های دیگر را نداشتند. این امکان هم برای آن‌ها وجود نداشت که نیروی نظامی وسیعی را که قادر باشد بر قلمروهای فئودالی دیگر مسلط شود، تدارک ببینند؛ زیرا هرگونه اقدامی از این نوع، بر اساس هنجارهای فئودالی و شوالیه‌گری، ناموجه تلقی می‌شد و واکنش سایر فئودال‌ها را برمی‌انگیخت.

### شکل‌گیری شهرهای مستقل در اروپا

با توجه به شرایطی که در بالا به آن اشاره شد، به جای شکل‌گیری امپراتوری جدید، به تدریج، در کنار واحدهای فئودالی شهرهای مستقل شکل گرفتند. این شهرها – برخلاف شهرهایی که در امپراتوری‌ها شکل می‌گرفتند و توسط حکومت‌ها ساخته می‌شدند – توسط اعضای شهر اداره می‌شدند و حداکثر، حمایت تلویحی فئودال‌های مجاور را به همراه داشتند. شهرهای امپراتوری معیشت خود را عمدتاً از طریق مالیاتی که توسط حکومت امپراتوری اخذ می‌شد، می‌گذراندند (مستقیم یا غیرمستقیم)؛ در حالی که شهرهای جدید، عمدتاً از طریق تجارت بین واحدهای فئودالی و صنعت امرار معاش می‌کردند و به مالیات و عوارضی که فئودال‌ها می‌گرفتند، وابسته نبودند.

این شهرها محلّ تجمع و زندگی بازرگانان و صنعتگران بود؛ آن‌ها فئودال محسوب نمی‌شدند و در حکومت اشراف سهمی نداشتند و حتی مورد تحقیر آن‌ها هم قرار می‌گرفتند؛ زیرا نه اصالت نجیب‌زادگی داشتند و نه به خاک و قلمرو فئودالی وابسته بودند تا به موجب آن مورد حمایت قرار گیرند و ارجمند شناخته شوند؛ به همین جهت، اصطلاح «بورژوا» که بر شهرنشینی دلالت داشت و بعدها به تاجران شهری اطلاق گردید، منفی و تحقیرآمیز تلقی می‌شد. از سوی دیگر، بورژواها به دلیل هنجارها و مقرراتی که وجود داشت، امکان این را هم نداشتند که بعد از تحصیل مال، زمینی را به تملک درآورند و در جرگه‌ی اشراف قرار گیرند.

شرایطی که گفته شد، بورژوا را به این سمت سوق می‌داد که هر چه بیش‌تر به مال‌اندوزی بپردازد و در عرصه‌ی تجارت و صنعت فعال شود؛ به عبارت دیگر، کسب سود و شکل دادن به سرمایه‌ی بیش‌تر، به مهم‌ترین هدف زندگی بورژواها تبدیل شد.

### شکل‌گیری دولت - ملت‌ها در اروپا

گسترش تجارت و ضرورت شکل‌گیری نوع جدیدی از حکومت — با ادامه‌ی



حیات شهرها، به تدریج توانایی اقتصادی آنها افزایش یافت و نیاز به تجارت در مسیرهای طولانی‌تر و به بیانی، گسترش بازار احساس شد. این امر، مستلزم شکل‌گیری حکومت‌هایی بود که قلمرو وسیع‌تری داشته باشند و بتوانند امنیت راه‌ها و بازار را تأمین کنند.

**تغییر رابطه‌ی سیاست و اقتصاد —** برخلاف امپراتوری‌ها که در نتیجه‌ی ائتلاف اربابان، خان‌ها و ریش‌سفیدانی که بر دام و زراعت (کشاورزی) تسلط داشتند، شکل می‌گرفتند و در خدمت اربابان، برده‌داران و ... بودند، حکومت‌های جدید باید به تجار و صنعتگران خدمت می‌کردند و شرایط ادامه‌ی حیات و فزون‌طلبی آنها را فراهم می‌آوردند. این وظیفه را ابتدا، پادشاهی‌هایی که قبلاً با توافق فئودال‌ها شکل گرفته بودند و سابقه‌ی اشرافی داشتند، برعهده داشتند اما به تدریج، پادشاهی‌ها به سمت حکومت‌های مردم‌سالار تغییر یافت و آنها این وظیفه را برعهده گرفتند. در این حکومت‌ها، نمایندگان مردم یا بخش‌هایی از آنها، تعیین می‌کردند که حاکمان چه باید بکنند؛ زیرا حکومت باید منافع شهری‌ها را تأمین می‌کرد نه اشراف را.

به این ترتیب، نوع جدیدی از حکومت شکل گرفت که به گسترش بازار برای بورژوازی (تجارت و صنعت) متعهد بود و بقای آن به توسعه و رونق تجارت و صنعت بستگی بسیار داشت.

**تغییر بنیان مشروعیت —** تغییر دیگری که در این میانه رخ داد، تغییر در اعتقاداتی بود که حکومت‌ها بر مبنای آن، اعمال قدرت خود را توجیه می‌کردند؛ از آن با عنوان «مشروعیت» یاد می‌شود.

در قرون وسطا حکومت‌ها به طور مستقیم توسط پاپ و کلیسا تعیین می‌شدند یا این که حکومت‌های اروپایی مجبور بودند که به نحوی تأیید کلیسا را کسب کنند. دلیل آن هم این بود که قلمروهای فئودالی، بازمانده‌ی امپراتوری‌ای بود که مسیحیت را پذیرفته بود و برای تبلیغ و اشاعه‌ی آن تلاش می‌کرد؛ به عبارت دیگر، نوعی پیوند قوی بین زندگی فئودالی و حکومت فئودال‌ها و کلیسا وجود داشت.<sup>۱</sup>

---

۱- در تاریخ خواندید که قلمروهای فئودالی، به عنوان اسقف‌نشین، از هم متمایز می‌شدند و در دوره‌ای، بخشی از تلاش حکام و فئودال‌ها بر این بود که حداقل، اسقف منطقه‌شان را خود تعیین کنند. این امر از غلبه و حاکمیت کلیسا بر زندگی مردم اروپا در آن دوران، حکایت دارد.

زمانی که شهرهای مستقل، در برابر اشرافیت فئودالی شکل گرفتند، هم‌زمان با مقابله با اشرافیت فئودالی، شهرها با کلیسا نیز به مبارزه برخاستند؛ زیرا عقاید کلیسایی، از یک سو به عقایدی تبدیل شده بود که اشرافیت فئودالی را تأیید می‌کرد و از سوی دیگر، با «مال‌اندوزی» و «توجه به دنیا»ی بورژوازی مخالف بود؛ از این رو، بورژوازی در عرصه‌ی عقاید نیز راه خود را از اشرافیت گذشته جدا کرد.

این زمینه را «رنسانس» فراهم کرده بود. رنسانس با داعیه‌ی بازگشت به دوره‌ی طلایی روم، نگاهی منفی به مسیحیت داشت؛ زیرا آن را عامل اضمحلال قدرت روم می‌دانست. هم‌چنین، در برابر نگاه منفی کلیسا به «دنیا»، «کار»، «جسم»، «قدرت این دنیایی» و به طور کلی، «دنیا» و «انسان»، رنسانس نگاهی مثبت به این امور را تبلیغ می‌کرد. حکومت که قبلاً مبنایی خدایی داشت (و پاپ به عنوان نماینده‌ی خدا در زمین باید آن را تأیید می‌کرد)، مبنایی انسانی و دنیایی یافت. حکومت‌ها به نمایندگی از ملت و مردم – نه به نمایندگی از پاپ – قدرت را کسب و اعمال می‌کردند.

### **بورژوازی و رشد صنعت**

وجود شهرهای مستقل که عمدتاً از تاجران و صنعتگران تشکیل شده و در رقابت با واحدهای فئودالی بودند، سرنوشت صنعت را تغییر داد.

در گذشته، هرگاه امپراتوری‌ای تشکیل می‌شد، صنعتگران را از گوشه و کنار فرا می‌خواند اما همین که امپراتوری رو به افول می‌گذاشت، صنعت هم رونق خود را از دست می‌داد؛ بنابراین، در تاریخ شاهد دوره‌هایی از رونق و افول دانش و صنعت هستیم که تا حد زیادی تابع پایداری امپراتوری‌ها بوده است.

اما در شهرهایی که حیات آن‌ها به تجارت و صنعت وابسته بود، رشد صنعت از سود و سرمایه‌ای متأثر می‌شد که در اختیار بورژوازی قرار داشت؛ بنابراین، رشد صنعت بیش از آن که تحت تأثیر دوام و ثبات حکومت باشد، از وضعیت سرمایه و بورژوازی تأثیر می‌پذیرفت؛ از این رو، نوعی پیوند بین رشد سرمایه و توسعه‌ی صنعت شکل گرفت که تا



امروز هم ادامه دارد.<sup>۱</sup>

### شکل‌گیری هسته‌ی اولیه‌ی نظام جهانی

با توجه به آنچه گفته شد، بین فعالیت اقتصادی (تجارت و صنعت) و حکومت وابستگی متقابلی پدید آمد که در آن، تقدم و تفوق از آن بخش اقتصادی بود؛ زیرا اگر حکومت‌ها راه را برای تجارت و کسب سود بیش‌تر تاجران و صنعتگران باز نمی‌کردند، خود از منافع تجارت که به صورت مالیات در اختیار آن‌ها قرار می‌گرفت، محروم می‌شدند. علاوه بر این، ممکن بود با اعتراض و شورش شهریان نیز روبه‌رو شوند.

این نوع زندگی که ابتدا در اروپای غربی شکل گرفت و سپس به سراسر جهان گسترش یافت، هسته‌ی اولیه و اصلی نظام جهانی محسوب می‌شود.

براین اساس، می‌توان تفاوت نظام جهانی با امپراتوری را در نوع رابطه‌ی سیاست با اقتصاد و حکومت با تولید و تجارت دانست که به نوبه‌ی خود، نوع معیشت غالب را از کشاورزی به صنعت تغییر داده است.

برخلاف امپراتوری که در آن، رونق تولید شهری و تجارت به توسعه و قدرت حکومت وابسته بود، در نظام جهانی، حکومت به تولید شهری (صنعت و خدمات) و تجارت وابسته است؛ بنابراین، برخلاف گذشته که رونق و افول تمدن و صنعت در بسیاری از بخش‌های جهان، در پرتو شکوفایی و افول امپراتوری‌ها بوده است، در دوره‌ی جدید، تغییراتی را که در عرصه‌ی سیاست رخ می‌دهد، می‌توان نتیجه‌ی تغییر در عرصه‌ی اقتصاد محسوب کرد یا دست کم، اقتصاد را از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار به حساب آورد.

---

۱- البته اعتقادی وجود دارد مبنی بر این که تغییر در اندیشه و فکر اروپایی‌ها، زمینه را برای تقویت دانش‌های تجربی فراهم کرد و این امر به نوبه‌ی خود راه را بر رشد صنعت گشود. مقایسه‌ی تاریخی نشان می‌دهد، چنین شرایطی در جوامع و دوره‌های دیگری از تاریخ هم وجود داشته، اما به چنین رشد و توسعه‌ای منجر نشده است. برای نمونه، می‌توان به رشد دانش‌های تجربی در تمدن اسلامی اشاره کرد که بعد از یک دوره‌ی رشد با توقف مواجه می‌شود که ریشه‌ی آن را باید در شرایط اجتماعی امپراتوری و ... یافت.

### بررسی کنید



الف – درباره‌ی وضع علم و صنعت در بین مسلمانان مطالبی در کتاب «تاریخ» خوانده‌اید. با توجه به مطالب درس و آنچه درباره‌ی جابه‌جایی و تغییر حکومت‌ها خوانده‌اید، به سؤال زیر پاسخ دهید.

● چرا علم و صنعت در بین مسلمانان رو به افول نهاد؟

ب – بسیاری از تحلیلگران تاریخ، حمله‌ی مغول به قلمروهای اسلامی را از عوامل عمده‌ی افول علم و تمدن در بین مسلمانان می‌دانند. به نظر شما، اگر چنین حمله‌ای رخ نمی‌داد، با توجه به این که شکل زندگی غالب در قلمرو مسلمانان، امپراتوری بود، آیا جریان علم و صنعت در بین مسلمانان ادامه می‌یافت یا به شکل دیگری راه زوال را در پیش می‌گرفت؟ در این مورد استدلال کنید.

### درس را خلاصه کنید



.....

.....

.....

## گسترش جغرافیایی نظام جهانی

**فکر کنید و پاسخ دهید**



در کتاب «تاریخ ایران و جهان» خواندید که چگونه امپراتوری‌ها قلمرو خود را گسترش می‌دادند و به قدرت خود می‌افزودند. هم‌چنین، با لشگرکشی کشورهای اروپایی در دوره‌ی جدید و پدیده‌ی «استعمار» آشنا شدید. با توجه به دانسته‌های خود و مطالب دروس قبلی، به سؤال زیر پاسخ دهید.

— چرا امپراتوری‌ها تا حدّ معینی گسترش می‌یافتند و بعد از آن دچار آفت از دست دادن سرزمین می‌شدند، در حالی که نظام جهانی، کلّ قلمرو کره‌ی زمین را در برگرفت؟ به عبارت دیگر، بین جهان‌گشایی امپراتوری‌ها و جهان‌گشایی کشورهای اروپایی در دوره‌ی جدید چه تفاوتی وجود دارد؟

### جهان‌گشایی حکومت‌های اروپایی

حکومت‌هایی که در پیوند با بورژوازی شکل گرفته بودند، عمدتاً تحت تأثیر نیاز بازرگانان و صنعتگران به تجارت و تهیه‌ی موادّ اولیه از مناطق دیگر، متوجه جوامع و قلمروهای دیگر شدند.

اروپایی‌ها، زمانی که پا را از قاره‌ی اروپا بیرون نهادند، برخلاف دوره‌ی جنگ‌های صلیبی که شاهان فتودال و فتودال‌ها به لشگرکشی می‌پرداختند، بیش‌تر، در قالب کاروان‌های تجاری — نظامی درصدد کشف سرزمین‌های جدید، دست‌یابی به ثروت‌های افسانه‌ای هند و کالاهای گران‌قیمت چین برآمدند.

نتیجه‌ی این سفرها، کشف سرزمین‌های جدید و بعدها استعمار قلمروهای دیگر بود.

اولین کشورهای استعمارگر، اسپانیا و پرتغال بودند اما به زودی جای خود را به کشورهای هلند و بعد انگلیس، فرانسه و ... دادند. علت آن هم این بود که حکومت‌های اسپانیا و پرتغال ساختاری شبیه امپراتوری‌ها داشتند؛ در حالی که هلند و انگلیس، کشورهای بودند که در آن‌ها نیروهای شهری (بورژواها) رشد بیش‌تری پیدا کرده بودند.

زمانی که ثروت قلمروهای دیگر تحت عنوان استعمار، غارت شد و به کشورهای اروپایی انتقال یافت، کشورهای چون پرتغال و اسپانیا، این ثروت بادآورده را همچون امپراتوری‌ها عمدتاً صرف ساختن کاخ‌ها و تجهیز بیش‌تر نیروهای نظامی کردند و به صورت گنج درآوردند؛ در حالی که در انگلیس، این ثروت غارت شده در شهرهایی که زندگی خود را از طریق تجارت و صنعت می‌گذراندند، صرف رشد صنعت شد و در نتیجه‌ی رشد صنعت، آن چه از آن به عنوان «انقلاب صنعتی» یاد می‌شود، شکل گرفت.<sup>۱</sup>

صنعت به نوبه‌ی خود، توانایی این نوع جوامع را برای تصرف قلمروهای بیش‌تر، افزایش می‌داد (از طریق ساختن جنگ‌افزار مجهزتر و ...) و این امر، انتقال ثروت بیش‌تر به مراکز این کشورها را ممکن می‌ساخت؛ به این ترتیب، هر روز بر قلمرو حکومت‌های اروپایی افزوده می‌شد.

## استعمار و ادغام<sup>۲</sup> واحدهای اجتماعی

همگام با استعمار، حکومت‌هایی شکل گرفتند که اگر چه ظاهر آن‌ها مانند امپراتوری‌ها بود و مانند آن‌ها نیز گسترش سرزمینی می‌یافتند، اما نوع روابطی که بین بخش‌ها و واحدهای مختلف آن‌ها وجود داشت، با رابطه‌ی واحدها در امپراتوری متفاوت بود. برخلاف امپراتوری‌ها که واحدهای اجتماعی تشکیل‌دهنده‌ی آن‌ها از نظر اقتصادی تا حد زیادی خود بسنده بودند و فقط بخشی از مازاد (ارزش افزوده)<sup>۳</sup> خود را در قالب مالیات و ... در

---

۱- درباره‌ی انقلاب صنعتی در کتاب «تاریخ ایران و جهان»، هم‌چنین، «اقتصاد» سال دوم (قسمت «انقلاب صنعتی»)، این مفهوم توضیح داده شده است.

۲- در پاورقی درس ۱، در خصوص این مفهوم توضیح داده شده است.

۳- در کتاب «اقتصاد»، در صفحه‌ی ۲۴ با مفهوم «ارزش افزوده» آشنا شده‌اید.

اختیار حکومت مرکزی قرار می‌دادند، در مستعمره‌ها، ضمن این که مازاد توسط حکومت مرکزی به زور تصرف می‌شد، اقتصاد آن‌ها نیز دگرگون می‌گردید؛ زیرا مجبور بودند موادّ مورد نیاز اقتصاد کشورهای اروپایی را تولید کنند.

این امر، خودکفایی آن اقتصاد را از بین می‌برد که از آن با عنوان «ادغام»، «وابستگی» یا «بستگی» یاد می‌شود.

با توجه به رابطه‌ی متقابل حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی با هم (سیاست، اقتصاد، فرهنگ و ...)، در استعمار، با ادغام اقتصاد مستعمره در اقتصادی دیگر، سایر وجوه زندگی نیز متناسب با این ادغام تغییر می‌یافت.

به همین سبب، پس از آن که قدرت اروپایی‌ها در نگهداری مستعمره‌ها کاهش یافت و نهضت‌های استقلال طلبانه اوج گرفتند و مستعمره‌ها استقلال یافتند، برخلاف فروپاشی امپراتوری که در آن واحدهای اجتماعی به حالت خودبستگی قبلی خود باز می‌گشتند، وابستگی اقتصادی این کشورها به استعمارگران باقی ماند. در این حالت، اگر چه مستعمره و استعمارگر قبلی دو واحد سیاسی مستقل (دولت - ملت) محسوب می‌شدند اما وابستگی یا ادغام اقتصادی که قبلاً شکل گرفته بود، تداوم می‌یافت.

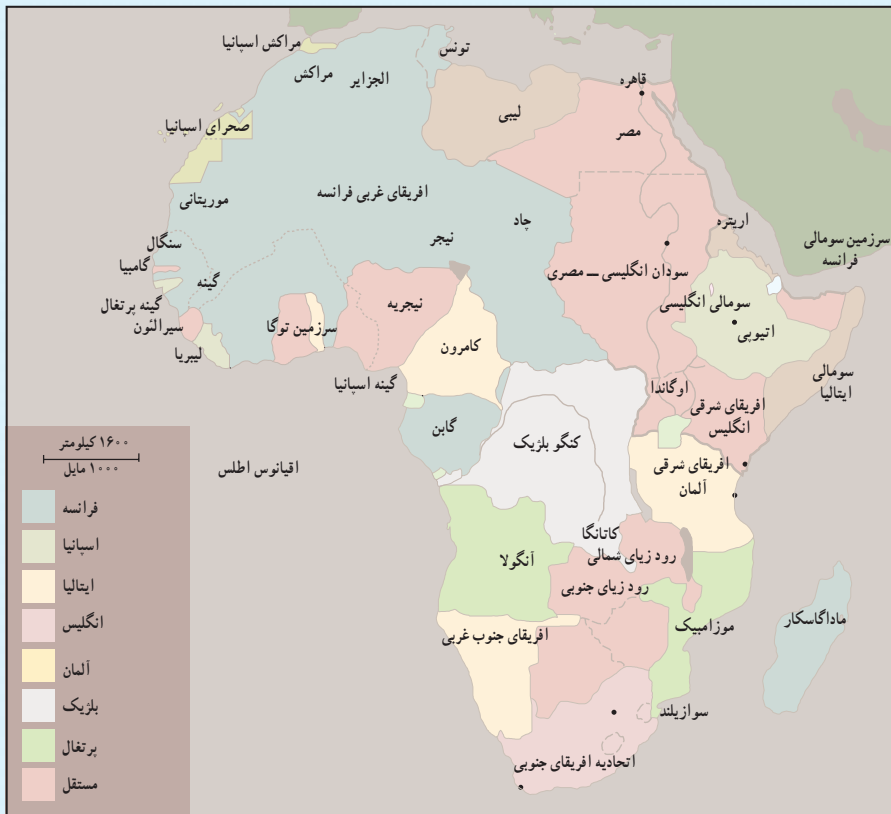
### شکل گیری رابطه‌ی مرکز - پیرامون<sup>۱</sup>

با توجه به این که رابطه‌ی اقتصادی بین استعمارگر و استعمارشده، با اراده‌ی حکومت‌های استعمارگر و منافع سرمایه‌داران آن‌ها شکل گرفته بود، از ابتدا، به نفع سرمایه‌داران حکومت استعمارگر بود و رابطه‌ای تابعی تلقی می‌شد؛ زیرا اقتصاد کشور مستعمره با نیازهای اقتصاد حکومت استعمارگر سازگار شده بود نه به عکس؛ از این رو، از این رابطه با عنوان رابطه‌ی مرکز - پیرامون یاد می‌شود.

---

<sup>۱</sup> - Core-periphery

## مرز قلمرو کشورهای اروپایی در آفریقا (مستعمره‌ها)، سال ۱۹۱۴



منبع: <http://www.fsmitha.com/h2/map02af.htm>

(۲۱ ژانویه ۲۰۰۶)

نقشه نشان می‌دهد که در سال ۱۹۱۴، تقریباً تمام آفریقا، مستعمره‌ی کشورهای اروپایی بوده و بخشی از قلمرو آن‌ها محسوب می‌شده است.

## امپراتوری‌ها و جهان‌گشایی اروپایی‌ها

زمانی که اروپایی‌ها به خارج از کشورهای خود گام نهادند، هنوز امپراتوری‌های متعددی در عرصه‌های دیگر جهان وجود داشت: مانند چین، عثمانی، ایران و ... که حکومت‌های اروپایی توانایی رویارویی نظامی با آن‌ها را نداشتند. جهت کلی برخورد اروپایی‌ها با این نوع جوامع، این بود که به نحوی امکان تجارت، در شرایطی که به نفع

بازرگانان و تولیدکنندگان اروپایی باشد، فراهم شود که از آن با عنوان «تجارت تعرفه‌ای» (تجارت تحت شرایط تعرفه‌ای) یاد می‌شود.<sup>۱</sup> در این راه، کشورهای اروپایی از حمله‌های محدود نظامی یا تهدید به آن، نفوذ در حکومت امپراتوری‌ها، ایجاد آشوب یا حتی روابط مسالمت‌آمیز، استفاده می‌کردند.

با تسلط جوامع اروپایی بر بخش‌هایی از بازار امپراتوری‌ها، این امکان برای سرمایه‌داران اروپایی پدید آمد که به تدریج مانند مستعمره‌ها، تولید این جوامع را هم در جهت هدایت کنند که به نیازهای اقتصاد آن‌ها پاسخ دهد و همان رابطه‌ای که با مستعمره‌ها در زمینه‌ی اقتصاد شکل گرفته بود، پدید آید (یعنی رابطه‌ی مرکز – پیرامون).

با تغییر رابطه‌ی اقتصادی و مشکلاتی که برای امپراتوری‌ها پیش آمد، به تدریج حکومت‌های امپراتوری هم به حکومت‌های ملی تغییر یافتند و گاه در قلمرو یک امپراتوری ده‌ها دولت – ملت، که هر یک داعیه‌ی خاستگاه متفاوتی را داشتند، سربرآوردند. بهترین نمونه، تبدیل امپراتوری عثمانی به ده‌ها کشور عربی در خاورمیانه، ترکیه، و کشورهای متعدد در شبه جزیره‌ی بالکان است.

به این ترتیب، امپراتوری‌ها نیز به دولت – ملت‌هایی تغییر شکل دادند که به اقتصاد جوامع اروپایی وابسته بودند.

---

۱- تعرفه، مالیاتی است بر واردات یا صادرات کالا، که گاه از آن به عنوان «حقوق گمرکی» یاد می‌شود. تعرفه‌ی حمایتی معمولاً به کالاهای وارداتی بسته می‌شود و هدف آن، دست‌کاری قیمت‌های در حال افزایش یا حمایت از صنایع داخلی در برابر رقابت خارجی است. منظور از «تجارت تعرفه‌ای» تجارتی است که در آن، مالیات بر واردات به نحوی تنظیم می‌شود که قیمت کالای خارجی در داخل کشور دیگر، کم‌تر از قیمت کالاهای تولید شده در داخل آن کشور باشد و به این ترتیب، کالای خارجی به تدریج جای کالای داخلی را بگیرد.

برای مثال، در ایران دوره‌ی قاجار، از کالاهای داخلی انواع عوارض و مالیات‌ها وصول می‌شد؛ در حالی که در قراردادهای تجاری بین ایران و کشورهای اروپایی، ایران متعهد می‌شد که یک‌بار از کالاهای خارجی مالیات اخذ کند که مقدار آن کم‌تر از مجموعه‌ی مالیات‌ها و عوارضی می‌شد که از کالاهای داخلی اخذ می‌شد.

## جهان به عنوان یک نظام اقتصادی

بنابر آن چه گفتیم، بعد از وقایعی که در اروپا رخ داد و در آن، واحدهای فئودالی از بین رفتند و حکومت‌های دولت – ملت سربرآوردند، به تدریج، از طریق استعمار و تجارت تعرفه‌ای، اقتصادهای نسبتاً مستقل از یکدیگر در سراسر جهان به اقتصاد این جوامع وابسته شدند؛ بدین ترتیب، اقتصاد واحدی شکل گرفت که در مرکز آن جوامع صنعتی‌تر و در پیرامون آن، جوامع کم‌تر صنعتی یا غیرصنعتی قرار داشتند.



### بررسی کنید



با توجه به آن چه آموختید، مجدداً مطالب «تاریخ ایران و جهان» را مرور کنید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

— به نظر شما در دوره‌ی قاجاریه، از دست دادن بخش‌هایی از کشور در شمال غربی و شرق در عقب‌ماندگی و وابستگی ایران تأثیر بیش‌تری داشت یا قراردادهای تجاری بین ایران و کشورهای اروپایی که امکان تجارت به نفع تاجران اروپایی را فراهم می‌کرد؟ در این باره استدلال کنید.

— واگذاری امتیاز استخراج نفت در جنوب به انگلیسی‌ها نقش مهم‌تری در وابستگی ایران داشت یا از دست دادن سرزمین‌های شمالی و شرقی؟

— نقش بازار، به ویژه اصناف، کسبه‌ی جزء و صنعتگران را در رویدادهای زیر چگونه تحلیل می‌کنید؟

الف — جنبش تنباکو

ب — انقلاب مشروطه

— به نظر شما، در دوره‌ی قاجاریه، ورود عقاید و باورهای جدید، در شکل‌گیری انقلاب مشروطه و تغییرات بعد از آن اهمیت بیش‌تری داشت یا شرایط اقتصادی‌ای که تحت شرایط تجارت تعرفه‌ای شکل گرفته بود؟ در این باره استدلال کنید.

### درس را خلاصه کنید



.....

.....

.....

## نهادمندی نظام جهانی

در درس گذشته، به نحوه‌ی شکل‌گیری دولت – ملت‌ها و نوع رابطه‌ی آن‌ها با سرمایه‌داران، فعالیت دولت‌ها و سرمایه‌داران در جهان اشاره کردیم. در این درس می‌خواهیم درباره‌ی نهادمندی نظام جهانی سخن بگوییم.

**گفت و گو کنید**



با توجه به آن‌چه در درس قبل گفتیم و با استفاده از مطالب درس‌های ۸ تا ۱۰ کتاب «تاریخ ایران و جهان ۲»، درباره‌ی علل وقوع جنگ جهانی اول و دوم و شکل‌گیری سازمان ملل گفت و گو کنید.

### جهان‌گشایی دولت – ملت‌ها و پیامد آن

زمانی که دولت – ملت‌های اروپایی شکل گرفتند، هریک سرمایه‌داران خاص خود را داشتند (سرمایه‌داران بومی – ملی)؛ به همین جهت، حکومت‌های آن‌ها تلاش می‌کردند تا عرصه‌ی عمل سرمایه‌داران بومی را گسترش دهند. این امر، دوره‌ای از جنگ‌های طولانی بین این حکومت‌ها را در خود اروپا و خارج از آن در پی داشت که اوج آن، جنگ جهانی اول و دوم<sup>۱</sup> بود.

در جنگ جهانی دوم، حدود ۵۰ میلیون نفر (نظامی و غیرنظامی) کشته شدند (حدود ۲ درصد جمعیت جهان در آن زمان)<sup>۲</sup>. این اولین جنگی بود که در آن از سلاح هسته‌ای استفاده شد.

۱ – World War I & World War II

۲ – <http://www.nationmaster.com/encyclopedia/List-of-World-War-II-casualties-by-country>



منبع: <http://www.unic-ir.org/about-un/f-about-the-un.htm>

### طرح صلح و امنیت جهان به عنوان هدف مشترک کشورها

خسارت‌های ناشی از دو جنگ جهانی، به‌ویژه جنگ دوم، سبب شد تا «صلح و امنیت جهانی»<sup>۱</sup> به‌عنوان یک هدف مشترک برای کشورها مطرح و به شکل‌گیری سازمان ملل متحد<sup>۲</sup> در سال ۱۹۴۵ منجر شد.<sup>۳</sup>

در «منشور ملل متحد»<sup>۴</sup>، اهداف این سازمان این‌گونه معرفی شده‌اند:

- حفظ صلح و امنیت بین‌المللی
- توسعه‌ی روابط دوستانه در بین ملل
- حصول همکاری بین‌المللی در حل مسائل بین‌المللی که دارای جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا بشردوستانه است در جهت پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و

۱— World Peace and Security

۲— United Nations or UN

۳— برای کسب اطلاع بیش‌تر از سازمان ملل (به فارسی) می‌توانید به نشانی: <http://www.unic-ir.org>، که سایت فارسی سازمان ملل است، مراجعه کنید. همچنین، می‌توانید کتاب «آشنایی با قوانین» را که «دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی» (وزارت آموزش و پرورش) تدوین کرده است، مطالعه کنید.

۴— Charter of the united Nations

در مقدمه‌ی «منشور ملل متحد» آمده است: «ما مردم ملل متحد با تصمیم به محفوظ داشتن نسل‌های آینده از بلای جنگ که دو بار در مدت یک عمر انسانی، افراد بشر را دچار مصائب غیرقابل بیان نموده،..... و برای نیل به این هدف‌ها: به رفق و مدارا کردن و زیستن در حال صلح با یک‌دیگر با یک روحیه حسن هم‌جواری و به متحد ساختن قوای خود برای نگهداری صلح و امنیت بین‌المللی..... مصمم شده‌ایم که برای تحقق این مقاصد، تشریک مساعی کنیم. در نتیجه، دولت‌های متبوع ما توسط نمایندگان خود..... یک سازمان بین‌المللی را که موسوم به ملل متحد خواهد بود، تأسیس می‌کنند.»<sup>۱</sup>

(منبع: <http://www.unic-ir.org>)

روند رشد عضویت کشورها در سازمان ملل متحد (۱۹۴۵-۲۰۰۳)

سال	تعداد عضو
۱۹۴۵	۵۱
۱۹۶۰	۱۰۰
۱۹۷۸	۱۵۰
۲۰۰۲	۱۹۱

منبع: [http://www.unic-ir.org/about\\_un/ravande-roshd-f.htm](http://www.unic-ir.org/about_un/ravande-roshd-f.htm)

(در این منبع، نام اعضا و زمان پیوستن آن‌ها به سازمان ملل هم آمده است.)

آزادی‌های اساسی برای همگان بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب.

## ارکان سازمان ملل

تشکیلات (ارکان) اصلی سازمان ملل عبارت‌اند از: مجمع عمومی<sup>۲</sup>، شورای امنیت<sup>۳</sup>، شورای اقتصادی و اجتماعی<sup>۴</sup>، شورای قیمومت<sup>۵</sup>، دیوان داورى بین‌المللی<sup>۶</sup> (لا‌هه) و دبیرخانه<sup>۷</sup>.

۱- کلیه‌ی مطالبی که در این کتاب، از منابع مختلف نقل می‌شود، با دخل و تصرف نقل می‌شود و نباید آن را «نقل قول مستقیم» تلقی کرد.

۲- General Assembly

۳- Security Council

۴- Economic and Social Council

۵- Trusteeship Council

۶- International Court of Justice

۷- Secretariat

مجمع عمومی سازمان ملل، یک مجلس جهانی است که در آن، نمایندگان کشورهای عضو با حق رأی مساوی شرکت می‌کنند. هر کشور می‌تواند حداکثر پنج نماینده‌ی رسمی و پنج نماینده‌ی علی‌البدل داشته باشد. مجمع عمومی هر سال یک بار جلسه‌ی عمومی دارد. مجمع عمومی صلاحیت مذاکره درباره‌ی کلیه‌ی مسائلی را که در چارچوب منشور سازمان ملل قرار گرفته است، دارد.

شورای امنیت پانزده عضو دارد؛ پنج عضو دائم و ده عضو غیردائم که مجمع عمومی، آن‌ها را برای مدت ۲ سال انتخاب می‌کند. اعضای دائم شورای امنیت عبارت‌اند از: آمریکا، روسیه، انگلیس، فرانسه و چین. این اعضا در شورای امنیت از حق «تو» برخوردارند. وظیفه‌ی دبیرخانه که در رأس آن دبیرکل سازمان ملل قرار دارد، هماهنگی و نظم بخشیدن به کلیه‌ی امور سازمان است. دبیرخانه، مصوبات مجمع عمومی و شورای امنیت و سایر دستگاه‌ها را مستقیماً اجرا می‌کند یا بر اجرای آن‌ها نظارت مستقیم دارد. دبیرکل به پیشنهاد شورای امنیت و تصویب مجمع عمومی برای مدت پنج سال انتخاب می‌شود. دیوان دآوری بین‌المللی، رکن قضایی اصلی ملل متحد است که اعضا برای حل اختلافات خود به آن مراجعه می‌کنند. هم‌چنین، مورد مشورت حقوقی شورای امنیت و سایر واحدهای سازمان ملل قرار می‌گیرد.

منبع: <http://www.unic-ir.org/publications/farsi/manshoor-melale-motehed.htm>

در طول بیش از نیم قرن که از تشکیل این سازمان می‌گذرد، مجموعه‌ی وسیعی از سازمان‌ها در زیرمجموعه‌ی هریک از این ارکان شکل گرفته است. تصویر صفحه‌ی بعد به صورت خلاصه آن‌ها را نشان می‌دهد.

از جمله سازمان‌هایی که فعالیت اقتصادی دارند و در کتاب «اقتصاد» درباره‌ی آن‌ها مطالبی خوانده‌اید، می‌توان از «صندوق بین‌المللی پول»، «گروه بانک جهانی» (متشکل از مجموعه‌ای از مؤسسات مالی)، «سازمان تجارت جهانی»، «سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد» (فائو) یاد کرد. «سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد»<sup>۱</sup> نیز سازمانی است که در عرصه‌ی علمی و آموزشی فعالیت می‌کند و «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی»<sup>۲</sup> هم در زمینه‌ی کنترل تسلیحات کشتار جمعی و ترویج و توسعه‌ی استفاده‌ی صلح‌آمیز از انرژی اتمی فعال است.

۱- United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO)

۲- International Atomic Energy Agency (IAEA)



## حقوق و وظایف کشورها در سازمان ملل

- براساس ماده‌ی (۲) منشور ملل متحد، اعضا با عضویت در سازمان، از حقوق و مزایایی برخوردار می‌شوند که سایر اعضا موظف به رعایت آن هستند؛ از جمله:
- اعضا باید اختلافات بین‌المللی خود را به طرق مسالمت‌آمیز حل کنند.
  - اعضا در روابط بین‌المللی نباید از زور و تهدید استفاده کنند.
  - اعضا از دخالت در امور داخلی همدیگر باید پرهیزند.
  - اعضا از کمک به کشوری که سازمان ملل متحد علیه آن اقدام احتیاطی یا قهری به عمل می‌آورد، باید خودداری کنند.
  - هم‌چنین، اعضا با امضا کردن منشور ملل متحد، می‌پذیرند که شورای امنیت «مسئولیت اولیه‌ی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی» را دارد و از طرف اعضا اقدام به این کار می‌کند.
  - اعضا موافقت می‌کنند تا تصمیم‌های شورای امنیت را طبق منشور ملل متحد قبول و اجرا کنند.
  - شورای امنیت می‌تواند علیه اعضای که به تشخیص شورا، صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر می‌اندازند، انجام دادن اقداماتی از قبیل متوقف ساختن تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی و ارتباطات (راه‌آهن، دریایی، هوایی و...) و قطع روابط سیاسی را از اعضا بخواهد. هم‌چنین، می‌تواند از نیروی نظامی سود جوید و اعضا موظف به همکاری در این زمینه‌ها هستند.
  - اعضا متعهد می‌شوند که در هر دعوایی که خود یکی از طرف‌های آن هستند، از تصمیم دیوان دآوری بین‌المللی تبعیت کنند.<sup>۱</sup>

۱- <http://www.unic-ir.org/publications/farsi/manshoor/manshoor-melale-motehed-htm>

## بخش‌هایی از اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر

مقدمه

از آن‌جا که شناسایی حیثیت ذاتی کلیه‌ی اعضای خانواده‌ی بشری و حقوق یکسان و انتقال‌ناپذیر آنان، اساس آزادی و عدالت و صلح را در جهان تشکیل می‌دهد؛  
از آن‌جا که عدم شناسایی و تحقیر حقوق بشر به اعمال وحشیانه‌ای منتهی شده است که روح بشریت را به عصیان واداشته و ظهور دنیایی که در آن افراد بشر در بیان و عقیده، آزاد و از ترس و فقر فارغ باشند، به‌عنوان بالاترین آمال بشر اعلام شده است؛  
از آن‌جا که اساساً حقوق انسانی را باید با اجرای قانون حمایت کرد تا بشر به عنوان آخرین علاج، به قیام بر ضد ظلم و فشار مجبور نشود؛...

از آن‌جا که مردم ملل متحد ایمان خود را به حقوق اساسی بشر و مقام و ارزش انسانی و تساوی حقوق زن و مرد مجدداً در منشور اعلام کرده‌اند و تصمیم راسخ گرفته‌اند که به پیشرفت اجتماعی کمک کنند و در محیطی آزادتر، زندگی بهتری به‌وجود آورند؛  
از آن‌جا که دولت‌های عضو، متعهد شده‌اند که احترام جهانی و رعایت واقعی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را با همکاری سازمان ملل متحد تأمین کنند؛...

مجمع عمومی، این اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر را آرمان مشترکی برای تمامی مردم و کلیه‌ی ملل اعلام می‌کند تا جمیع افراد و همه‌ی ارکان اجتماع این اعلامیه را دائماً در مدنظر داشته باشند و بکوشند تا به‌وسیله‌ی تعلیم و تربیت، احترام این حقوق و آزادی‌ها توسعه یابد و با تدابیر تدریجی ملی و بین‌المللی، شناسایی و اجرای واقعی و حیاتی آن‌ها، چه در میان خود ملل عضو و چه در بین مردم کشورهای که در قلمرو آن‌ها هستند، تأمین شود.

ماده‌ی اول — تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای عقل و وجدان‌اند و باید نسبت به یک‌دیگر، با روح برادری رفتار کنند.

ماده‌ی دوم — ... هر کس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تمایز، مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده‌ی سیاسی یا هر عقیده‌ی دیگر، و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه‌ی آزادی‌هایی که در اعلامیه‌ی حاضر ذکر شده است، بهره‌مند شود....

ماده‌ی سوم — هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.

ماده‌ی چهارم — احدی را نمی‌توان در بردگی نگاه داشت و داد و ستد بردگان به هر شکلی که باشد، ممنوع است.



ماده‌ی پنجم — احدی را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه یا برخلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن باشد.

ماده‌ی ششم — هر کس حق دارد که شخصیت حقوقی‌اش در همه‌جا به‌عنوان یک انسان در مقابل قانون شناخته شود.

ماده‌ی هفتم — همه در برابر قانون مساوی‌اند و حق دارند بدون تبعیض و به‌طور مساوی از حمایت قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه‌ی حاضر باشد و علیه هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به‌عمل می‌آید، به‌طور مساوی از حمایت قانون بهره‌مند شوند....

منبع: <http://www.unhchr.ch/udhr/lang/prs.htm>

(اعلامیه‌ی حقوق بشر مشتمل بر ۳۰ ماده است. برای مطالعه‌ی متن کامل آن به فارسی، می‌توانید به نشانی بالا مراجعه کنید.)

## نهادمندی نظام جهانی

هرگاه هدف یا آرمانی به‌صورت مجموعه‌ای از هنجارها (قواعد عمل) درآید که اجبار اجتماعی از آن حمایت کند، می‌توان از «نهادی شدن»<sup>۱</sup> یا «نهادمندی» یاد کرد. همان‌طور که اشاره شد، در «منشور ملل متحد» مجموعه‌ای از اهداف و آرمان‌ها مورد قبول تقریباً همه‌ی کشورها قرار گرفته (مانند «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی»، «حقوق بشر» و «آزادی‌های اساسی برای همگان») و بر مبنای این آرمان‌ها، مجموعه‌ای از مقررات و قوانین تدوین شده است که کشورها مجبور به تبعیت آن‌اند. این هنجارها گستره‌ی وسیعی از فعالیت‌ها را دربر می‌گیرد که تصویر ارائه شده از «تشکیلات سازمان ملل» بازنمای آن است.

پاره‌ای از اسناد بین‌المللی و معاهدات چندجانبه‌ی حقوق بشر که  
دولت جمهوری اسلامی ایران به آن پیوسته است

- «منشور ملل متحد» و «اساسنامه‌ی دیوان داوری بین‌المللی» (تاریخ الحاق: ۱۹۴۵)
- «اعلامیه‌ی حقوق بشر»
- «کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی» (تاریخ الحاق: ۱۹۶۸)
- «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» (تاریخ الحاق: ۱۹۷۶)
- «میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی – اجتماعی و فرهنگی» (تاریخ الحاق: ۱۹۷۶)
- «کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید» (تاریخ الحاق: ۱۹۸۵)
- «کنوانسیون حقوق کودک» (تاریخ الحاق: ۱۹۹۴)

منبع: <http://www.unic-ir.org/treaties.htm>

شورای امنیت این اختیار را دارد که اگر کشوری از مقررات پذیرفته شده‌ی سازمان تخطی کند، آن کشور را محاصره‌ی اقتصادی کند یا علیه آن به اقدام نظامی دست بزند. هم‌چنین، دیوان داوری بین‌المللی به قضاوت در مورد اختلافات بین کشورها می‌پردازد و اعضا متعهد به قبول تصمیمات آن‌اند.

براین اساس، می‌توان گفت، در طول زمان هرچه جلوتر می‌رویم، نظام جهانی نهادمندی بیش‌تری می‌یابد و اعضای آن، توسط مقررات فراملی بیش‌تر مقید می‌شوند.<sup>۱</sup> حال اگر به این مقررات، پیمان‌های منطقه‌ای، مانند «اکو»، «سازمان کشورهای آسیای جنوب شرقی (آ.سه.آن)» و «سازمان کنفرانس اسلامی<sup>۲</sup>» را هم بیفزاییم که در آن کشورها نسبت به مجموعه‌ای از کشورها در یک منطقه متعهد می‌شوند، نهادمندی نظام جهانی خود را بیش‌تر نشان می‌دهد.

---

۱- البته باید درنظر داشت که مانند داخل یک جامعه که هنجارها و مقررات معمولاً به نفع صاحبان مزایا شکل می‌گیرد، در سازمان ملل و واحدهای تابعه نیز چنین است و کشورهای قدرتمندتر و ثروتمندتر نه تنها در تصمیم‌گیری دست بالا را دارند، این توانایی را هم دارند که مقررات را به نفع خویش تصویب کنند. نشانه‌ی بارز این امر برخورداری پنج کشور از «حق وتو» در شورای امنیت است که به آن‌ها این امکان را می‌دهد که هر نوع مصوبه‌ای را که با منافع آن‌ها سازگار نباشد، به‌طور قانونی رد کنند و کشوری هم حق اعتراض ندارد.

۲- در کتاب «اقتصاد» سال دوم (بخش ششم، فصل ۲: آشنایی با برخی نهادها و سازمان‌های مؤثر در اقتصاد جهان) و کتاب «جغرافیا»ی سال سوم («سازمان کنفرانس اسلامی» و «اکو») درباره‌ی این سازمان‌ها مطالبی آموخته‌اید و با این سازمان‌ها و پیمان‌ها آشنایی دارید.

### سازمان‌های غیردولتی (NGOها) بین‌المللی

... در ابتدای قرن بیستم، تنها ۳۷ سازمان بین‌دولتی و ۱۷۶ سازمان غیردولتی بین‌المللی و در سال ۶۷۴۳,۲۰۰۰ سازمان بین‌دولتی و ۴۷۰۹۸ سازمان غیردولتی بین‌المللی وجود داشت.

#### معاهدات چندجانبه

... در سال‌های ۱۶۴۸ تا ۱۷۵۰، ۸۶ معاهده‌ی چندجانبه وجود داشت؛ در حالی که در سال‌های ۱۹۷۶ تا ۱۹۹۵ شمار این معاهدات به بیش از ۱۶۰۰ فقره رسید که از این میان، ۱۰۰ معاهده به ایجاد سازمان‌های بین‌المللی منجر شدند.

#### همایش‌های جهانی

... در میانه‌ی قرن نوزدهم، سالیانه دو یا سه کنفرانس یا کنگره‌ی بین‌المللی برگزار می‌شد؛ امروزه تعداد آن‌ها سالیانه بالغ بر چهار هزار می‌شود.

منبع: هلد، دیوید و مک‌گرو، آنتونی (۱۳۸۲) جهانی شدن و مخالفان آن. عرفان ثابتی.

تهران: ققنوس: ۳۸-۳۹

### تحقیق کنید



با استفاده از منابع مکتوب یا اینترنتی (از جمله: [http:// www.unic-ir.org/treaties.htm](http://www.unic-ir.org/treaties.htm)) محتوای یکی از میثاق‌های سازمان ملل را مرور کرده و مشخص کنید که قبول آن‌ها، چه الزام‌هایی را بر کشورهای عضو تحمیل می‌کند.

### درس را خلاصه کنید



.....

.....

.....

## جهانی شدن اقتصاد

با پایان یافتن جنگ جهانی دوم و نهادمندی نسبی روابط بین کشورها (به ویژه کشورهای مرکز)، روابط اقتصادی بین جوامع، در جهت وابستگی بیش تر به یکدیگر، پیشرفت و شرکت های چندملیتی، دوره ی جدیدی از حیات نظام جهانی را به نمایش گذاردند. در این درس با این تغییرات آشنا می شوید.<sup>۱</sup>

### تجارت و شکل گیری تقسیم کار فراملی

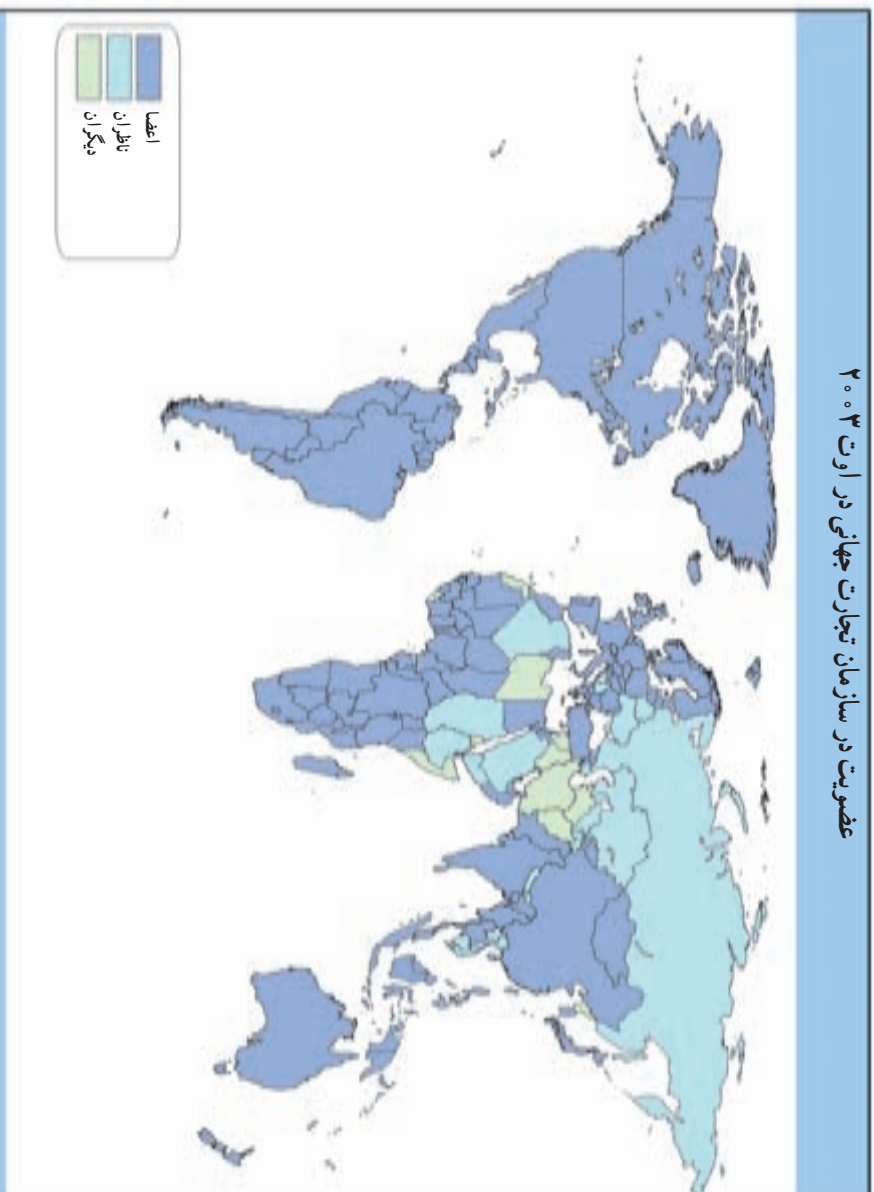
گفت و گو کنید



درباره ی اطلاعاتی که در نقشه، جدول و نمودار صفحات بعد ارائه شده است، گفت و گو کنید و به سؤال زیر پاسخ دهید.  
— چه نتایجی درباره ی نظام جهانی می توان گرفت؟

۱- در کتاب «اقتصاد» سال دوم، فصلی با عنوان «تجارت بین الملل» آمده است که مطالعه ی آن به بحث این فصل کمک می کند.

### عضویت در سازمان تجارت جهانی در اوت ۲۰۰۳



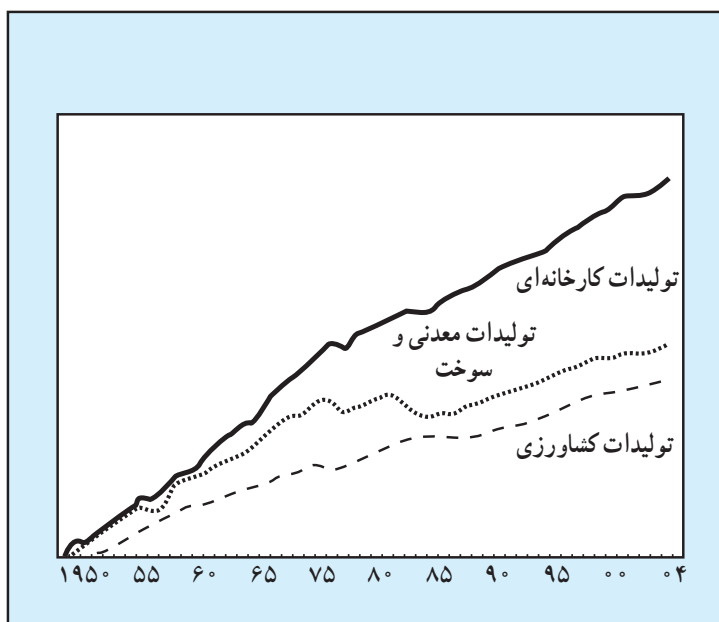
منبع: <http://www.wto.org/english/res-e/stats/e/its2005-e-charts/>

### ارزش تجارت جهانی در طول سال‌های ۲۰۰۲-۱۹۴۸ (میلیارد دلار)

۲۰۰۲	۱۹۹۳	۱۹۸۳	۱۹۷۳	۱۹۶۳	۱۹۵۳	۱۹۴۸	
۶۲۷۶	۳۶۷۱	۱۸۳۵	۵۷۹	۱۵۷	۸۴	۵۸	صادرات
۶۵۱۰	۳۷۶۸	۱۸۸۱	۵۸۹	۱۶۳	۸۴	۶۶	واردات

منبع: <http://www.wto.org/>

روندهای بلندمدت تجارت جهانی در سه زمینه‌ی «کشاورزی»، «تولیدات معدنی و سوخت» و «تولیدات کارخانه‌ای» طی دوره‌ی زمانی ۱۹۵۰-۲۰۰۴



منبع: <http://www.wto.org/english/res-e/statis/e/its2005-e/charts/ii02.xls>

(نقل از: ۲۰۰۵، International Trade statistics)

همان‌طور که گفتیم، در دوره‌ی جدید به علت نقش صنعت در اقتصاد، اقتصاد جوامع به تدریج از حالت خودبسندگی خارج شد و جوامع به مبادله و تجارت با یکدیگر روی آوردند؛ چه از طریق استفاده از زور، مانند آنچه در مورد کشورهای مستعمره رخ داد و

چه از روی میل و رغبت و به جهت سودی که تجارت برای طرفین داشت. این تغییر، با وجود این که در نگاه اول، تغییر عمده‌ای محسوب نمی‌شود، نتایج عمیقی در رابطه‌ی بین جوامع به‌جای می‌گذارد؛ زیرا اگر در جامعه‌ای کالا و خدمات برای مصرف داخلی تولید شود، تولیدکنندگان فقط از شرایط بازار داخلی تأثیر می‌پذیرند؛ اما اگر آن‌ها، کالای خود را برای فروش در جامعه و کشوری دیگر تولید کنند، در این حالت باید به شرایط اقتصاد جامعه‌ی دیگر نیز توجه کنند و گرنه به مشکلاتی دچار می‌شوند. به این ترتیب، صرف‌نظر از این که کدام جامعه از این رابطه بیش‌تر سود می‌برد، اقتصاد جوامع از طریق تجارت (که در این جا به شکل وارد کردن کالا و خدمات و صدور آن انجام می‌پذیرد)، به هم وابسته می‌شوند.<sup>۱</sup>

### اطلاعات تجارت جهانی

سازمان تجارت جهانی هر سال گزارشی با عنوان «آمار تجارت بین‌المللی» تهیه می‌کند که اطلاعات مربوط به تجارت جهانی طی یک سال در آن درج شده است. مطالب این گزارش و کلبه‌ی اطلاعات مربوط به «سازمان تجارت جهانی» و «تجارت جهانی» را به تفصیل و در زمینه‌های مختلف، از سایت این سازمان به نشانی: <http://www.wto.org/> می‌توانید به‌دست آورید.

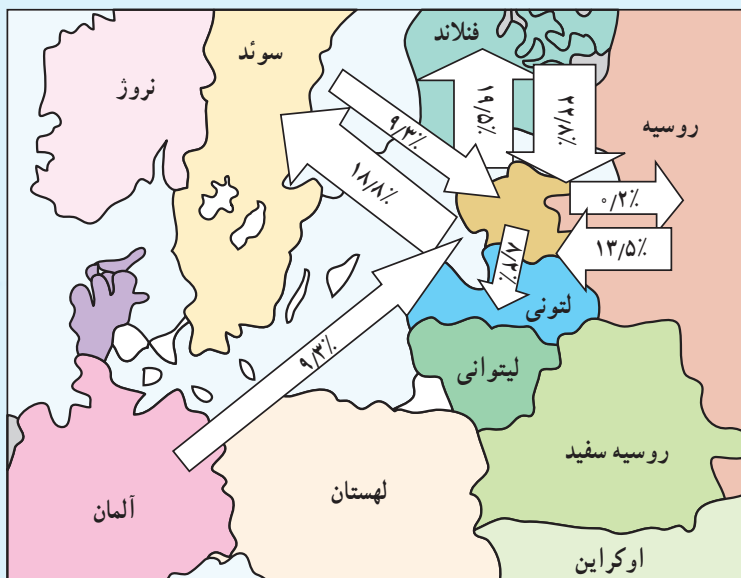
این وابستگی زمانی تشدید می‌شود که کالاها و خدماتی که به یک کشور وارد می‌شود، در تولید کالاهای آن کشور مورد استفاده قرار گیرد. در این حالت، توقف ورود آن کالا با توقف تولید در آن کشور همراه می‌شود و اقتصاد آن کشور را با مشکلات جدی مواجه می‌سازد. هرچه سهم و نقش کالاها و خدمات وارداتی در تولید محوری‌تر باشد، وابستگی اقتصادی آن جامعه به آن کالا یا خدمت بیش‌تر است.

---

۱- از شاخص ترکیب واردات و صادرات، حجم و مبدأ و مقصد آن در هر کشور، می‌توان به وابستگی اقتصاد آن به دیگر جوامع پی برد.



شکل‌گیری رابط‌های متقابل بین اقتصاد کشورها  
میزان و جهت مبادله‌ی تجاری بین کشور «استونی» با کشورهای دیگر در سال ۱۹۹۹



منبع: transport sector Restructuring In The Baltic States

قابل دسترسی از:

[http://Inweble8.worldbank.org/ECA/eca.nsf/Attachments/baltic6\\$File/6trade.pdf](http://Inweble8.worldbank.org/ECA/eca.nsf/Attachments/baltic6$File/6trade.pdf)

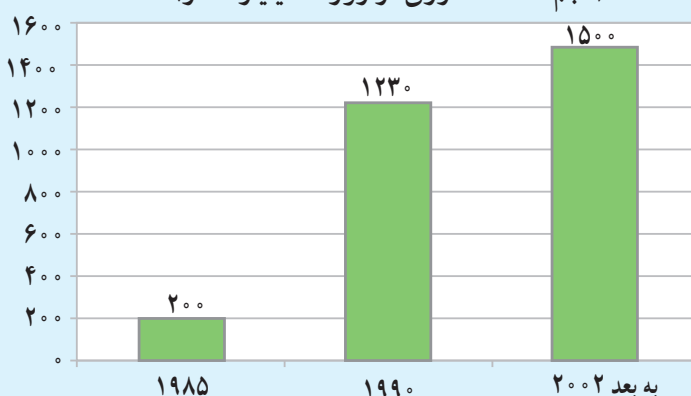
تداوم مبادله‌ی کالا موجب می‌شود تا به تدریج، نوعی تقسیم کار بین جوامع واردکننده و صادرکننده شکل بگیرد؛ به این معنا که در جریان تولید، هر یک، عهده‌دار وظیفه و فعالیتی می‌شود که مکمل فعالیت دیگری است. در چنین حالتی، می‌توان از ادغام و وابستگی این فعالیت‌ها و شکل‌گیری نظام یا نظام‌های اقتصادی فراملی یاد کرد. هرچه به زمان حال نزدیک می‌شویم، میزان تولید برای صادرات افزایش یافته و متقابلاً، بر میزان واردات افزوده شده است.

### شکل‌گیری نهادهای مالی بین‌المللی

همان‌طور که می‌دانید و در کتاب اقتصاد خوانده‌اید، معمولاً تجارت و مبادله‌ی کالا بین کشورها، مستلزم استفاده از ارز است؛ بر این اساس، به تناسب رشد مبادلات بین‌المللی،

مبادله‌ی ارز و انواع دیگر اوراق بهادار نیز افزایش می‌یابد و به تناسب افزایش حجم مبادله‌ی کالا، روابط مالی بین‌المللی نیز گسترش می‌یابد. گسترش روابط مالی به‌نوبه‌ی خود موجب تقویت نهادهای مالی بین‌المللی می‌شود که هم واسطه‌ی این مبادله به‌شمار می‌آیند و هم، این مبادلات را کنترل می‌کنند. «بانک جهانی» و «صندوق بین‌المللی پول» از جمله‌ی این نهادها محسوب می‌شوند که در کتاب اقتصاد با آن‌ها آشنا شده‌اید.

رشد سریع بازارهای مالی بین‌المللی  
(حجم معاملات ارزی در روز – میلیارد دلار)



منبع: نیلی، مسعود و دیگران (۱۳۸۲)، خلاصه‌ی مطالعات طرح استراتژی توسعه‌ی صنعتی کشور<sup>۱</sup>، تهران: دانشگاه صنعتی شریف، مؤسسه‌ی انتشارات علمی: ۲۴۱

## سرمایه‌گذاری خارجی

سرمایه‌داران و کسانی که در زمینه‌ی اقتصاد فعالیت می‌کنند، معمولاً در پی کسب سود بیش‌ترند. تفاوت دستمزد در کشورهای ثروتمند و فقیر، نزدیکی به موادّ خام که هزینه‌ی حمل و نقل موادّ خام را کاهش می‌دهد، نزدیکی به بازار (محلّ فروش و مصرف تولیدات کارخانه) سبب می‌شود تا سرمایه‌داران، به‌جای کشور خود، در کشورهای دیگری که سرمایه‌گذاری در آن‌ها صرفه‌ی اقتصادی بیش‌تری دارد، سرمایه‌گذاری کنند. دولت‌ها

۱- متن کتاب «خلاصه‌ی مطالعات طرح استراتژی توسعه‌ی صنعتی کشور» از سایت «وزارت صنایع و معادن» به نشانی زیر به‌صورت pdf قابل دست‌یابی است (تاریخ مراجعه: دی‌ماه ۱۳۸۴).

نیز، با هدف تقویت اقتصاد ملی و همچنین، وابسته کردن اقتصاد جوامع دیگر به اقتصاد خود این امر را تسهیل می‌کنند.

از سوی دیگر، برای جوامعی که سرمایه‌ی کافی برای تولید ندارند یا از نظر مدیریت اقتصادی ضعیف‌اند، ورود سرمایه به کشور می‌تواند موجب شکوفایی اقتصاد شود؛ زیرا به همراه سرمایه، صنعت و ماشین‌آلات وارد می‌شود و فناوری و مدیریت رشد می‌کند. تشکیل واحدهای اقتصادی جدید، موجب کاهش بیکاری و رفع مشکلات اقتصادی می‌شود و دولت‌ها را تا حدی از فشارهای داخلی می‌رهاند. چنین مزایایی سبب می‌شود تا دولت‌ها نیز برای سرمایه‌گذاری خارجی، تسهیلاتی قائل شوند و برای سرمایه‌ی خارجی تضمین‌هایی فراهم کنند.<sup>۱</sup>

### انواع سرمایه‌گذاری خارجی

ورود سرمایه از یک کشور یا یک مؤسسه و شرکت به کشوری دیگر، در قالب‌های مختلفی انجام می‌شود. وام (به صورت کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت)، اعتبار (دولتی یا خصوصی)، کمک، تعهدات و ضمانت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مستقیم و غیرمستقیم از جمله‌ی این قالب‌ها است. با توجه به میزان کنترل صاحب سرمایه بر سرمایه‌ی خود در کشور دیگر، ورود سرمایه برای صاحب سرمایه و استفاده‌کننده از آن، پیامدهای متفاوتی دارد.

آنچه از آن با عنوان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (Foreign Direct Investment) یا FDI یاد می‌شود، نوعی سرمایه‌گذاری است که در آن، سرمایه‌گذار کنترل مؤثری بر سرمایه‌ی خود اعمال می‌کند و در مدیریت و هدایت آن مشارکت دارد؛ ضمن این که سود سرمایه‌گذار خارجی به نسبت سرمایه‌اش است. درحالی که سرمایه‌گذاری غیرمستقیم (Portfolio) که با خرید اوراق بهادار انجام می‌شود، چنین نیست و سرمایه‌گذار خارجی به نسبت سرمایه و اوراقی که خریداری کرده است، از سود بهره می‌برد اما بر اداره و جهت سرمایه کنترل مؤثری ندارد. زمانی که از سرمایه‌گذاری خارجی سخن به میان می‌آید، عمدتاً «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی» مدنظر است؛ زیرا در این نوع سرمایه‌گذاری است که سرمایه‌گذار خارجی، به طور مستقیم در عرصه‌ی اقتصاد کشوری دیگر فعالیت می‌کند و به اقتصاد آن کشور جهت می‌دهد.

---

۱- البته باید توجه داشت که ورود سرمایه‌ی خارجی به شرطی دربردارنده‌ی رونق اقتصادی و توسعه است که به درستی مدیریت شود؛ در غیر این صورت، نه تنها موجب توسعه نمی‌شود بلکه عقب ماندگی کشورها را نیز تشدید می‌کند.

## روند سرمایه‌گذاری خارجی در جهان

در سه سال آخر دهه‌ی ۱۹۸۰، جریان سرمایه‌گذاری خارجی در کل جهان از سوی کشورهای مختلف، ۱۰ برابر بیش از سه سال نخست دهه‌ی ۱۹۷۰ بوده است. چنان‌که در طول ۷ سال (۱۹۸۳ تا ۱۹۸۹) سرمایه‌گذاری مستقیم کشورها در خارج از مرزهای خود ۲۹ درصد افزایش یافته است. سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم آمریکا در سال ۱۹۹۰، حدود ۴۲۰ میلیارد دلار بوده است.

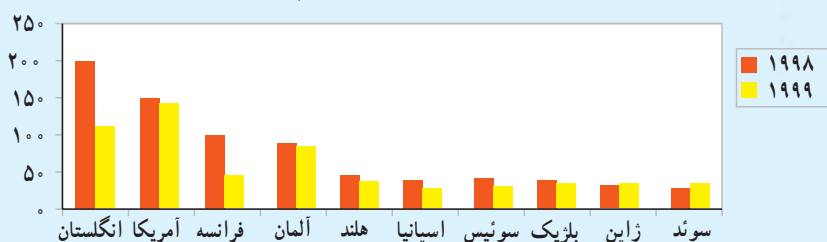
در سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۵، میزان سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم نسبت به تولید جهانی از ۴/۵ درصد به ۱۰/۱ درصد افزایش یافته است.

منبع: سوئیزی، پل و امین، سمیر (۱۳۸۰)، «جهانی شدن با کدام هدف؟» ناصر زرافشان. تهران: آگه: ۸۴ و ۹۲. / گل محمدی، احمد (۱۳۸۱)، «جهانی شدن، فرهنگ، هویت»، تهران: نشر نی: ۶۸

## حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

ارزش به قیمت جاری (میلیارد دلار)			سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
۱۹۹۹	۱۹۹۰	۱۹۸۲	
۸۶۵	۲۰۹	۵۸	روانه
۴۷۷۲	۱۷۶۱	۵۹۴	انباره

## نمودار ده کشور اول در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (میلیارد دلار)



منبع: نیلی، مسعود و دیگران (۱۳۸۲)، «خلاصه‌ی مطالعات طرح استراتژی توسعه‌ی صنعتی کشور»، تهران: دانشگاه صنعتی شریف، مؤسسه‌ی انتشارات علمی: ۲۴۲ و ۴۳۲

(به نقل از: UNCTAD, World Investment Report, 2000)

توضیح: منظور از «روانه»، جریان سرمایه‌گذاری در یک سال معین است؛ به عبارتی، میزان سرمایه‌ای است که در کل جهان از هر کشور به کشور دیگر منتقل و در اقتصاد آن سرمایه‌گذاری شده است. منظور از «انباره»، میزان سرمایه‌گذاری‌ای است که تا سال موردنظر در کل جهان از هر کشوری در هر کشور دیگری انجام شده است.

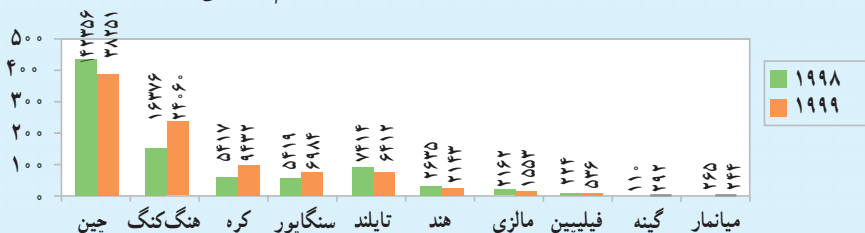
نمونه‌ی آن، تصویب قانون سرمایه‌گذاری خارجی و تضمین سرمایه‌گذاری‌های خارجی توسط صندوق ذخیره‌ی ارزی در ایران در سال‌های اخیر است.

مزایایی که در سرمایه‌گذاری خارجی وجود دارد (هم برای کشور سرمایه‌گذار و هم دریافت‌کننده‌ی سرمایه)، سبب شده است تا روز به روز بر حجم سرمایه‌گذاری خارجی افزوده شود و این امر به نوبه‌ی خود، به ادغام بیش‌تر اقتصاد کشورها منجر شده است.

سرمایه‌گذاری خارجی ممکن است به صورت مشترک با سرمایه‌گذاران داخلی یک کشور انجام شود. در این حالت، سرمایه‌ها به تدریج هویت ملی خود را از دست می‌دهند و ادغام اقتصادی، بیش‌تر از زمانی می‌شود که سرمایه‌داران یا دولت یک کشور، به طور مستقل در کشوری دیگر سرمایه‌گذاری می‌کنند.

اگر سرمایه‌گذاران فرانسوی، در ایران کارخانه‌ی پژو را تأسیس کنند و همه‌ی سرمایه و مدیریت هم از آن خودشان باشد، در این حالت، از مزایای دستمزد ارزان و نزدیکی به بازارهای مصرف، سود می‌برند، اما پژوی تولیدی، فرانسوی خواهد بود. اما اگر سرمایه‌داران فرانسوی با سرمایه‌داران ایرانی مشارکت کنند و در مدیریت این سرمایه‌گذاری ایرانی‌ها و فرانسوی‌ها با هم مشارکت داشته باشند (پژوی ایران خودرو و زانتیای سایپا)، در آن نوعی سرمایه‌گذاری مشترک شکل می‌گیرد که برخلاف حالت اول، طرف فرانسوی نمی‌تواند در همه‌ی حالات به طور مستقل تصمیم بگیرد بلکه مجبور به تصمیم‌گیری مشترک است.

نمودار ده کشور اول جذب‌کننده‌ی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (میلیون دلار)



منبع: نبلی، مسعود و دیگران (۱۳۸۲)، «خلاصه‌ی مطالعات طرح استراتژی توسعه‌ی صنعتی کشور»، تهران:

دانشگاه صنعتی شریف، مؤسسه‌ی انتشارات علمی: ۴۳۲

دولت فرانسه و ایران نیز نمی‌توانند به راحتی درباره‌ی سرمایه‌گذاری اعضای جامعه‌ی خود تصمیم بگیرند. به علاوه، آن‌چه تولید می‌شود، دیگر هویت فرانسوی ندارد. تولیدات بازار مشترک چنین وضعی دارند.

### شرکت‌های چندملیتی<sup>۱</sup>

سرمایه‌گذاری مشترک، راه را برای شکل‌گیری شرکت‌های چندملیتی باز می‌کند. درواقع، شرکت‌های چندملیتی شرکت‌هایی‌اند که با مشارکت افراد حقیقی و حقوقی از کشورهای مختلف شکل می‌گیرند و به تدریج، ویژگی‌های ملی و وابستگی خود را به یک کشور خاص از دست می‌دهند.

این نوع شرکت‌ها، سابقه‌ای بیش از یک قرن دارند اما عمدتاً در دهه‌های اخیر گسترش یافته‌اند. آن‌ها از نظر مالکیت نیز «فراملی»‌اند. امروزه شرکت‌هایی مانند «بریتیش گاز»،

#### تعداد، سرمایه و گسترده‌ی فعالیت شرکت‌های چندملیتی

— براساس برآوردهای موجود، شمار شرکت‌های فراملیتی از ۷ هزار شرکت اصلی و ۳۶ هزار شرکت وابسته در سال ۱۹۷۰ به ۶۵ هزار شرکت مادر و ۸۵ هزار شرکت وابسته در سال ۲۰۰۱ افزایش یافته است.

— در سال ۲۰۰۱، موجودی سرمایه‌گذاری خارجی جهان، معادل ۷۰۰۰ میلیارد دلار، و شمار شاغلان در بنگاه‌های خارجی وابسته به شرکت‌های فراملیتی، حدود ۵۴ میلیون (در مقایسه با ۲۴ میلیون در سال ۱۹۹۰) بوده است.

— فروش شرکت‌های وابسته به شرکت‌های فراملیتی نیز در سال ۲۰۰۱ میلادی برابر ۱۸۵۰۰ میلیارد دلار (بیش از دو برابر صادرات جهان) بوده است. تولید ناخالص آن‌ها معادل ۱۱ درصد تولید ناخالص جهان بوده است.

— بیش از ۳۰ درصد تجارت جهانی به صورت مبادلات درون‌بنگاهی و در شبکه‌ی داخلی شرکت‌های فراملیتی انجام می‌شود و فعالیت‌های این شرکت‌ها به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر ۷۰ درصد تجارت جهانی اثر می‌گذارد.

منبع: نیلی، مسعود و دیگران (۱۳۸۲)، «خلاصه‌ی مطالعات طرح استراتژی توسعه‌ی صنعتی کشور»، تهران: دانشگاه صنعتی شریف، مؤسسه‌ی انتشارات علمی: ۲۴۴-۲۴۵

«بریتیش تله کام» و «بریتیش ایرویز» شرکت‌هایی جهانی‌اند که پیوندهای ضعیفی با بریتانیا دارند. کارخانه‌ی «لیلاند» که زمانی تولیدکننده‌ی خودروی ملی انگلستان بود، اکنون با شرکت «هندا» و «بی.ام.و» ادغام شده است (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۷۵).

#### روند توسعه‌ی شرکت‌های چندملیتی

ارزش به قیمتی جاری (میلیارد دلار)			شرکت‌های خارجی وابسته به شرکت‌های چندملیتی
۱۹۹۹	۱۹۹۰	۱۹۸۲	
۱۳۵۶۴	۵۵۰۳	۲۴۶۲	فروش
۳۰۴۵	۱۴۱۹	۵۶۵	تولید ناخالص
۱۷۶۸۰	۵۷۰۶	۱۸۸۶	کل دارایی‌ها
۳۱۶۷	۱۱۶۵	۶۳۷	صادرات

#### تعداد شرکت‌های وابسته به شرکت‌های فراملیتی در چند کشور منتخب

کشور	سال	تعداد شرکت‌ها
ایران	۲۰۰۱	۲۹
ترکیه	۱۹۹۵	۱۳۶
مالی	۱۹۹۹	۱۵۵۶۷
تایلند	۱۹۹۸	۲۷۲۱
کره	۲۰۰۱	۱۱۵۱۵
سنگاپور	۱۹۹۹	۲۴۱۱۴
مکزیک	۱۹۹۳	۸۴۲۰
چین	۲۰۰۰	۳۶۸۸۸۵
تایوان	۲۰۰۱	۲۴۸۱

منبع: نیلی، مسعود و دیگران (۱۳۸۲)، «خلاصه‌ی مطالعات طرح استراتژی توسعه‌ی صنعتی کشور»، تهران:

دانشگاه صنعتی شریف، مؤسسه‌ی انتشارات علمی: ۲۴۲ و ۲۸۱

(به نقل از: UNCTAD, UNCAD, World Investment Report, 2002, INVestemEnt Report, 2000)

## جهانی شدن<sup>۱</sup> (در بعد اقتصادی)

«جهانی شدن» در بعد اقتصادی به وابستگی متقابل و ادغام اقتصادها اشاره دارد که هنوز در جریان است و هر روز که می‌گذرد، شاهد ادغام بیش‌تر آن‌ها در یکدیگر هستیم. درباره‌ی جهانی شدن دو نظر متفاوت وجود دارد. عده‌ای آن را امری طبیعی می‌دانند که در جریان رشد اقتصاد کشورها پدید آمده است. آن‌ها چنین استدلال می‌کنند که اقتصادها دیگر در حد و مرزهای ملی نمی‌توانند رشد کنند، به همین علت، در واحد اقتصادی گسترده‌تری ادغام می‌شوند.

### امواج جهانی شدن

جهان از نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم تاکنون شاهد سه موج جهانی شدن اقتصاد بوده است: موج اول (۱۹۱۰-۱۸۷۰ میلادی)، با تقسیم‌بندی کشورها به کشورهای تولیدکننده‌ی کالاهای صنعتی و کشورهای عرضه‌کننده‌ی مواد خام و کالاهای اولیه مشخص می‌شود. در این دوره، نسبت تجارت به تولید جهان از حدود ۱۰ درصد به ۱۸ درصد رسید. این دوره در دهه‌های ۱۹۱۰ تا ۱۹۵۰ با سه بحران گسترده‌ی جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴)، بحران عمومی اقتصادی (۱۹۳۲-۱۹۲۹) و جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵-۱۹۳۹) با بازگشت به دوره‌ای از اقتصادهای بسته‌ی ملی متوقف می‌شود.

موج دوم (۱۹۸۰-۱۹۵۰) با خاتمه‌ی جنگ جهانی دوم آغاز می‌شود. در این دوره، نهادهای مالی و تجاری بین‌المللی شکل می‌گیرند و آمریکا در بازسازی اروپا و ژاپن مشارکت می‌کند.

در موج سوم (۱۹۸۰ تاکنون)، جهانی شدن شدت و سرعت بیش‌تری داشته است و بخش بزرگ‌تری از جهان و شمار بیش‌تری از کشورهای مستقل و درحال توسعه در آن دخیل بوده‌اند. به‌طوری که سهم صادرات صنعتی کشورهای درحال توسعه در مجموع صادرات کالایی آن‌ها از ۲۵ درصد در سال ۱۹۸۰ به حدود ۸۰ درصد در سال ۱۹۹۸ افزایش یافته است. تغییر دیگری که در این موج رخ داده، افزایش سهم صادرات خدمات است.

منبع: نیلی، مسعود و دیگران (۱۳۸۲)، «خلاصه‌ی مطالعات طرح استراتژی توسعه‌ی صنعتی کشور»، تهران: دانشگاه صنعتی شریف، مؤسسه‌ی انتشارات علمی: ۲۳۹-۲۳۵

۱- Globalization اصطلاحی است که هم به «جهانی شدن» و هم «جهانی‌سازی» ترجمه شده است.



این گروه، نسبت به جهانی شدن نظر مثبتی دارند و آن را عاملی برای رشد و توسعه‌ی اقتصادی کشورهای پیرامونی می‌دانند. آن‌ها به اطلاعاتی درباره‌ی توسعه‌ی کشورهای چین و هند در دهه‌های اخیر استناد می‌کنند و معتقدند که جهانی شدن اقتصاد این کشورها، موجب شتاب هر چه بیش‌تر روند توسعه‌ی آن‌ها شده است.

عده‌ای دیگر، این امر را نتیجه‌ی اراده و انگیزه‌ی سرمایه‌داران برای دست‌یابی به سود بیش‌تر و اراده‌ی دولت‌ها در وابسته کردن دیگران به خود می‌دانند. این گروه، بیش‌تر بر این نکته تأکید می‌کنند که در جریان وابستگی اقتصاد کشورها، جوامع و شرکت‌های بزرگ سود می‌برند و کشورهای فقیر ضرر می‌کنند؛ به بیان دیگر، ادغام اقتصاد کشورها به معنای آن نیست که همه‌ی مردم جهان به یک اندازه در آن سهیم‌اند بلکه کشورهای شرکت‌های بزرگ‌اند که سرنوشت مردم جهان را تعیین می‌کنند.

این گروه به تخریب اقتصاد بخشی از کشورهای آفریقایی (عمدتاً کشورهای صحرای آفریقا) و فقیرتر شدن آن‌ها تحت تأثیر جهانی شدن در دهه‌های اخیر استناد می‌کنند. هم‌چنین، معتقدند که ضرر پیامدهای منفی صنعتی شدن و توسعه — هم‌چون آلوده شدن محیط‌زیست — را همه انسان‌ها می‌پردازند؛ در حالی که منافع توسعه به جیب شرکت‌های چندملیتی می‌رود. علاوه بر این، آن‌ها جهانی شدن را گسترش «سرمایه‌داری» می‌دانند که به اعتقاد آن‌ها به حاکمیت سرمایه بر زندگی انسان‌ها می‌انجامد و در آن، همه‌ی انگیزه‌ها و خوبی‌ها در پای سرمایه و سود قربانی می‌شود.

### بررسی کنید



یکی از موضوعات زیر را انتخاب کنید و با استفاده از کتاب، روزنامه یا منابع اینترنتی، درباره‌ی آن تحقیق کرده و مقاله‌ای حداکثر در سه صفحه تهیه کنید.

- سرمایه‌گذاری مشترک در ایران
- موانع و عوامل تسهیل‌کننده‌ی جذب سرمایه‌ی خارجی
- تهیه‌ی گزارش از روند ورود سرمایه‌ی خارجی به یکی از کشورهای آسیایی و نتایج آن

- گزارشی از ادغام شدن شرکت‌ها در سطح جهان
- بررسی یک شرکت چندملیتی و سابقه‌ی آن
- آینده‌ی جهانی شدن و مقاومت در برابر آن.

### درس را خلاصه کنید



.....

.....

.....

.....

### فعالیت برای جلسه‌ی بعدی

دانش‌آموزان با راهنمایی و مدیریت دبیر، برای جلسه‌ی بعدی، مطالب مربوط به یک رویداد مهم را از رسانه‌های مختلف در دسترس (روزنامه، تلویزیون، رادیو، اینترنت و...) جمع‌آوری کنند و به کلاس بیاورند.

## دهکده‌ی جهانی<sup>۱</sup>

بررسی کنید



با استفاده از اطلاعات جمع‌آوری شده درباره‌ی یک رویداد مهم، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

— چه افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و ... درباره‌ی این رویداد بحث و موضع‌گیری کرده‌اند؟

— از لحاظ مکانی، آن‌هایی که موضع‌گیری کرده‌اند، در چه مناطقی از جهان زندگی می‌کنند و به طور تقریبی در چه فاصله‌ای از مکان آن رویداد قرار دارند؟

— این رویداد با چه فاصله‌ی زمانی گزارش شده و درباره‌ی آن موضع‌گیری شده است؟

— از مجموعه‌ی این بررسی، در مورد روابط افراد و جوامع در سطح جهان، چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟

### فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی<sup>۲</sup> و کوچک‌شدن جهان

در حالی که در خانه‌ی خود نشسته‌اید، از طریق رسانه‌ها<sup>۳</sup> می‌توانید از آن‌چه در جهان می‌گذرد، با خبر شوید و با افرادی در آن سوی دنیا (از طریق تلفن و اینترنت<sup>۴</sup>) ارتباط برقرار کنید. این وضعی است که فناوری ارتباطی برای افراد به وجود آورده است. مک‌لوهان<sup>۵</sup> از جمله پژوهشگرانی است که درباره‌ی ارتباطات با برد زیاد تحقیق کرده

۱—Global Village

۲—Information and Communication Technologies or ICTs

۳—Media

۴—Internet

۵—Marshall McLuhan (1911-78)

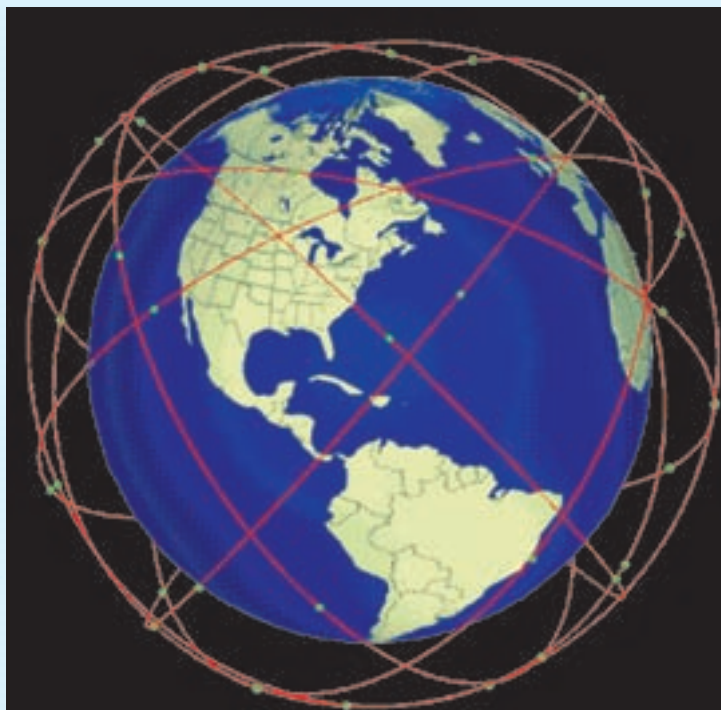
نقشه‌ی سیستم کابل‌های زیر دریایی الکاتل (Alcatel) در سطح جهان



نقشه‌ی زیر ساخت کابلی و ماهواره‌ای شرکت. Teleglob, Inc یک شرکت ارتباطاتی جهانی در نوامبر ۱۹۹۹



نظام ارتباطی ماهواره‌ای جهانی به عنوان زیرساخت شبکه‌ی جهانی



منبع: <http://www.geog.ucl.ac.uk/casa/martin/atlas/cables.html>

است و از این وضعیت جدید، با عنوان «دهکده‌ی جهانی» یاد می‌کند. به اعتقاد او، با وجود رسانه‌های با برد زیاد، خبر هر واقعه‌ای هر چند کوچک، به سرعت در جهان منتشر می‌شود. رسانه‌ها جهان را به اندازه‌ی یک دهکده (روستا) کوچک کرده‌اند؛ دهکده‌ای که در آن، رفتار هیچ گروهی از بقیه پنهان نیست.<sup>۱</sup>

۱- البته جهان از نظر فیزیکی کوچک نشده است بلکه از جهت آگاهی ما به آن، در حال کوچک شدن است.

در دهکده‌ی جهانی، مرز بین داخل و خارج کشور شکسته می‌شود و دیگر، کشورها نمی‌توانند به بهانه‌ی این که امری داخلی است، از اظهار نظر دیگران درباره‌ی آن جلوگیری کنند. رویدادهای داخل هر کشوری، وقایعی است که در دهکده‌ی جهانی رخ می‌دهد و همه درباره‌ی آن بحث و داوری می‌کنند.

همان گونه که رسانه‌های ملی، در سطح یک کشور می‌توانند به «افکار عمومی»<sup>۱</sup> شکل بدهند، اکنون رسانه‌های با برد زیاد، به افکار عمومی در سطح جهان شکل می‌دهند.<sup>۲</sup>

### گستره‌ی فعالیت و اثرگذاری رادیو و تلویزیون

۴۷۷۷۶ ایستگاه رادیویی فعال در جهان وجود دارد (سال ۲۰۰۲). با محاسبه ساعات بخش برنامه می‌توان تخمین زد که حدود ۲۸۰ میلیون ساعت برنامه در سال پخش می‌شود. ۲۰۹۹۱ ایستگاه تلویزیونی در جهان وجود دارد (سال ۲۰۰۲) که برنامه‌های آن‌ها از طریق کابل، ماهواره و فرستنده‌های زمینی دریافت می‌شود. ساعت پخش برنامه‌ی این ایستگاه‌ها حدود ۱۲۳ میلیون ساعت در سال است. حدود ۷۵ درصد از زمان پخش رادیو و تلویزیون را موسیقی و تبلیغات و ۲۵ درصد آن را برنامه‌های اصلی تشکیل می‌دهد.

منبع: <http://www.sims.berkeley.edu/research/projects/how-much-info-2003/internet.htm>

۱- Public opinion تفکر عمومی بخش بزرگی از جامعه نسبت به امری خاص که به صورت واکنشی جمعی نمایان می‌شود.  
۲- باید توجه داشت که مانند یک گروه یا جامعه، در دهکده‌ی جهانی نیز همه‌ی گروه‌ها توانایی بالقوه‌ی یکسانی در شکل دادن به افکار عمومی ندارند بلکه قدرتمندان و آنانی که توانایی مالی اداره‌ی رسانه‌های بزرگ را دارند، در شکل دادن به افکار عمومی، توانمندترند.

نمونه‌ی آن، انفجار برج‌های تجارت جهانی در آمریکا است که در پی وقوع آن، چند سالی است که موضوع اصلی رسانه‌های مهم جهان را تروریسم (terrorism) و بحث درباره‌ی آن تشکیل می‌دهد. صرف نظر از این که تروریسم در هر شکل آن محکوم است اما اگر به تعداد قربانیان این حادثه توجه کنید (حدود ۳ هزار نفر) و آن را با تعداد قربانیان فقر در آفریقا و آسیا (در آفریقا در هر ۳ ثانیه ۱ نفر بر اثر فقر یا بیماری ناشی از فقر می‌میرد) مقایسه کنید، در می‌یابید که رسانه‌ها با بزرگ کردن تروریسم، توانسته‌اند این موضوع را به مسئله‌ای مهم در دهکده‌ی جهانی، حتی برای کشورهای فقیر آفریقایی و آسیایی، تبدیل کنند؛ در حالی که فقر و پیامدهای آن به عنوان امری مهم مطرح نشده است و حتی اگر به فقر توجه شده، ذیل موضوع تروریسم بوده است. در واقع، در بحث از تروریسم، فقیر بودن کشورهای خاستگاه آن مورد توجه قرار گرفته است نه نفس فقر و قربانیان آن.

## گذر از محدودیت زمان و مکان برای تعامل

امروزه، تنها سرعت انتشار اخبار و شکل‌گیری افکار عمومی جهانی، عامل تمایز جهان ما از جهان گذشته نیست بلکه از جهتی دیگر وسایل ارتباطی جدید نیز، جهان ما را تغییر داده‌اند و شرایط برای تعامل از راه دور و بدون مکان مشترک فراهم آورده‌اند. اگر به گذشته‌ای نه چندان دور برگردیم — مثلاً صد سال قبل، که در آن فناوری ارتباطات مانند امروز نبوده است — می‌توانیم بگوییم که یکی از لوازم تعامل بین افراد، وجود مکان مشترک بوده است. در آن زمان، افراد برای تعامل با یکدیگر، می‌بایست در یک مکان قرار گیرند؛ به همین علت، برای این که حداقل تعامل برای اعضای گروه فراهم شود، گروه‌ها مکانی را برای گردآمدن داشتند.

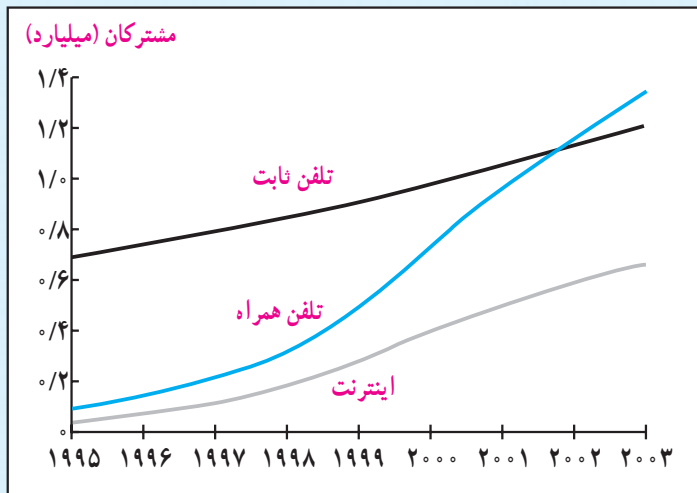
سرویس پیام کوتاه (SMS)، ابتدا در سال ۱۹۹۱ در اروپا در شبکه‌ی بی‌سیم به کار گرفته شد و از سال ۱۹۹۸ در جایگاه واقعی خود قرار گرفت. در ایران در سال ۱۳۸۱، اولین پیام کوتاه به وسیله‌ی یک سیستم ایرانی آزمایش شد و از سال ۱۳۸۳ مورد اقبال عمومی قرار گرفت. طبق آمار شرکت مخابرات، متوسط ارسال روزانه‌ی پیام کوتاه در ایران بالغ بر ۲۰ میلیون پیام است. امروزه علاوه بر شکل‌گیری ارتباطات میان فردی از طریق پیام کوتاه، بهره‌گیری بانک‌ها، سازمان‌های هواشناسی، فرودگاه‌ها، سایت‌های خبری و ... در حوزه‌ی اطلاع‌رسانی یا تبلیغات تجاری، سیاسی و فرهنگی و حتی مسابقات و برنامه‌های تلویزیونی از این سرویس، از جمله مباحثی که طی سال‌های اخیر به طور جدی از سوی اتحادیه‌ی جهانی مخابرات پی‌گیری و به تمام کشورها تأکید می‌شود، لزوم تقویت زیرساخت‌های سرویس پیام کوتاه است؛ چرا که ارسال پیام کوتاه در زمان بحران به ویژه بحران‌های طبیعی و حوادث غیرمترقبه، فقط از این طریق امکان‌پذیر است. تقویت این شبکه، آسیب‌پذیری شبکه‌های تلفنی را در زمان بحران قابل جبران می‌کند.

اما امروزه، فناوری‌های ارتباطی، این امکان را فراهم آورده‌اند که افراد بتوانند، از محدودیت مکان بگذرند. کسانی که با تلفن با هم گفت‌وگو می‌کنند، به یکدیگر پیام کوتاه (SMS) ارسال می‌کنند، از طریق اینترنت همایش تشکیل می‌دهند یا گپ می‌زنند (چت می‌کنند) و برای یکدیگر ایمیل می‌فرستند، محدودیت مکان را که در گذشته لازمه‌ی تعامل بوده است، پشت سر گذاشته‌اند.

### برخورداری از رایانه‌ی شخصی

در سال ۲۰۰۲، حدود ۶۱۵ میلیون رایانه‌ی شخصی وجود داشته، در حالی که تعداد آن در سال ۱۹۹۰ حدود ۱۲۰ میلیون بوده است.

روند رشد ارتباطی از طریق تلفن ثابت، تلفن همراه و اینترنت طی سال‌های ۲۰۰۳-۱۹۹۵



نسبت دستیابی به اطلاعات و فناوری ارتباطی در جهان

تعداد استفاده‌کننده از اینترنت در ۱۰۰ نفر		تعداد رایانه‌ی شخصی برای ۱۰۰ نفر		تعداد خط تلفن ثابت و همراه برای ۱۰۰ نفر		
۲۰۰۲	۱۹۹۰	۲۰۰۲	۱۹۹۰	۲۰۰۲	۱۹۹۰	
۱۰/۱	۰/۳	۹/۵	۲/۵	۳۶/۵	۱۰/۱	جهان
۳۴/۳	۰/۳	۳۶/۴	۸/۹	۱۰۲/۵	۳۸/۱	کشورهای توسعه یافته
۴/۳	۰/۰	۳/۳	۰/۳	۲۰/۶	۲/۴	کشورهای توسعه نیافته

منبع: International Telecommunication Union (ITU)

به عبارت دیگر، فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی با کوتاه‌تر کردن فاصله‌ها و در نتیجه، نزدیک‌تر کردن راه‌های دور، امکان تعامل افراد را از فاصله‌ی زیاد در زمانی کوتاه فراهم آورده و موجب فشرده‌شدن زمان و مکان برای آن‌ها شده‌اند.



## شکل‌گیری «ما» و گروه بدون مکان مشترک

تعامل از فاصله‌ی دور، امکان شکل‌گیری «ما» و گروه‌هایی را فراهم کرده است که شاید هیچ‌گاه یکدیگر را در مکانی دیدار نکرده باشند و نکنند. این گروه‌ها در فضایی مجازی (اینترنتی، فرضی و تصور شده) تشکیل می‌شوند.

افرادی که از طریق اینترنت، همایش تشکیل می‌دهند یا گپ می‌زنند، محققانی که نوشته‌های خود را در این فضا ردّ و بدل می‌کنند و به نقد نوشته‌ی دیگری می‌پردازند، در حال تعامل در فضایی مجازی‌اند.<sup>۱</sup>

براین اساس، می‌توان گفت که فناوری ارتباطی جدید، امکان شکل‌گیری گروه‌ها و «ما»هایی را فراهم آورده است که به حضور در مکان واحد نیاز ندارند. فناوری جدید فضایی را فراهم می‌آورد که افراد در آن می‌توانند خود را با دیگران مقایسه کنند، شباهت‌ها و تفاوت‌های خود را با دیگران بشناسند، تشکیل «ما» دهند و تأیید دیگران را هم در این فضا بگیرند.

تشکیل چند میلیون وبلاگ، ارسال میلیاردها ایمیل و مبادله‌ی میلیاردها پیام حضوری در روز نشان می‌دهد که این فضای جدید چه استعداد بالایی برای تشکیل گروه دارد؛ بی‌آن که به جمع شدن در مکان نیازی باشد.

این امر به معنای بروز تغییری بنیادی در جهان است. اگر ادغام اقتصادها در هم، کنترل دولت – ملت‌ها را بر اقتصاد کاهش می‌دهد، گسترش فناوری ارتباطی، امکان کنترل آن‌ها را بر فرهنگ، هویت‌یابی و اعضای آن‌ها کاهش می‌دهد. در مقابل، این امکان را نیز برای افراد فراهم می‌آورد که بتوانند در عین زیستن در قلمرو سرزمینی یک دولت – ملت، در «جهان» زندگی کنند.

---

۱- دولت الکترونیک (e-government) که در کشورهای مختلف در حال شکل‌گیری است، تعامل

کارمند – ارباب رجوع را که در مکانی به نام اداره انجام می‌گرفت، تغییر می‌دهد. به این ترتیب، ارباب رجوع با کارمندی مواجه می‌شود که جایی در این فضا را اشغال کرده است. حتی ممکن است این کارمند اصلاً یک فرد نباشد بلکه یک برنامه باشد که کار کارمند را انجام می‌دهد.

## توزیع و رشد کاربران اینترنت در جهان (ژوئیه ۲۰۰۵)

مناطق جهان	برآورد جمعیت جهان (میلیون نفر)	استفاده از اینترنت (میلیون نفر)	رشد استفاده (۲۰۰۰-۲۰۰۵) به درصد	درصد استفاده کننده به جمعیت هر منطقه	درصد استفاده کننده به جمعیت جهان
آفریقا	۸۹۷	۱۶	۲۵۸/۳	۱۸	۱/۷
آسیا	۳۶۲۳	۳۲۴	۱۸۳/۲	۸/۹	۳۴/۵
اروپا	۷۳۱	۲۶۹	۱۶۱	۳۶/۸	۲۸/۷
خاور میانه	۲۶۱	۲۲	۳۱۱/۹	۸/۳	۲/۳
آمریکای شمالی	۳۲۸	۲۲۳	۱۰۶/۷	۶۸	۲۳/۸
آمریکای لاتین و منطقه‌ی کارائیب	۵۴۷	۶۸	۲۷۷/۱	۱۲/۵	۷/۳
اقیانوسیه/ استرالیا	۳۳	۱۶	۱۱۵/۹	۴۹/۲	۱۸
کل جهان	۶۴۲۰	۹۳۹	۱۶۰	۱۴/۶	۱۰۰

منبع: <http://www.internetworldstats.com/stats.htm>

### زمان صرف شده در اینترنت

متوسط زمان صرف شده در سطح جهان، ۱۱ ساعت و ۲۴ دقیقه در ماه بوده است.

### میزان جست و جو در روز

در ۱۲ مرورگر بزرگ (مانند...، Google، Aol، Yahoo)، در ژانویه ۲۰۰۳، به طور متوسط

در هر روز ۳۱۹ میلیون جست و جو انجام شده است.

### بلاگ‌ها (وبلاگ‌ها) (Blogs/web logs)

«بلاگ» یک صفحه‌ی وب است که به مثابه‌ی نشریه‌ای شخصی و در دسترس عموم برای یک فرد عمل می‌کند و نوعاً به صورت روزانه، به روز (update) می‌شود. تعداد بلاگ‌ها - در ۲۳ ماه ژوئن ۲۰۰۳، بر مبنای اطلاعات سه میزبان عمده، تعداد وبلاگ‌های فعال بین ۲/۴ تا ۲/۹ میلیون تخمین زده شده است.

### ایمیل

در حال حاضر، ایمیل یکی از شایع‌ترین روش‌های ارتباط است. کاربران ایمیل در آمریکا ۳۵ درصد جمعیت آمریکا (یعنی ۵۷ میلیون فرد بالغ) را شامل می‌شود. این افراد ۹۴ درصد کاربران اینترنت را تشکیل می‌دهند. طبق یک بررسی، ۳۵ درصد زمان صرف شده در اینترنت صرف ایمیل می‌شود؛ در حالی که براساس بررسی دیگری، افراد ۸۴ درصد وقت خود را در اینترنت صرف ایمیل می‌کنند.

### تخمین تعداد ایمیل در سطح جهان

سال	ایمیل در روز	ایمیل در سال
۱۹۹۹	۵ میلیارد	۱/۴ تریلیون
۲۰۰۰	۱۰ میلیارد	—
۲۰۰۲	۱۴/۹ میلیارد یا ۳۱ میلیارد	۴ تریلیون
۲۰۰۶	۶۰ میلیارد	—

### مبادله‌ی پیام حضوری (Instant Messaging)

مبادله‌ی پیام حضوری (IM) نوعی از خدمات ارتباطی است که فرد را قادر می‌سازد تا یک «اتاق گپ» (chat room) برای افراد دیگر فراهم کند. معمولاً نظام مبادله‌ی پیام، به کاربران اعلام می‌کند که دیگران هم حضور دارند و می‌توانند جلسه‌ای با دیگر افراد داشته باشند. حدود ۴۰ درصد جمعیت کاربر فعال اینترنت در آمریکا دست کم یک بار در ماه «می» سال ۲۰۰۴ وارد نظام مبادله‌ی پیام حضوری شده‌اند. تخمین زده می‌شود که در روز، بیش از ۵ میلیارد پیام مبادله می‌شود.

## جهانی شدن (در بعد ارتباطی)

اصطلاح «جهانی شدن» از بعد ارتباطات و تعامل های انسانی، برای اشاره به شکل گیری «دهکده ی جهانی» و «فشرده شدن زمان و مکان» هم به کار می رود؛ زیرا در دهکده ی جهانی، به رغم این که افراد و گروه ها به لحاظ فیزیکی در مکان هایی دور از هم زندگی می کنند، از زندگی یکدیگر در زمان واحد مطلع اند. هم چنین، زمانی که کاری انجام می دهند به انعکاس آن در جهان هم می اندیشند و نمی توانند فارغ از عکس العمل جهانی به عمل پردازند.

هم چنین، با فشرده شدن زمان و مکان، فضایی جهانی برای تعامل شکل می گیرد و افراد می توانند با هر فردی که در این فضا قرار دارد، ارتباط داشته باشند. اکنون امکان «دور کاری»<sup>۱</sup> به شدت افزایش یافته است؛ به گونه ای که فرد می تواند در خانه ی خود، حتی در اتومبیل و حتی روی موتورسیکلت از طریق تلفن همراه برای دفتر یک شرکت چند ملیتی در کشوری خارجی کار کند؛ آن هم هر موقع که خود بخواهد (و نه در ساعت های معین و متعارف کاری) و دستمزد خود را به هر ترتیبی که بخواهد (در قالب انواع کارهای اعتباری<sup>۲</sup> و ...) و هر زمان که مایل باشد در حساب های خود واریزی، برداشت یا واریز کند.

این فضای جدید، امکان های جدیدی را هم در اختیار اقتصاد قرار می دهد؛ از جمله، در داخل یک کشور با تسهیل روابط اقتصادی، به توسعه ی اقتصادی کمک می کند. از سوی دیگر، روابط اقتصادی فراملی را تسهیل می کند و از این طریق، جهانی شدن در بُعد اقتصادی را سرعت می بخشد. آن چه از آن به عنوان «بازاریابی شبکه ای»<sup>۳</sup> یاد می شود، یک نمونه از تأثیر فضای رایانه ای در اقتصاد است.

---

۱- Teleworking

۲- Credit Cards

۳- اصطلاح Network Marketing اشاره به بازاریابی الکترونیکی با استفاده از شبکه ی اینترنت دارد. بازاریابی اینترنتی عبارت است از فرایند ایجاد و حفظ روابط مفید متقابل فروشندگان با مشتریان از طریق فناوری های دیجیتال به منظور تسهیل تبادل ایده ها، کالاها و خدمات به نحوی که اهداف دو طرف را محقق سازد.

### تحقیق کنید



در مورد آداب و سنن، مکان‌ها، وقایع، انواع غذاها و پوشش‌های محلی و ایرانی در اینترنت به جست‌وجو بپردازید. خواهید دید که درباره‌ی موضوعاتی که فکر می‌کنید کسی به آن‌ها نمی‌پردازد یا مخصوص فرهنگ و جامعه‌ی ماست (محلّ خود شما یا ایران)، چه قدر اطلاعات وجود دارد.

با مراجعه به مرورگر گوگل (Google) و با استفاده از کلید واژه‌هایی که به موضوعات مورد نظر دلالت دارند (فارسی و انگلیسی)، تعداد سایت‌هایی را که مطالبی مرتبط با آن موضوعات دارند، مشخص کنید (پنج موضوع کافی است).

### درس را خلاصه کنید



.....

.....

.....

## دهکده‌ی جهانی ۲



در درس‌های گذشته آموختید که گسترش فناوری رسانه‌ای و نتیجه‌ی آن، یعنی جهانی شدن، جهان ما را کوچک کرده و امکان عمل و تعامل فراتر از محدودیت‌های مکانی و زمانی را فراهم آورده است.

— این شرایط، چه چالش‌ها و فرصت‌هایی را فراروی گروه سرزمینی (دولت — ملت) و گروه‌های قومی و دینی قرار می‌دهد؟

— این شرایط، آزادی فردی را افزایش می‌دهد یا کاهش می‌دهد؟ در این باره استدلال کنید.

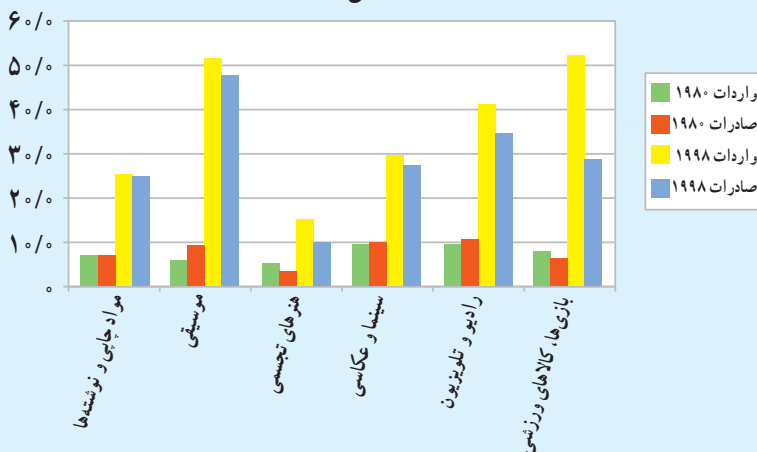
### هویت ملی

همان‌طور که در سال‌های گذشته خواندید، گروه بر مبنای احساس «ما» و تعامل پایدار بین اعضای گروه شکل می‌گیرد و تداوم می‌یابد. گروه سرزمینی (دولت — ملت) نیز با «ما»ی ملی و تعامل‌های پایدار بر مبنای باورها، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک تداوم می‌یابد.

داشتن روایت (هایی) واحد از تاریخ، زبان، ادبیات، هنرها، مفاخر و قهرمانان متعلق به یک ملت، از وجوه دیگری است که به واسطه‌ی آن، هر جامعه خود را از دیگر جوامع متمایز می‌کند. این‌ها عواملی‌اند که افراد یک جامعه را منسجم و هم‌بسته می‌سازند و بر مبنای این هم‌بستگی و انسجام است که «ما» و تعامل پایدار، تحقق می‌پذیرد.

آموزش رسمی و رسانه‌های یک جامعه نیز تلاش می‌کنند تا همین موارد را به نسل جدید انتقال دهند و آن‌ها را با نسل قبلی هم‌بسته کنند و از این طریق، گروه سرزمینی را

داد و ستد بین المللی کالاهای فرهنگی در دو مقطع زمانی ۱۹۸۰ و ۱۹۹۸ (میلیون دلار)



منبع: هلد، دیوید و مک گرو، آتونی (۱۳۸۲)، «جهانی‌شدن و مخالفان آن»، عرفان نابتی، تهران: ققنوس: ۵۷

تداوم بخشند. اگر از این منظر بنگریم، وجود نظام آموزشی واحد و همگون در یک کشور و رسانه‌هایی که بتوانند پیامی را در گستره‌ی سرزمینی منتشر کنند، از جمله عواملی است که بقا و تداوم آن جامعه را تضمین می‌کند.

رسانه‌های با برد زیاد، عاملی است که شرایط فوق را تغییر داده است؛ زیرا دارندگان رسانه‌های با برد زیاد می‌توانند از طریق ارسال پیام به قلمرو سرزمین دولت – ملت‌ها، باورها، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک و روایتی را که هر گروه سرزمینی از خود دارد، تغییر دهند و با تغییر آن، هویت ملی و تداوم زندگی گروهی را تحت تأثیر قرار دهند؛ به عبارت دیگر، توسعه‌ی فناوری‌های ارتباطی جدید، این امکان را فراهم آورده تا افراد، گروه‌ها و سازمان‌هایی که در بیرون مرزهای یک کشور قرار دارند، بتوانند در روایت(هایی) که هر گروه درباره‌ی خودش دارد، تردید ایجاد کنند و آن را زیر سؤال ببرند؛ بی‌آن که گروه سرزمینی بتواند مانع این کار شود.<sup>۲۱</sup>

۱- در گذشته هم گروه‌ها، تلاش می‌کردند که چنین کاری نکنند اما به دلیل کنترلی که گروه‌های پادار (مانند خانواده و گروه سرزمینی) بر مکان و تعامل افراد خود داشتند، این عمل برد زیادی نداشت. امروزه فناوری ارتباطات، گروه‌های مختلف را قادر می‌سازد تا بدون این که با مانعی از سوی گروه دیگر مواجه شوند، روایت‌های خود را به اعضای گروه دیگر عرضه کنند.

۲- شرایطی را که فناوری‌های جدید رسانه‌ای برای دولت – ملت‌ها پیش آورده‌اند، درباره‌ی سایر گروه‌هایی هم که بر مبنای فرهنگ مشترکی شکل گرفته‌اند، صادق است. گروه‌های قومی، محلی و دینی از جمله گروه‌هایی‌اند که بر مبنای باورهای مشترک شکل می‌گیرند. این گروه‌ها نیز در معرض چنین تغییری‌اند.

## تهاجم فرهنگی<sup>۱</sup> و «آمریکایی شدن»<sup>۲</sup> فرهنگ

زمانی که دولت‌ها و گروه‌های مختلف از «تهاجم فرهنگی» و «آمریکایی شدن» سخن می‌گویند، به توانایی دولت - ملت‌ها و گروه‌هایی اشاره دارند که می‌توانند فارغ از کنترل دولت‌ها، هویت جوامع و گروه‌های دیگر را در جهت موردنظر خود تغییر دهند.

در این زمینه هم مانند «جهانی شدن» دو نظر وجود دارد؛ عده‌ای تهاجم فرهنگی و آمریکایی شدن را فرایندی ناخواسته و غیرارادی می‌دانند که در آن، فرهنگ جوامعی که توانایی بیشتری در زمینه فناوری ارتباطی دارند، از طریق رسانه‌های فراملی بر فرهنگ جوامع دیگر تأثیر می‌گذارد و آن‌ها را تغییر می‌دهد. کسانی که چنین عقیده‌ای دارند، آن‌چه را با عنوان تهاجم فرهنگی شناخته می‌شود، امری طبیعی می‌دانند که در همه‌ی دوره‌ها وجود داشته و در دوره‌ی جدید، فناوری جدید ارتباطی به آن شدت بخشیده است.

در مقابل، عده‌ای معتقدند که تهاجم فرهنگی و آمریکایی شدن، فرایندی ارادی و آگاهانه است که در آن، یک جامعه یا واحد اجتماعی با استفاده از فناوری‌های جدید ارتباطی، می‌کوشد ارزش‌ها و عقاید خود را بر جوامع دیگر تحمیل کند.

اما آن‌چه در هر دو برداشت از تهاجم فرهنگی و آمریکایی شدن مشترک است، نقش فناوری‌های جدید ارتباطی است که این امکان را فراهم آورده‌اند.

### اعتراض به آمریکایی شدن فرهنگ

خریستو دولوس، اسقف اعظم یونان، با انتقاد شدید از پدیده‌ی جهانی سازی به عنوان ابزار آمریکا برای گسترش فرهنگ زندگی این کشور به سراسر جهان، به شدت انتقاد کرد. دولوس رهبر کلیسای ارتدوکس یونان، عصر دوشنبه در جمع گروهی از نمایان این کشور در شهر آتن گفت: «آمریکا با طرح جهانی سازی در صدد تحمیل روش زندگی به شیوه‌ی آمریکاییان به کشورهای دیگر است و به همین علت، با سنت‌ها و فرهنگ بومی جوامع مخالفت می‌کند.»

منبع: ایرنا، فروردین ۱۳۸۳

۱- Cultural Invasion

۲- Americanisation هم به معنای «آمریکایی شدن» و هم «آمریکایی کردن» است.



توانایی آمریکا در تولید برنامه‌های رسانه‌ای تأثیرگذار از جمله فیلم‌های هالیوودی که باورها، ارزش‌ها و هنجارهای خاصی را تبلیغ می‌کنند و انتشار آن‌ها از طریق رسانه‌های با برد زیاد، این امکان را به آمریکا داده است تا ذائقه‌ی<sup>۱</sup> اعضای جوامع دیگر را مطابق با فرهنگ خود شکل دهد. در نتیجه‌ی چنین کاری، به تدریج باورها، ارزش‌ها و هنجارهای آمریکایی در سرزمین‌های دیگر گسترش می‌یابد و نوعی همگونی جهانی را پدید می‌آورد. آمریکایی‌شدن چشم‌گیر جهان، در درجه‌ی نخست، از توان مالی عظیم شرکت‌های آمریکایی و سلطه‌ی این کشور بر صنایع فرهنگ‌ساز سرچشمه می‌گیرد. در جهان کنونی، بزرگ‌ترین و قدرتمندترین شرکت‌هایی که در زمینه‌ی تولید و توزیع فرهنگ فعالیت دارند، در مالکیت آمریکایی‌هاست (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۱۱۲).

### صنعت فرهنگی و آمریکایی‌شدن

یکی از ویژگی‌های زمانه‌ی ما، رشد و توسعه‌ی «صنعت فرهنگی» است. زمانی فعالیت فرهنگی، در قالب کاری هنرمندانه و خاص انجام می‌شد. اگر هنرمندی نقاشی می‌کرد، نقاشی او اثری منحصر به فرد بود که افراد برای بهره‌مند شدن از آن باید فقط به آن مراجعه می‌کردند اما با رشد صنعت چاپ، اکنون می‌توان به طور هم‌زمان از یک اثر نقاشی، نسخ متعددی تهیه کرد و آن را به عنوان کالا در بازار فروخت. همگان نیز می‌توانند با پرداخت پول، آن را بخرند. این عمل در زمینه‌ی همه‌ی هنرها اتفاق افتاده است؛ به همین جهت، از فرآورده‌های فرهنگی، که به صورت کالا تولید می‌شوند و قابلیت خرید و فروش دارند، با عنوان «کالاهای فرهنگی» یاد می‌شود. صنعتی هم که در آن، این کالاها تولید می‌شوند، «صنعت فرهنگی» است.

فرهنگی که در قالب صنعت فرهنگی تولید می‌شود، این امکان را فراهم آورده تا فرهنگ را هم بتوان مانند کالاهای دیگر به فراتر از مرزهای فرهنگی، که آن کالا در آن جا شکل گرفته و پرورده شده است، عرضه کرد. هم‌چنین، موجب شده تا سرنوشت کالای فرهنگی با رابطه‌ی عرضه - تقاضا، قیمت تمام شده، بازاریابی و دیگر عوامل اقتصادی پیوند بخورد. بنگاه‌هایی که ذائقه‌ی مصرف‌کنندگان را در نظر بگیرند، کالای بهتر و ارزان‌تری تهیه کنند، برای کالای خود بازاریابی بهتری انجام دهند و ...، در مقایسه با آن‌ها که قابلیت‌های کم‌تری در این زمینه‌ها دارند، موفق‌تر خواهند داشت.

آمریکایی‌شدن را هم در همین زمینه می‌توان توضیح داد. امروزه تولیدات صوتی و تصویری

بسیاری توسط شرکت‌های مختلف به بازار عرضه می‌شوند که تأثیر آن تابع بازار و رابطه‌ی عرضه - تقاضاست. شرکت‌هایی که بتوانند محصولاتی تهیه کنند که با ذائقه‌ی افراد بیش‌تری سازگار باشد و قیمت آن هم کم‌تر باشد، بهتر می‌توانند عرصه‌ی فرهنگ را کنترل کنند. چنان‌که صادرات و واردات کالاهای فرهنگی بین آمریکا و اروپا نشان می‌دهد، حجم واردات کالاهای سمعی - بصری آمریکایی به اتحادیه‌ی اروپا به مراتب بیش از صادرات این نوع کالا به آمریکا بوده است. ارقام جدول زیر شاهده‌ی بر این مدعاست.

تجارت صنایع صوتی - تصویری (سمعی - بصری) اتحادیه‌ی اروپا با آمریکا (میلیون دلار)

	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	۱۹۸۹	۱۹۸۸	
واردات	۶۷۹۵	۶۰۳۶	۵۷۷۶	۵۰۰۰	۴۲۰۰	۳۷۱۹	۳۰۲۸	۲۳۳۷	
صادرات	۵۳۲	۵۸۵	۴۲۹	۳۰۰	۲۷۹	۴۶۴	۴۰۴	۳۵۹	

ارقام جدول نشان می‌دهد، در طول یک دوره‌ی زمانی هفت ساله، واردات کالاهای فرهنگی از آمریکا به اتحادیه‌ی اروپا سه برابر شده است؛ در حالی که صادرات از اتحادیه‌ی اروپا به آمریکا تقریباً ثابت باقی مانده است.

نکته‌ی قابل توجه دیگر در همین زمینه، افزایش زمان پخش رسانه‌های جمعی رادیو و تلویزیون در اروپا و به تبع آن، افزایش سهم واردات کالاهای فرهنگی آمریکایی است. زمان پخش در اروپای غربی از ۲۰۵۰۰۰ ساعت در سال ۱۹۸۵ به ۷۲۰۰۰۰ ساعت در سال ۱۹۹۳ افزایش یافته و تعداد ایستگاه‌های رادیویی و تلویزیونی ملی از حدود ۴۰ در ۱۹۸۱ به ۲۰۵ در ۱۹۹۵ رسیده است. به تبع افزایش در ساعات پخش، مصرف کالاهای فرهنگی آمریکایی نیز افزایش یافته است؛ زیرا برابر آمار، فروش تولیدات هالیوودی به کانال‌های تلویزیونی در دوره‌ی زمانی ۱۹۹۶-۱۹۸۶، رشد متوسط سالیانه‌ای برابر با ۳۲ درصد داشته است. در مقابل، سهم بازار برای فیلم‌های خارجی در آمریکا در طول زمان، از ۱۰ درصد در دهه‌ی ۱۹۶۰ به ۷ درصد در ۱۹۸۶ و ۱ درصد در ۱۹۹۶ رسیده است.

آمریکا میزبان چند شرکت بزرگ چند رسانه‌ای است که کالاهایشان را به کل جهان صادر می‌کنند و همین امر باعث شده تا رهبری تجارت بین‌المللی را در زمینه‌ی تولیدات فرهنگی اختیار بگیرد. فهرست ده شرکت عمده و درآمد آن‌ها در جدول صفحه‌ی بعد آمده است.

درآمد ده شرکت سمعی — بصری خصوصی مهم در دوره‌ی زمانی ۹۶ — ۱۹۹۵ (میلیارد دلار)

شرکت	درآمد
Walt Disney (آمریکا)	۱۸/۹۴۹
Time-Warner (آمریکا)	۱۷/۶۹۶
Bertelsman AG (آلمان)	۱۳/۷۰۰
Viacom Inc (آمریکا)	۱۱/۶۸۸
News Crop (آمریکا — استرالیا)	۹/۸۸۲
Havas (فرانسه)	۸/۸۰۰
EMI Group (ژاپن)	۷/۶۹۶
TCI (آمریکا)	۶/۸۵۱
Polygam NV (نیوزیلند)	۵/۵۳۰
EMI Group (انگلیس)	۵/۴۵۳

منبع:

Galperin, H.(1999, January 1). Cultural Industries in the Age of free-Trade Agreements.

[http://www.cjc-Canadina Journal of Communication \[Online\], 24\(1\). Available:](http://www.cjc-Canadina Journal of Communication [Online], 24(1). Available:)

[online.ca/viewarticle.php?id=505.](http://online.ca/viewarticle.php?id=505)

## شکل‌گیری گروه‌های فراملی

در سال گذشته، آموختید که هویت‌های ملی بر مبنای روایت یا روایت‌هایی که درباره‌ی یک ملت وجود دارد، شکل می‌گیرد. اما شکل‌گیری فرهنگ و هویت ملی به معنای آن نیست که فرهنگ‌ها و هویت‌های قومی و دینی و ...، از بین می‌روند بلکه به این معناست که دولت — ملت‌ها بر هویت و فرهنگ ملی تأکید می‌کنند و در جهت تقویت آن تلاش می‌کنند؛ از این‌رو، اعضای گروه سرزمینی در همان حال که خود را عضوی از ملت می‌دانند، ممکن است عضو یک گروه دینی یا قومی هم باشند که گستره‌ی آن از گروه سرزمینی فراتر باشد. برای نمونه، می‌توان از مسیحیان کاتولیک یاد کرد. کاتولیک‌ها افرادی‌اند که از طریق پیوند و رابطه‌ای که با کلیساها و کشیش‌ها دارند، تحت رهبری پاپ قرار می‌گیرند و از

مرکزی به نام واتیکان اداره می‌شوند. چنین افرادی در کشورهای مختلف زندگی می‌کنند اما عضو یک گروه فراملی دینی اند.<sup>۱</sup>

بیشتر ادیانی که رسالتی فراملی برای خود قائلند، دارای این ویژگی‌اند. امروزه مسلمان‌هایی که در کشورهای مختلف پراکنده‌اند، به همان اندازه که با هم احساس هم‌بستگی می‌کنند و تعامل دارند، به یک گروه فراملی تبدیل می‌شوند.

فناوری جدید این امکان را برای چنین گروه‌هایی فراهم کرده است تا بتوانند بدون رویارویی با محدودیت مکان مشترک، با اعضای خود رابطه داشته باشند و در جهت عضوگیری در جهان عمل کنند. اگر زمانی تبلیغ دین مسیح به اقدام دولت‌ها برای تأمین امنیت مبلغان مسیحی نیاز داشت، امروز بدون کمک آن‌ها می‌توان به تبلیغ دین مسیح پرداخت، با اعضای کلیسا و گروه دینی رابطه داشت و حتی مراسم دینی را در فضای مجازی (اینترنتی) اجرا کرد.

امروز آن‌چه به عنوان «صهیونیسم» شناخته می‌شود، گروهی را در سطح جهان شکل داده است که اهدافی فراملی دارند. این‌ها عضوی از گروه‌های سرزمینی‌اند اما در جهت اهداف صهیونیسم عمل می‌کنند.

گروه‌های قومی هم که در قلمرو دولت‌های مختلف پراکنده‌اند، می‌توانند به کمک رسانه‌های جدید، هویت قومی خود را حفظ کنند.

هم‌چنین، گروه‌هایی که بر مبنای آرمان‌های مشترک جهانی مانند صلح، حقوق بشر، حفظ آزادی‌های مدنی و مقابله با جریان‌هایی که صلح و امنیت جهانی را تهدید می‌کنند، شکل گرفته‌اند، نمونه‌ی دیگری از این نوع گروه‌های فراملی‌اند که گاه به اقداماتی جهانی دست می‌زنند؛ مانند «سازمان دوستان زمین»<sup>۲</sup>، «سازمان صلح سبز»<sup>۳</sup>، «جنبش حفظ محیط زیست» و «جنبش ضد سرمایه‌داری».

---

۱- گفتنی است که هر مسیحی، لزوماً عضو یک گروه دینی نیست؛ زیرا مسیحیان افرادی‌اند که دینداری را امری فردی تلقی می‌کنند و خود را به تشکیلات روحانی دین مسیح - چه کاتولیک و چه فرقه‌های دیگر - وابسته نمی‌دانند.

۲- Friends of the Earth

۳- Greenpeace

## گفت و گو کنید

الف - فرض کنیم همه‌ی دولت - ملت‌ها و گروه‌های دینی و قومی بتوانند فرهنگ خود را به اعضای دیگر جوامع و گروه‌ها عرضه کنند. در این صورت:

- چه وضعی برای دولت - ملت‌ها و گروه‌های مختلف پیش می‌آید؟ هویت ملی تضعیف یا به عکس، تقویت خواهد شد؟ در این باره استدلال کنید.

ب - در برابر تهاجم فرهنگی چه باید کرد؟ اقدامات مختلفی که می‌توان انجام داد، چیست؟ چه راهی موفقیت‌آمیزتر است؟

پ - شرایط پیش آمده، برای اسلام به عنوان یک دین جهانی، فرصت محسوب می‌شود یا تهدید؟ استدلال کنید.

## درس را خلاصه کنید

.....

.....

.....

## نابرابری در نظام جهانی ۱

بررسی کنید



به گزارشی از بانک جهانی توجه کنید:

«جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم، آن قدر ثروتمند است که بیش از ۳۱ تریلیون (۳۱۰۰۰ میلیارد) دلار در سال درآمد دارد. در این جهان، متوسط درآمد افراد در بعضی کشورها بیش از ۴۰۰۰۰ دلار در سال است؛ در حالی که ۲/۸ میلیارد نفر – که بیش از نیمی از مردم کشورهای در حال توسعه‌اند – با درآمدی کم‌تر از ۷۰۰ دلار در سال زندگی می‌کنند. از این تعداد، ۱/۲ میلیارد نفر درآمدی کم‌تر از ۱ دلار در روز دارند.

در نتیجه‌ی چنین شرایطی، در کشورهای در حال توسعه روزانه ۳۳۰۰۰ کودک می‌میرند و در هر دقیقه، بیش از یک زن در زمان وضع حمل جان خود را از دست می‌دهد. فقر موجب شده تا ۱۰۰ میلیون کودک نتوانند به مدرسه بروند.» این گزارشی است که «بانک جهانی» از توزیع ثروت در جهان در سال ۲۰۰۴ داده است. از این گزارش چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟

منبع: <http://www.worldbank.org>

### نابرابری در ثروت

در سال‌های گذشته، با نابرابری در برخورداری از مزایا و تراکم مزایا در یک جامعه آشنا شدید. در عرصه‌ی جهانی نیز این نابرابری و فاصله‌ی میان غنی و فقیر در ابعاد وسیع‌تری وجود دارد.

برای ارزیابی نابرابری در ثروت، می‌توان از شاخص «درآمد ناخالص ملی» (GNI) یا «تولید ناخالص ملی» (GNP) و «تولید ناخالص داخلی» (GDP) یا سرانه‌ی آن‌ها استفاده کرد. در سال ۲۰۰۴، درآمد ناخالص ملی جهان حدود ۴۰۰۰۰ میلیارد دلار بوده که بیش از یک چهارم آن به آمریکا تعلق داشته است.

همان‌طور که نمودار صفحه‌ی بعد نشان می‌دهد، سرانه‌ی درآمد ناخالص کشورها، بین نزدیک به صفر تا حدود ۶۰۰۰۰ دلار در سال متغیر است. در طبقه‌بندی بانک جهانی، از ۲۰۸ کشور در سال ۲۰۰۳، ۵۶ کشور دارای درآمد بالا (۹۰۷۶ دلار و بیش‌تر)، ۳۴ کشور دارای درآمد متوسط رو به بالا (۲۹۳۶-۹۰۷۵)، ۵۴ کشور دارای درآمد متوسط رو به پایین (۷۳۶-۲۹۳۵) و ۶۴ کشور دارای درآمد پایین (۷۳۵ دلار و کم‌تر) بوده‌اند. (<http://www.worldbank.org>)

## نابرابری در قدرت

در زمینه‌ی قدرت نیز تفاوت زیادی بین دولت – ملت‌های مختلف وجود دارد. یکی از مصادیق قدرت در جهان، داشتن نیروی نظامی است. در سال ۲۰۰۰ میلادی، ۱۶۶ کشور جهان حدود ۲۰ میلیون نفر نیروی مسلح (دریایی، هوایی و زمینی) داشته‌اند. هزینه‌های نظامی شاخص دیگری است که می‌توان از آن در تعیین قدرت یک جامعه سود جست. در سال ۲۰۰۴ هزینه‌ی نظامی ۱۷۰ کشور در سال، حدود ۷۴۱ میلیارد دلار بوده که ۳۷ درصد آن به آمریکا تعلق داشته است.

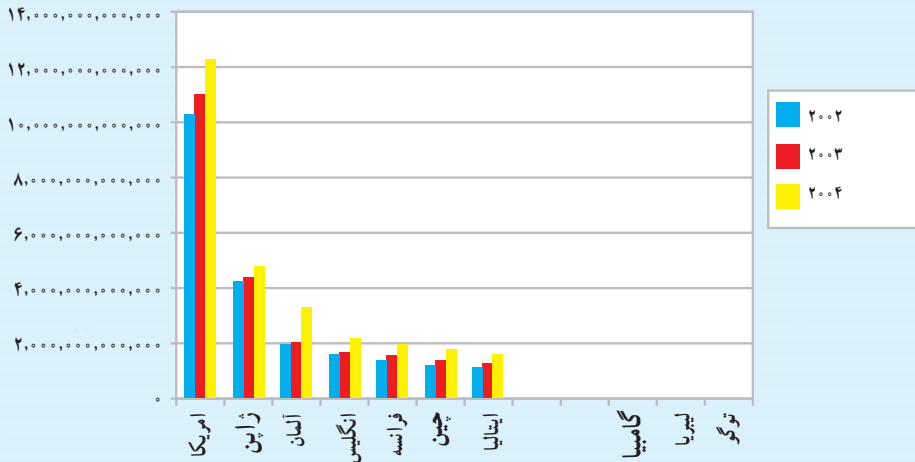
نمودارها، تفاوت بین کشورها را از نظر تعداد نیروی مسلح و هزینه‌ی نظامی نشان می‌دهد. اگر کشورها را براساس قدرت آن‌ها در جهان طبقه‌بندی کنیم، در هر دوره از زمان، می‌توان آن‌ها را در طول طیفی از قدرتمندترین تا ضعیف‌ترین کشورها تقسیم کرد. در یکی از این تقسیم‌بندی‌ها، به کشور یا کشورهایی که از بالاترین قدرت برخوردارند، «ابر قدرت» می‌گویند. در مرتبه‌ی دوم، کشورهایی قرار می‌گیرند که در سطح جهانی «قدرتمند» شناخته می‌شوند. در مرتبه‌ی بعد باید از کشورهایی یاد کرد که در سطح یک منطقه، «قدرتمند» به حساب می‌آیند. در پایان این طیف، کشورهایی قرار دارند که قدرت چندانی ندارند و از آن‌ها با عنوان «دولت‌های ذره» یاد می‌شود.<sup>۱</sup>

---

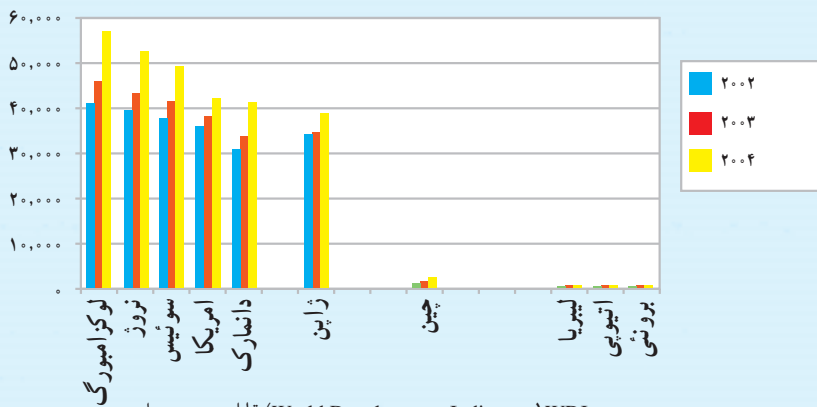
۱- این طبقه‌بندی را به این صورت هم می‌توان بیان کرد: ابر قدرت‌ها، قدرت‌های بزرگ، میانه، کوچک و ذره. در این مورد و برای کسب اطلاع بیش‌تر به منبع زیر مراجعه کنید:  
فرانکل، جوزف؛ روابط بین‌الملل در جهان متغیر، ترجمه‌ی عبدالرحمن عالم، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳، صص ۴۷-۴۸.

## نابرابری در ثروت

مقایسه‌ی درآمد ناخالص ملی یا GNI (دلار) بیش از ۲۰۰ کشور<sup>۱</sup>



سرانه‌ی درآمد ناخالص ملی (دلار) در بین بیش از ۲۰۰ کشور<sup>۲</sup>



منبع: WDI (World Development Indicators) قابل دسترسی از

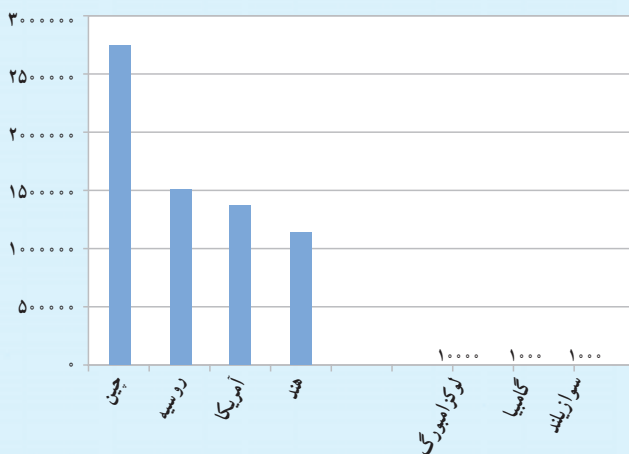
نشانی زیر: <http://devdata.worldbank.org/data-query/>

۱- چون هدف مقایسه بوده است، در بیش‌تر نمودارهای این درس، فقط اطلاعات مربوط به تعدادی از کشورها که بیش‌ترین و کم‌ترین مقدار شاخص‌های مورد مقایسه را داشته‌اند، آمده و از نمایش اطلاعات سایر کشورهایی که بین این دو حد قرار داشته‌اند، پرهیز شده است.

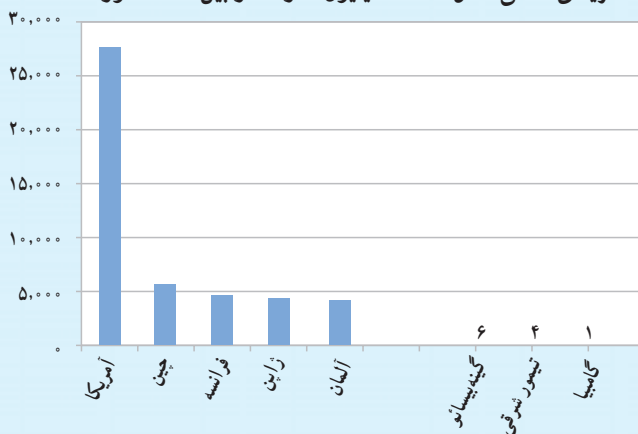
۲- چین با توجه به درآمد ناخالص ملی‌اش، کشور ثروتمندی محسوب می‌شود اما به دلیل جمعیت زیاد، سرانه‌ی درآمد ناخالص ملی آن حدود ۱۲۹۰ دلار است که درآمد پایینی به حساب می‌آید.



### نابرابری در قدرت تعداد کل نیروهای مسلح (سال ۲۰۰۰) در بین ۱۶۶ کشور



### هزینه نظامی (سال ۲۰۰۴) میلیون دلار — در بین ۱۷۰ کشور



منبع: ۱- <http://www.nationmaster.com/red/graph>

[http://www.nationmaster.com/red/graph-T/mil\\_arm\\_for\\_](http://www.nationmaster.com/red/graph-T/mil_arm_for_)

per&int = -1 (به نقل از: IIS(International Institute for Strategic

Studies). 2001. The Military Balance 2001\_2002. Oxford: Oxford University Press

۲- [http://www.nationmaster.com/red/graph\\_T/mil\\_exp\\_dol](http://www.nationmaster.com/red/graph_T/mil_exp_dol)

fig & int = -1

(۱/۱/۸۴ - ۱۲ ژانویه ۲۰۰۶)

## نابرابری در دانش و فناوری

چنان که در درس‌های قبل گفتیم، منبع عمده‌ی ثروت و قدرت در جهان کنونی، فناوری و دانش است؛ از این‌رو، کشورهای ثروتمندتر و قدرتمندتر عمدتاً فناوری پیشرفته‌تری دارند و در تولید دانش از کشورهای دیگر جلو‌ترند.

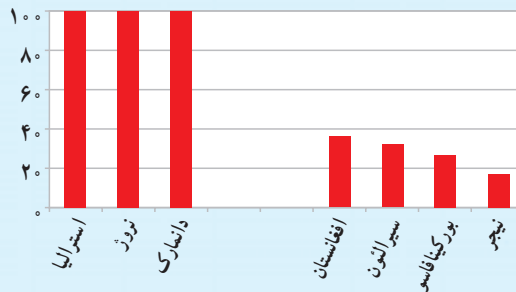
## نابرابری درون سازمان‌های بین‌المللی

در سطح جهان نیز هم‌چون درون هر جامعه، برخورداران از مزایا معمولاً در مراکز قانون‌گذاری و نظم‌بخشی جایگاه ویژه‌ای دارند؛ چنان که در منشور ملل متحد، برای پنج کشور قدرتمند (چین، آمریکا، انگلیس، فرانسه و روسیه) به رغم تأکید بر برابری اعضا، «حق و تو» تصویب شده است و آن‌ها می‌توانند از تصویب هر تصمیمی که مخالف منافع و نظر آن‌ها باشد، جلوگیری کنند.

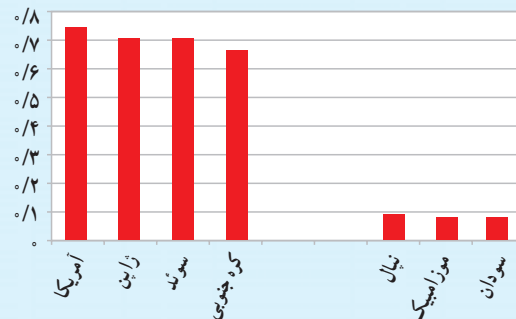
علاوه بر این، در واحدهای تابعه یا وابسته به سازمان ملل نیز چنین تمایزی دیده می‌شود؛ برای نمونه می‌توان به شیوه‌ی رأی‌گیری در بانک جهانی اشاره کرد. این بانک به صورت یک شرکت سهامی است و کشورها بر مبنای سهمی که در سرمایه‌ی آن دارند، از حق رأی برخوردارند. آمریکا با داشتن بیش‌ترین سهم (۱۶/۴ درصد) بالاترین حق رأی را دارد. در مرتبه‌ی بعد، ژاپن، آلمان، انگلیس و فرانسه قرار دارند. رئیس بانک هم معمولاً آمریکایی است.

### نابرابری در دانش و فناوری

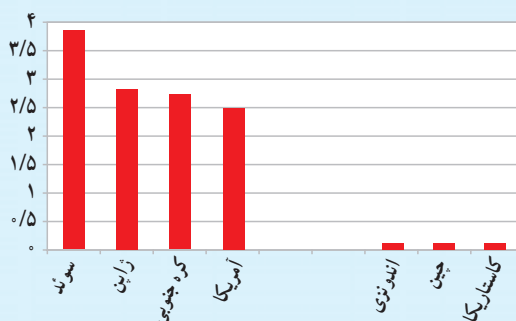
درصد افراد باسواد در جمعیت (سال ۲۰۰۵) در بین ۲۰۲ کشور



نمره دستاوردهای فناوریانه (تکنولوژیک) (سال ۲۰۰۰) در بین ۶۸ کشور



هزینه‌ی تحقیق و توسعه (R&D) برای سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ در بین ۷۰ کشور



منبع: <http://www.nationmaster.com/> به نقل از : United Nations Development Program

World Bank. 2002. World / Human Development Report 2001

Development Indicators 2002 (۲۱ ژانویه ۲۰۰۶)

همین موضوع سبب شده است تا کشورهای برخوردار، در این نوع سازمان‌ها نیز بتوانند در قالب قانون، منافع خود را پی‌گیری کنند و اقدام علیه مخالفان خود را مشروعیت بخشند. نمونه‌ی این امر، تلاش‌های آمریکا در سال‌های بعد از انقلاب علیه ایران در کلیه‌ی مجامع و سازمان‌های بین‌المللی است که مصداق «مثنوی هفتاد من کاغذ» است.

### بخشی از بیانیه‌ی وزارت بازرگانی آمریکا درباره‌ی ایران

اظهارات ویلیام بی. شورچ در برابر کمیته‌ی فرعی خدمات مالی در زمینه‌ی سیاست پولی داخلی و بین‌المللی، بازرگانی و فناوری/۲۹ اکتبر ۲۰۰۳

... آقای کینگ (King)، رئیس، آقای مالونی (Maloney)، عضو ارشد و اعضای برجسته‌ی کمیته‌ی فرعی، ما فرصتی را که امروز برای ادای شهادت در خصوص اجرای سیاست ایالات متحده در ارتباط با واگذاری وام از طرف «بانک چند جانبه‌ی توسعه» به ایران پیش آمده است، مغتنم می‌شمایم. همان‌گونه که استحضار دارید، این سیاست تازه‌ای نیست و این دولت نیز با شما هم عقیده است که ایران نباید به منابع «بانک چند جانبه‌ی توسعه» دسترسی داشته باشد. ... کوشش‌های ایالات متحده برای سد کردن راه کمک گروه «بانک جهانی» به ایران طی مدت هفت سال، از ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۰، کاملاً موفقیت‌آمیز بوده است. طی این مدت، ما به ایجاد اجماعی در میان کشورهای «G-7» (گروه کشورهای هفت‌گانه شامل ایتالیا، فرانسه، آلمان، انگلستان، ژاپن، کانادا و ایالات متحده) توفیق یافتیم و از واگذاری هرگونه وامی به ایران جلوگیری کردیم.

... ما همچنین، کوشش‌های خود را در هماهنگی با دیگر کشورهای وام‌دهنده، با هیأت مدیره‌ی بانک و سایر سهام‌داران در جهت محدود ساختن حمایت گروه «بانک جهانی» از ایران هدایت خواهیم کرد.

منبع: سایت وزارت امور خارجه آمریکا

### تحقیق کنید



سایت [www.nationmaster.com](http://www.nationmaster.com)، یکی از منابعی است که اطلاعات مربوط به کشورهای مختلف را از منابع دیگر جمع آوری می کند و برای مقایسه ی کشورها در زمینه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... نمودارهایی ارائه می دهد. با تقسیم کاری که توسط دبیر شما انجام می شود، به این سایت مراجعه کنید و درباره ی نابرابری کشورها در زمینه ی یک شاخص، گزارش تهیه کنید و در زمینه ی علل احتمالی آن، مطلبی ارائه دهید.

### درس را خلاصه کنید



.....

.....

.....

## نابرابری در نظام جهانی ۲

در درس گذشته با نابرابری در سطح جهان آشنا شدید. در این درس می‌خواهیم به عاملی که باعث این نابرابری و تداوم آن است، بپردازیم.

**مقایسه کنید**



در جدول زیر، اطلاعاتی در زمینه‌ی «سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی» دو مجموعه از کشورها، در دو مقطع زمانی ارائه شده است. گروه اول، کشورهایی‌اند که امروزه به عنوان کشورهای ثروتمند شناخته می‌شوند و گروه دوم، کشورهای دارای درآمد پایین‌اند. از مقایسه‌ی این دو مجموعه کشورها، چه نتیجه یا نتایجی می‌توان گرفت؟

سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی (دلار)		
سال ۱۹۷۳ میلادی	سال ۱۸۲۰ میلادی	
۱۶۶۰۷	۱۲۸۷	آمریکا
۱۳۱۵۲	۱۱۱۲	آلمان
۱۲۹۴۰	۱۲۱۸	فرانسه
۱۲۷۶۳	۱۷۵۶	انگلیس
۱۰۴۰۹	۱۰۹۲	ایتالیا
۳۹۱۳	۶۷۰	برزیل
۱۵۳۸	۶۱۴	اندونزی
۱۱۸۶	۵۲۳	چین
۸۵۳	۵۳۱	هند

منبع: 1: [http://www.nationmaster.com/red/graph-T/eco\\_res\\_and\\_dev\\_spe&int=\\_1](http://www.nationmaster.com/red/graph-T/eco_res_and_dev_spe&int=_1)

: [http://www.nationmaster.com/graph-T/eco\\_gdp\\_per\\_cap\\_in\\_197](http://www.nationmaster.com/graph-T/eco_gdp_per_cap_in_197) (به نقل از :

(Angus Maddison) (۲۱ ژانویه ۲۰۰۶)

## رابطه‌ی مرکز - پیرامون

در فصول گذشته خواندید که در جریان گسترش جغرافیایی نظام جهانی، چه در قالب استعمار و چه رابطه‌ی تجاری، علاوه بر این که اقتصاد کشورهای مستعمره به کشورهای مرکز وابسته می‌شد، ارزش افزوده‌ی (مازاد) این گونه کشورها، به‌ویژه کشورهایی که دارای اقتصاد کشاورزی بودند، به اشکال مختلف (از طریق زور یا مبادله‌ی آزاد) به کشورهای اروپایی و استعمارگر انتقال می‌یافت. حتی انقلاب صنعتی را که تغییری اساسی در زندگی انسان‌ها پدید آورد، می‌توان نتیجه‌ی تراکم (انباشت) مازاد در کشورهای اروپایی به حساب آورد.

بنابراین، از بدو تکوین نظام جهانی، رابطه‌ی نابرابر بین مرکز و پیرامون از جهت برخورداری از مزایا (قدرت و ثروت) شکل گرفت که در طول زمان ادامه یافت و روزبه‌روز بیش‌تر شد.

با توجه به وجود این پیشینه، در اندازه‌گیری میزان نابرابری اگرچه از شاخص‌هایی چون تولید ناخالص داخلی استفاده می‌شود اما اگر بخواهیم نابرابری در نظام جهانی را به‌صورت ریشه‌ای بررسی کنیم، باید به رابطه‌ی مرکز - پیرامون توجه کنیم.

رابطه‌ی مرکز - پیرامون بر مبنای جایگاه کشورها در نظام تقسیم کار بین‌المللی مشخص می‌شود؛ بنابراین، برای شناخت بهتر آن باید تقسیم کار بین‌المللی را مرور کنیم.

## نظام تقسیم کار بین‌المللی

دانشمندان علوم اجتماعی پنج عامل را به‌عنوان منابع تولید ارزش افزوده در فرایند کار شناسایی کرده‌اند که عبارت‌اند از: ۱- نیروی انسانی، ۲- زمین، ۳- ابزار (ماشین)، ۴- سرمایه و ۵- دانش.

دو منبع اول - چنان که مشهود است - در گذشته نیز وجود داشته‌اند و تنها منابع یا منابع اصلی و اساسی فرایند کار تلقی می‌شده‌اند. در دوره‌ی جدید، با پیدایی سرمایه و دانش و ترکیب این دو منبع نوپدید با منبع ابزار یا ماشین، فرایند کار، کیفیتی جدید پیدا کرد که از آن با عنوان «اقتصاد سرمایه‌داری یا صنعتی» یاد می‌شود.

در طول زمان، هرچه به زمان حال نزدیک‌تر می‌شویم، نقش محوری دانش در میان دیگر منابع مؤثر در تولید ارزش افزوده، افزایش می‌یابد. همین موضوع برخی از دانشمندان علوم اجتماعی را بر آن داشته است تا از جایگزینی «اقتصاد سرمایه‌داری و صنعتی» با «اقتصاد پسامایه‌داری و پساصنعتی» سخن به میان آورند؛ این نوع اقتصاد، «اطلاعاتی» هم خوانده شده است.

در «اقتصاد دانش‌محور» یا «اقتصاد اطلاعاتی» سهم عمده در تولید ناخالص ملی، از آن بخش دانش (بخش خدمات) است و سهم بخش صنعت و کشاورزی به ترتیب در مراتب بعدی قرار دارد.<sup>۱</sup>

در نظام جهانی نیز با پیدایی «اقتصاد سرمایه‌داری یا صنعتی»، کشورهای توسعه‌یافته (صنعتی شده) به عنوان کشورهای مرکز، بیش‌ترین تولید ارزش افزوده را به خود اختصاص دادند؛ چرا که دو منبع اساسی «اقتصاد سرمایه‌داری یا صنعتی» - یعنی سرمایه و صنعت - را در اختیار داشتند؛ درحالی که کشورهای توسعه‌نیافته که متکی بر «اقتصاد کشاورزی» بودند، در تولید ارزش افزوده در سطح جهانی سهم ناچیزی داشتند؛ در نتیجه، در تقسیم کار جهانی، کشورهای پیرامونی عهده‌دار تأمین دو منبع ارزان و فراوان «مواد خام» و «کارگر» برای صدور به کشورهای توسعه‌یافته شدند و کشورهای توسعه‌یافته نیز تولید فراورده‌های گران‌قیمت را برای صدور به کشورهای توسعه‌نیافته برعهده گرفتند.

با پیدایی و استیلای «اقتصاد اطلاعاتی پساصنعتی» در کشورهای توسعه‌یافته، تقسیم کار جهانی شکل تازه‌ای به خود گرفت؛ به این ترتیب که کشورهای توسعه‌یافته برای فرار از ضایعات زیست‌محیطی ناشی از استقرار صنایع و خلاصی از مشکلات فزاینده‌ی کارگران مهاجر، با انتقال دادن صنعت و سرمایه به کشورهای توسعه‌نیافته (و در اختیار گرفتن منبع اصلی «اقتصاد پسامایه‌داری» یعنی دانش)، اسباب خرسندی نسبی آن کشورها را نیز فراهم آوردند و با به‌کارگیری مواد خام و نیروی کار ارزان در کشورهای توسعه‌نیافته و گسیل صنعت و سرمایه به آن کشورها، همواره محصولات و فراورده‌های صنعتی به قیمت

---

۱- بازار کار نیز از همین قاعده پیروی می‌کند؛ به‌طوری که بیش‌ترین شاغلان، جذب مشاغل اطلاعاتی (مشاغل خدماتی) می‌شوند و سهم مشاغل صنعتی و کشاورزی در مراتب بعدی است.



ارزان تر (نسبت به قیمت تمام شده‌ی محصولات و فراورده‌های مشابه تولید شده در کشورهای توسعه‌یافته) تولید و به بازار جهانی از جمله کشورهای توسعه‌یافته عرضه می‌شوند ولی بیش‌تر ارزش افزوده باز هم نصیب کشورهای توسعه‌یافته می‌شود. جدول نشان می‌دهد که محلّ استقرار و مدیریت عمده‌ی شرکت‌های چندملیتی، در کشورهای «مرکز» قرار دارد و سهم سایر مناطق جهان اندک است.

محل پانصد شرکت بزرگ چندملیتی جهان در سال ۱۹۹۹

کشور / بلوک	تعداد شرکت‌های چند ملیتی
آمریکا	۱۷۹
اتحادیه‌ی اروپا	۱۴۸
ژاپن	۱۰۷
کانادا	۱۲
کره جنوبی	۱۲
سوئیس	۱۱
چین	۱۰
استرالیا	۷
برزیل	۳
سایر	۱۱
جمع	۵۰۰

منبع: هلد، دیوید و مک‌گرو، آتونی (۱۳۸۲) جهانی شدن و مخالفان آن. عرفان ثابتی. تهران: ققنوس: ۶۷

### مرکز - نیمه‌پیرامون - پیرامون<sup>۱</sup>

با توجه به تنوع اقتصاد کشورها، بر مبنای پنج عامل تولید، به‌جای استفاده از طبقه‌بندی مرکز - پیرامون، از طبقه‌بندی سه‌گانه‌ای می‌توان استفاده کرد که در آن تعدادی

<sup>۱</sup> - core - semiperiphery - periphery

از کشورهای بین‌کشورهای مرکز و پیرامون قرار می‌گیرند و زیر عنوان «نیمه‌پیرامون» طبقه‌بندی می‌شوند. نیمه‌پیرامونی‌ها کشورهایی‌اند که صنعتی شده‌اند اما به سرمایه و صنعتی که دانش و فناوری<sup>۱</sup> آن در اختیار کشورهای مرکز است، تکیه دارند؛ به عبارت دیگر، به تولید صنعتی دست یافته‌اند اما این تولید عمدتاً به سرمایه و دانش فنی کشورهای مرکز وابسته است؛ کشورهای پیرامونی نیز کشورهایی‌اند که عمدتاً به تولید مواد خام می‌پردازند و نیروی کار خود را به کشورهای صنعتی شده (مرکز و نیمه‌پیرامونی) صادر می‌کنند.<sup>۲</sup> در یک طبقه‌بندی دیگر، کشورهای نیمه‌پیرامونی و پیرامونی به کشورهای نیمه‌پیرامونی قوی، نیمه‌پیرامونی ضعیف، پیرامونی قوی و پیرامونی ضعیف تقسیم می‌شوند.

### سرکرده‌ی<sup>۳</sup> نظام جهانی

در هر دوره از حیات نظام جهانی، کشورهای متعددی بوده‌اند که اقتصاد کشورهای دیگر به اقتصاد آن‌ها وابسته بوده است؛ بر این اساس، در هر زمان چند کشور به‌عنوان «مرکز» شناخته می‌شوند.

در بین کشورهای مرکز، کشوری که از نظر اقتصادی و سیاسی نسبت به دیگر کشورهای مرکز توانایی بیش‌تری دارد، در سطح جهان نقش بیش‌تری در جهت دادن به دیگر کشورهای مرکز و اداره‌ی جهان ایفا می‌کند؛ به این کشور، «سرکرده» می‌گویند.<sup>۴</sup>

۱- دقت داشته باشید که صنعت با فناوری تفاوت دارد. فناوری به مجموعه‌ی مهارت‌ها و توانایی‌هایی اشاره دارد که به تولید صنعت منجر می‌شود و همیشه امکان تولید و توسعه‌ی آن را فراهم می‌کند. خطای بسیاری از کشورهای پیرامونی (توسعه‌نیافته) هم در این است که صنعت را با فناوری یکی می‌گیرند و با تصور این که وارد کردن صنعت به صنعتی شدن و توسعه می‌انجامد، از فناوری که به انسان‌ها و شرایط اجتماعی مولد صنعت توجه دارد، غافل می‌شوند.

۲- حتی اگر سرمایه‌گذاری مشترکی بین کشورهای مرکز و نیمه‌پیرامونی انجام می‌پذیرد، نقش مدیریتی و هدایت، عمدتاً بر عهده‌ی کشورهای مرکز است. هم‌چنین، اگر شرکت‌های چندملیتی شکل می‌گیرند، بخش‌های مدیریتی و مرتبط با دانش آن‌ها، در اختیار کشورهای مرکز است.

۳- Hegemon

۴- معمولاً این کشور، ابرقدرت یا یکی از ابرقدرت‌ها شناخته می‌شود. کشورهای مرکز جزء کشورهای قدرتمند در سطح جهانی محسوب می‌شوند؛ درحالی که نیمه‌پیرامونی‌ها معمولاً جزء کشورهای قدرتمند منطقه‌ای‌اند.

در قرن نوزدهم و دهه‌های اول قرن بیستم، انگلیس سرکرده‌ی نظام جهانی بود که بعدها جای خود را به آمریکا داد.

### حاشیه‌نشین‌های نظام جهانی

جوامع و کشورهایایی که در تقسیم‌کار بین‌المللی نقشی ندارند، یعنی نه نیروی کار ماهری دارند که بتوانند در تولید مواد خام سهم داشته باشند و نه منابعی برای مواد خام و نه سرمایه و صنعت و دانش جهانی سهمی دارند، حاشیه‌نشین‌های نظام جهانی‌اند. این جوامع از بعضی مواهب نظام جهانی برخوردارند و بخشی از مازاد به آن‌ها تعلق می‌گیرد اما در تولید نظام جهانی سهمی ندارند. به تبع آن، در برخورداری از مزایا هم در پایین‌ترین مرتبه قرار می‌گیرند؛ مانند بعضی کشورهای فقیر آفریقایی، از جمله کشورهای صحرای آفریقا، که زمانی جزء کشورهای پیرامونی بودند اما به تدریج در جریان جهانی شدن اقتصاد، به حاشیه رانده شدند.

### حاشیه‌نشین‌های نظام جهانی

تجدید ساختار در سراسر جهان، براساس تجارت کالاهای صنعتی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در دهه‌ی هفتاد (۱۹۷۰)، ادامه الگوی تجارت سنتی را که بیش‌تر اقتصادهای آفریقایی براساس آن عمل می‌کردند، روزبه‌روز دشوارتر می‌کرد. دولت‌های آفریقایی، مانند دولت‌های آمریکای لاتین، انتقال به مرحله‌ی صنعتی شدن و کشاورزی معطوف به تجارت را آزمودند و برای این کار وام‌های سنگینی از بانک‌های بین‌المللی گرفتند اما شرایط رقابت‌جویی در اقتصاد نوین اطلاعاتی — جهانی با آن‌چه ممکن بود در کوتاه‌مدت توسط اقتصادهای نسبتاً بدوی... به‌دست آید، بسیار فاصله داشت. ...

سهم کشورهای صحرای آفریقا از تجارت جهانی کالاهای صنعتی در ۱۹۷۰ فقط ۱/۲ درصد بود؛ این رقم در ۱۹۸۰ به ۵/۰ درصد و در ۱۹۸۹ به ۴/۰ درصد کاهش یافت. به‌علاوه، تجارت کالاهای اولیه نیز از هم پاشید؛ یعنی از ۷/۲ درصد تجارت جهانی کالاهای اولیه در

۱۹۷۰، به ۵/۵ درصد در ۱۹۸۰ و ۳/۷ درصد در ۱۹۸۹ کاهش یافت.

... فقر، مهاجرت و بی‌نظمی اجتماعی به ایجاد شرایط مناسب برای شیوع بیماری‌های مهلک همه‌گیر نیز انجامیده است که خطر کشتار جمع‌کثیری از آفریقاییان و سرایت به سایر نقاط جهان را دربر دارد. باید تأکید کرد که تنها علت بیماری‌ها و امراض همه‌گیر، شرایط بهداشت و تغذیه بیش‌تر مردمان آفریقا نیست بلکه فقدان مراقبت‌های بهداشتی و آموزشی مناسب نیز در شیوع بیماری‌ها نقش زیادی دارد.

نمونه‌ی برجسته‌ی این امر بیماری ایدز است. نخستین مورد آلودگی به ویروس HIV در آفریقا در اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰ گزارش شد. تا اواسط دهه‌ی ۱۹۹۰، کشورهای صحرای آفریقا ۶۰ درصد از ۱۷ میلیون مبتلا به ویروس HIV در جهان را در خود جای داده بودند. در کشورهایی مانند اوگاندا، رواندا و زامبیا بین ۱۷ تا ۲۴ درصد از جمعیت شهرنشین تا سال ۱۹۸۹ به ویروس ایدز آلوده شده بودند. ... امروزه ایدز دلیل اصلی مرگ و میر در اوگاندا و یکی از علل اصلی مرگ در سایر کشورهای آفریقایی به‌شمار می‌رود.

منبع: کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (ظهور جامعه شبکه‌ای)

(جلد ۱). احد علیقلیان، افشین خاکباز، حسن جاوشیان. تهران: طرح نو: ۱۶۸-۱۶۷

کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (پایان هزاره) (جلد ۳). احد علیقلیان،

افشین خاکباز، حسن جاوشیان. تهران: طرح نو: ۱۴۱-۱۴۰

## انحصارهای پنج‌گانه

در کنار ساختار اقتصادی مرکز — پیرامون، که به برخورداری و تراکم مزایا در کشورهای مرکز می‌انجامد، باید به شرایط سیاسی‌ای اشاره کرد که کشورهای مرکز برای حفظ مزایا و ممانعت از تغییر شرایط ایجاد کرده‌اند و آن، ایجاد انحصارهای پنج‌گانه است. دولت‌های مرکز که زمانی در قالب استعمار و حمایت از شرایط تجارت تعرفه‌ای، به حفظ و تداوم رابطه‌ی مرکز و برتری کشور خود بر دیگران کمک می‌رساندند، امروزه با ایجاد «انحصار» در اموری که می‌تواند به تغییر شرایط و جایگاه آن‌ها بینجامد، در جهت حفظ وضع موجود عمل می‌کنند.

انحصارهای پنج‌گانه عبارت‌اند از: انحصار فناوریانه (تکنولوژیک)، کنترل بازارهای

مالی جهان، دسترسی انحصاری به منابع طبیعی کره‌ی زمین، انحصار سلاح‌های کشتار جمعی و حفظ انحصارهای رسانه‌ای و ارتباطی (امین، ۱۳۸۲: ۳۴-۳۲). علت حفظ این انحصارها این است که آن‌ها منبع قدرت و ثروت کشورهايند.

**انحصار فنّاورانّه (تکنولوژیک):** همان‌طور که اشاره شد، فنّاوری با صنعت تفاوت دارد و به توانایی‌های انسانی برای تولید اشاره دارد. کشورهای مرکز، ضمن این که اجازه می‌دهند صنعت و حتی بخشی از فنّاوری در اختیار کشورهای دیگر قرار گیرد، از انتقال سطوح عالی فنّاوری به کشورهای دیگر یا کسب آن توسط آن‌ها جلوگیری می‌کنند.

**کنترل بازارهای مالی:** کشورهای مرکز، با کنترل بازارهای مالی و سرمایه می‌توانند با توانایی کشورهای که منافع آن‌ها را تهدید می‌کنند، به مقابله برخیزند. ضمن این که می‌توانند سرمایه‌ها را در جهتی که منافعشان را تأمین می‌کند، به کار گیرند. یکی از مهم‌ترین ابزارهای آن‌ها در این زمینه، نهادهای مالی بین‌المللی (از جمله بانک جهانی و سایر مؤسسات وابسته به آن) هستند.

**دسترسی انحصاری به منابع طبیعی:** وابستگی صنعت به منابع طبیعی جهان - به‌ویژه نفت - بر هیچ‌کس پوشیده نیست؛ بنابراین، برای تضمین تداوم رشد صنعتی، لازم است که این منابع نیز در کنترل و انحصار برخورداران قرار گیرد.

تلاش‌های اخیر آمریکا (که با تأیید ضمنی دیگر کشورهای برخوردار همراه است) برای تسلط بر مناطق نفت‌خیز خلیج فارس و دریای خزر و آسیای میانه و قفقاز، و نیز حضور نظامی و مستقیم این کشور در مناطق یاد شده را باید در همین جهت ارزیابی کرد.

**انحصار سلاح‌های کشتار جمعی:** به علت نقش محوری سلاح‌های کشتار جمعی در قدرتمند شناخته شدن کشورها و امکان این که جوامع غیربرخوردار از آن‌ها علیه برخورداران استفاده کنند، کشورهای مرکز می‌کوشند تا انحصار این سلاح‌ها را نیز در اختیار داشته باشند.

**انحصار رسانه‌ای و ارتباطی:** کشورهای مرکز با به انحصار درآوردن رسانه‌ها، این امکان را فراهم می‌سازند تا به رفتار خود در جهان مشروعیت بخشند و از این طریق، در جهت حفظ مزایای خود عمل کنند.

برای نمونه، می‌توان به حمله‌ی آمریکا به عراق اشاره کرد. حمله‌ی یک کشور به کشور دیگر برخلاف مقررات بین‌المللی است که کشورها را از حمله به یکدیگر منع می‌کند و حمله‌کننده را متجاوز می‌داند و محکوم می‌کند اما آمریکا برای توجیه عمل خود از استدلال‌های دیگری سود جست. آمریکا با استفاده از اصول «حفظ صلح و امنیت جهانی» و «دموکراسی» و «آزادی»، چنین استدلال کرد که حکومت صدام، حکومتی است که در طول حیات خود هرگاه قدرت یافته به همسایگان خود حمله کرده است. به علاوه، سلاح‌های کشتار جمعی در اختیار دارد و اگر بتواند به تکثیر این نوع سلاح‌ها ادامه دهد، صلح جهان را به خطر می‌اندازد؛ پس، باید این حکومت را ساقط و این خطر را دفع کرد. درضمن، حکومت صدام به مردم خود بسیار ظلم کرده و آزادی آن‌ها را سلب کرده است. برای دفاع از آزادی هم باید این حکومت ساقط شود.

رسانه‌هایی که در انحصار آمریکا و هم‌پیمانان آن بودند، توانستند برای بسیاری از مردم آمریکا و جهان این استدلال را جا بیندازند و آن‌ها را متقاعد کنند که آمریکا کار درستی کرده است.

## گروه ۸

گروه ۷ که بعدها روسیه هم به آن پیوست و از آن به گروه ۸ هم یاد می‌شود<sup>۱</sup>، شکل سازمانی ائتلاف کشورهای صنعتی و ثروتمند است که برای حفظ وضع موجود و تداوم انحصارهای پنج‌گانه عمل می‌کند.

در گروه ۸، درباره‌ی موضوعات مهم و پیچیده‌ی بین‌المللی گفت‌وگو می‌شود؛ راه‌های مقابله با بحران‌های ناگهانی و شوک‌ها مشخص می‌شوند و در خصوص تأسیس سازمان‌های بین‌المللی جدید و حفظ شرایط کنونی تصمیم‌گیری می‌شود و اعضا به این تصمیمات متعهدند.

۱- گروه ۷، در سال ۱۹۷۵ تشکیل شده است و اعضای آن عبارت‌اند از: کانادا، آمریکا، ژاپن، آلمان، انگلیس، فرانسه و ایتالیا. روسیه نیز بعدها به جمع این کشورها اضافه شد. نماینده‌ی اتحادیه‌ی اروپا هم در سال‌های اخیر در نشست‌های این گروه شرکت می‌کند.

با استفاده از کلید واژه‌ی G8، جست‌وجوگر گوگل (Google) فهرستی از سایت‌هایی را که با مراجعه به آن‌ها می‌توانید اطلاعات بیش‌تری درباره‌ی این گروه به‌دست بیاورید، در اختیار شما قرار می‌دهد.

## تغییر جایگاه در نظام جهانی

تداوم و ماندگاری رابطه‌ی مرکز - پیرامون و تلاش کشورهای مرکز برای حفظ آن، به این معنا نیست که کشورها نمی‌توانند جایگاه خود را در نظام جهانی تغییر دهند بلکه از آن حکایت دارد که تغییر جایگاه، دشوار است. در طول تاریخ نظام جهانی، بر مبنای شرایط داخلی و جهانی، جای بعضی از کشورها در این سلسله‌مراتب تغییر کرده است؛ اما این تغییر عمدتاً در حد تغییر از موقعیت پیرامونی به نیمه‌پیرامونی بوده است؛ مانند بعضی از کشورهای امریکای لاتین (از جمله آرژانتین) که در دهه‌های گذشته توانستند موقعیت خود را از پیرامونی به نیمه‌پیرامونی تغییر دهند.

نکته‌ی دیگر این‌که، تغییر جایگاه، به صورت سلسله‌مراتبی انجام می‌شود؛ به این معنا که کشور پیرامونی، ابتدا به جایگاه نیمه‌پیرامونی ارتقا می‌یابد و در گام بعدی، به کشوری مرکزی تبدیل می‌شود؛ چنان‌که دست‌یابی به جایگاه سرکردگی، مستلزم گذر از جایگاه مرکزی است.

### تمرین کنید



سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی، سرانه‌ی تولید ناخالص ملی، سرانه‌ی درآمد ملی و شاخص‌های مشابه، مهم‌ترین شاخص‌هایی‌اند که جایگاه کشورها در نظام جهانی، بر مبنای آن‌ها تعیین می‌شود. استدلال کسانی که از این شاخص‌ها (که مشابه هم‌اند) استفاده می‌کنند، این است که این شاخص‌ها، توانایی‌های دیگر کشورها را هم نشان می‌دهند.

اطلاعات مربوط به سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی و شاخص‌های مشابه، معمولاً توسط بانک جهانی تهیه می‌شود و محققان از داده‌های این بانک استفاده می‌کنند.

با توجه به اطلاعاتی که از بانک جهانی در خصوص «سرانه‌ی درآمد ناخالص ملی» (GNI percapita, Atlas Method) کشورها برای سال ۲۰۰۲ (به دلار) گزارش شده و بخشی از آن در صفحه‌ی بعد آمده است، بکوشید یک قشربندی سه‌گانه (بالا، متوسط و پایین) از کشورها ارائه دهید و جایگاه آن‌ها را در این طبقه‌بندی مشخص کنید. (منبع: <http://devdata.worldbank.org/> (data-query/



کشور	سرانه‌ی درآمد	کشور	سرانه‌ی درآمد	کشور	سرانه‌ی درآمد
آلبانی	۱۳۹۰	الجزایر	۱۷۲۰	آنگولا	۶۸۰
آرژانتین	۴۲۸۰	ارمنستان	۸۰۰	استرالیا	۱۹۵۸۰
لوکزامبورگ	۴۰۹۲۰	آذربایجان	۷۲۰	بنگلادش	۳۷۰
بلاروس	۱۳۱۰	بلژیک	۲۲۹۶۰	بنین	۳۸۰
بولیوی	۹۳۰	بوسنی و هرزگوین	۱۴۱۰	بوتسوانا	۲۷۸۰
برزیل	۲۸۶۰	بلغارستان	۱۷۹۰	بورکینافاسو	۲۵۰
بروندی	۹۰	پاکستان	۴۹۰	پاناما	۴۰۴۰
پاراگوئه	۱۱۷۰	پرو	۲۰۲۰	فیلیپین	۱۰۲۰
پرتغال	۱۰۵۵۰	تاجیکستان	۱۸۰	تانزانیا	۳۰۰
تایلند	۲۰۰۰	توگو	۲۸۰	تونس	۱۹۹۰
ترکیه	۲۵۱۰	ترکمنستان	۸۵۰	کانادا	۲۲۶۱۰
چین	۹۷۰	هنگ کنگ	۲۴۳۳۰	اکوادور	۱۵۱۰
مصر	۱۴۷۰	اریتره	۱۵۰	اتیوپی	۱۰۰
فرانسه	۲۲۱۸۰	گرجستان	۷۱۰	آلمان	۲۲۸۶۰
یونان	۱۱۲۴۰	ایران	۷۱۰	ایرلند	۲۲۸۶۰
ایتالیا	۱۹۱۱۰	ژاپن	۳۳۶۵۰	اردن	۱۸۱۰
قزاقستان	۱۵۲۰	کنیا	۳۶۰	لبنان	۴۰۷۰
ماداگاسکار	۲۳۰	مالاوی	۱۶۰	مالزی	۳۵۵۰
مالی	۲۴۰	مکزیک	۵۹۶۰	نیوزیلند	۱۳۴۵۰
نروژ	۳۸۹۹۰	روسیه	۲۱۲۰	سنگاپور	۲۰۷۳۰
آفریقای جنوبی	۲۶۳۰	سوئد	۲۶۱۳۰	سوریه	۱۰۸۰
اوکراین	۷۸۰	انگلیس	۲۵۵۶۰	آمریکا	۳۵۴۳۰
ونزوئلا	۳۹۷۰	ویتنام	۴۳۰	یمن	۴۳۰

## درس را خلاصه کنید



.....

.....

.....

.....

برای درس بعدی، دانش آموزان با راهنمایی معلم، موضوعی انتخاب کنند که در رسانه‌ها به عنوان موضوع روز شناخته می‌شود و دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در خصوص آن موضع‌گیری می‌کنند.

تعدادی از دانش آموزان انتخاب شوند تا هریک، مطالب مربوط به آن موضوع — اعم از خبر، گزارش و تحلیل — را از یک رسانه (عمدتاً روزنامه) جمع‌آوری کند. این مطالب برای بحث و گفت‌وگو در ابتدای درس بعدی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

## بازی در نظام جهانی

گفت و گو کنید



مطالبی را که درباره‌ی «موضوع روز» جمع آوری شده است، در کلاس ارائه کنید. با توجه به این مطالب، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

— چه کسانی به نمایندگی از دولت — ملت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی، درباره‌ی این موضوع موضع‌گیری و اظهارنظر کرده‌اند؟

— هریک از آن‌ها چه موضعی داشته است؟

— این موضع‌گیری‌ها را براساس لحن اظهارنظرها، در طول طیفی به شکل زیر طبقه‌بندی کنید.

خیلی مثبت ... مثبت ... خنثی ... منفی ... خیلی منفی

— با توجه به مطالبی که در درس‌های قبلی خوانده‌اید و نیز تجارب خود و اطلاعاتی که در گزارش‌ها و تحلیل آمده است، بگویید که به نظر شما علت موضع‌گیری هریک از دولت — ملت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی چه بوده است؟ چرا عده‌ای موضع مثبت و عده‌ای موضع منفی داشته‌اند و عده‌ای نیز موضع‌گیری نکرده یا موضعی خنثا داشته‌اند؟

### پیچیدگی نظام جهانی

در درس‌های گذشته، آموختیم که جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، از یک نگاه، مجموعه‌ی دولت — ملت‌هایی است که در کنار هم زندگی می‌کنند. از منظری دیگر، می‌توان آن را مجموعه‌ای از واحدهای اقتصادی ملی و فراملی و از زاویه‌ی دیگر، مجموعه‌ای از واحدهای اعتقادی دانست.

دولت - ملت ها و واحدهای اقتصادی و اعتقادی ملی و فراملی در چنین جهانی زندگی می کنند. هریک از آنها اهدافی دارند و برای تحقق این اهداف در جهانی که قدرت، ثروت و دانش به طور نامساوی تقسیم شده است، تلاش می کنند.

در چنین جهانی، ادامه ی حیات و دستیابی به اهداف برای این واحدهای اجتماعی کار آسانی نیست؛ زیرا هر اقدام آنها در مقابل واحدهای دیگری که رقیب یا دشمن آنها محسوب می شوند، قرار می گیرد.

دولت ها مراقب قدرت و توانایی های یکدیگرند؛ زیرا قدرتمند شدن هریک از آنها به مثابه ی کاهش قدرت دیگران است. شرکت ها نیز فعالیت های رقیب را زیر نظر دارند؛ زیرا تصرف هر بازار توسط یک شرکت رقیب، به معنای محروم شدن شرکت های دیگر از سود و ثروت بیش تر است. از سوی دیگر، دستیابی هر شرکت به توانایی های تولید بیش تر، برای دیگر شرکت ها به منزله ی از دست دادن بازار است. جاسوسی علمی و تلاش برای دستیابی به اسرار صنعتی یکدیگر، نشانه ای از این مراقبت ها است. دولت ها نیز مراقب توانایی های شرکت ها و جابه جایی های آنها هستند؛ زیرا یکی از منابع قدرت آنها ثروتی است که از طریق این شرکت ها حاصل می شود.

در زمینه ی فرهنگ نیز چنین مراقبت هایی وجود دارد؛ رشد قومیت گرایی در درون یک ملت، تقویت پیوندهای دینی بین اعضای جوامع مختلف و گرایش به داشتن هویت های دینی در مقابل هویت ملی، چالش هایی اند که واحدهای اعتقادی به آنها حساس اند.

## عمل (بازی) در نظام جهانی

به دلیل پیچیدگی های نظام جهانی، عرصه ی جهانی را برای واحدهای اجتماعی مختلف به بازی پیچیده ای چون شطرنج تشبیه کرده اند که بازیگران در هر حرکت خود، علاوه بر در نظر گرفتن جایگاه رقیب، باید حرکت های آتی او را نیز به حساب آورند. در این عرصه، واحدهای اجتماعی مختلف و هرکس که می خواهد کاری انجام دهد، یک «بازیگر» است. در بازی شطرنج، هر بازیگر هدفی دارد که همانا مات کردن دیگری است. به علاوه، برای رسیدن به این هدف، هر دو بازیگر وسایلی در اختیار دارند که همان مهره های بازی

برای هریک از طرفین است. هریک از بازیگران می‌کوشد با مهره‌چینی مناسب‌تر بر صحنه‌ی شطرنج، به هدف خود برسد.

علاوه بر این، بازی قواعد معینی دارد که طرفین در طول بازی آن را رعایت می‌کنند. این که یک بازیگر مهره‌ها را چگونه جابه‌جا کند تا دیگری را به حرکت مورد نظر خود وادار سازد، به هوش، آگاهی و تجربه‌ی او از بازی و توانایی‌اش در پیش‌بینی حرکت رقیب بستگی دارد.

صحنه‌ی جهانی از جهاتی شبیه بازی شطرنج است اما تفاوت‌هایی دارد که بازی در آن را به مراتب مشکل‌تر می‌کند. در صحنه‌ی جهانی، به جای دو بازیگر، بازیگران زیادی حضور دارند (در سطح دولت – ملت‌ها بیش از ۲۰۰ بازیگر و در سطح شرکت‌های چندملیتی، بازیگران به اقتضای رقبا متفاوت‌اند). به علاوه، هریک از طرف‌ها، به جای این که فقط یک هدف داشته باشد، اهداف متعددی دارد. برخلاف بازی شطرنج، طرف‌ها وسایل (مهره‌های) یکسانی در اختیار ندارند و امکانات آن‌ها متفاوت است. کشورهای مرکز امکاناتی به مراتب بیش‌تر از کشورهای نیمه‌پیرامونی و پیرامونی دارند و «سرکرده» امکاناتی بیش از کشورهای مرکز دارد.

قواعد عمل هم مانند بازی شطرنج از قبل تعریف شده نیست بلکه بازیگران در طول بازی بر مبنای قدرتی که دارند، قواعد بازی را بر دیگران تحمیل می‌کنند و آن‌ها را به قبول آن وامی‌دارند.<sup>۱</sup>

## راهبرد (استراتژی)<sup>۲</sup>

مسیر یا نقشه‌ای که هریک از بازیگران، ضمن توجه به بازیگران دیگر، برای دست‌یابی

---

۱- بازی در عرصه‌ی جهانی، اشکال مختلفی به خود می‌گیرد. دو شکل مهم از آن‌ها، «بازی سرجمع صفر» و «بازی سرجمع ناصفر» است. «بازی سرجمع صفر» بازی‌ای است که در آن، سود یک طرف، ضرر دیگری محسوب می‌شود؛ در این حالت، تضاد و رقابت شدید است. در «بازی سرجمع ناصفر»، بازیگران به‌نحوی با هم بازی می‌کنند که هریک از آن‌ها سهمی از منافع ببرد و مقداری از ضرر را متحمل شود؛ در این حالت، بازیگران می‌کوشند سود خود را بیش‌تر و ضرر خود را کم کنند؛ هر چند پذیرفته‌اند که رقیب یا همکار نیز باید به منافی دست یابد.

به اهداف خود طراحی می‌کند، راهبرد (استراتژی) آن بازیگر محسوب می‌شود. ممکن است در ضمن بازی، بخش‌هایی از این نقشه تغییر کند اما چارچوب آن حفظ می‌شود.<sup>۱</sup> اهدافی که بازیگران مختلف دنبال می‌کنند، ممکن است بلندمدت یا کوتاه‌مدت باشد؛ به تناسب آن، راهبردهایی هم که دنبال می‌شود، به راهبردهای کوتاه‌مدت و بلندمدت تقسیم می‌شود. البته باید توجه داشت که راهبردهای کوتاه‌مدت، در محدوده‌ی راهبردهای بلندمدت تدوین و اجرا می‌شود.

اگر بخواهیم از بازی شطرنج نمونه بیاوریم، راهبردی که یک بازیگر، برای نجات دادن یکی از مهره‌های مهم خود (مثلاً وزیر) یا رفع یک تهدید دنبال می‌کند، راهبردی کوتاه‌مدت است که باید در پرتو راهبرد کلی مات کردن حریف قرار گیرد. در عرصه‌ی جهانی نیز، راهبردی که آمریکا در زمینه‌ی پرونده‌ی هسته‌ای ایران در شهریور سال ۸۴ پی می‌گرفت، این بود که کار را به اروپا واگذار کند و فقط به‌عنوان پشتیبان طرح ارائه شده‌ی اروپایی‌ها عمل کند؛ اما این راهبرد، در چارچوب راهبرد کلی‌تر محروم کردن ایران از دستیابی به انرژی هسته‌ای قرار داشت؛ از این رو، اگر اروپا طرحی را به شورای حکام ارائه می‌کرد که متضمن دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای بود، مسلماً آمریکا چنین موضعی نمی‌گرفت و راهبردی دیگر را پی می‌گرفت؛ زیرا راهبرد کلی‌تر، محروم کردن ایران از دستیابی به انرژی هسته‌ای بود. راهبرد محروم کردن ایران از دستیابی به انرژی هسته‌ای نیز در چارچوب راهبرد دیگری قرار می‌گیرد که از آن با عنوان «مهار ایران» یاد می‌شود. این راهبرد نیز به نوبه‌ی خود در محدوده‌ی راهبرد بلندمدت‌تر آمریکا برای «خاور نزدیک بزرگ»، شامل جهان عرب و اسرائیل، ترکیه، آسیای مرکزی، قفقاز و شبه‌قاره‌ی هند، قرار می‌گیرد که آمریکا خطوط کلی آن را برای یک دوره‌ی زمانی ۲۵ ساله در قرن بیست و یکم طراحی کرده است.

در سندی که با عنوان «امنیت ملی آمریکا در قرن بیست و یکم» تدوین شده است، هدف اصلی – که بر آن تأکید شده – حفظ برتری و به بیانی، سرکردگی در نظام جهانی است. در پرتو این هدف، درباره‌ی سه منطقه‌ی مهم جهان اظهار نظر شده است: اتحادیه‌ی اروپا

---

۱- مجموعه‌ی اهداف، وسایل و راهبردهایی که بر مبنای این وسایل طراحی و دنبال می‌شوند، برای دولت – ملت‌ها که از بازیگران اصلی صحنه‌ی جهانی‌اند، با عنوان «سیاست خارجی» یاد می‌شود.

و روسیه‌ای که ممکن است به عضویت آن درآید، به عنوان «رقیب»، آسیا (با ترکیبی از چین، ژاپن و کشورهای آسیای شرقی) به عنوان «تهدید بزرگ» و خاور نزدیک بزرگ به عنوان «مهم‌ترین نگرانی» مطرح شده است. بر همین مبنا نیز خطوط کلی راهبردهای ۲۵ ساله مشخص شده است.

درباره‌ی «خاور نزدیک بزرگ» چنین اظهار نظر شده است: «مکانی با بزرگ‌ترین منبع سوخت فسیلی و نیز قدرت‌های جاه‌طلب بی‌شماری که برای به‌دست آوردن برتری منطقه‌ای تلاش می‌کنند. خاور نزدیک بزرگ، سرزمینی است که ایالات متحده در آن هم‌پیمانان کلیدی و منافع مهم دارد و نیز جنگ‌افزارهای کشتار جمعی در آن در حال گسترش است...»؛ بر این اساس، آمریکا برای حفظ سلطه‌ی خود تلاش می‌کند تا بر این منطقه مسلط شود و قدرت‌های جاه‌طلب (از منظر آمریکا) این منطقه را کنترل کند. در این میان، ایران یکی از این قدرت‌هاست که تلاش می‌کند به یک قدرت منطقه‌ای تبدیل شود. ضمن این‌که ایران خاستگاه اسلام انقلابی یا به بیان آمریکا، «اسلام مبارز» نیز است که از نظر آمریکا یک خطر محسوب می‌شود.<sup>۱</sup>

## دولت - ملت‌های یکی از مهم‌ترین بازیگران

دولت - ملت‌ها از مهم‌ترین بازیگران عرصه‌ی جهانی‌اند که رفتار آن‌ها بیش از سایر بازیگران (سازمان‌های بین‌المللی، واحدهای فراملی اعتقادی و اقتصادی و...) قاعده‌مند شده است؛ بنابراین، راحت‌تر از سایر واحدهای اجتماعی می‌توان درباره‌ی اهداف، وسایل و راهبردهایی که دارند، سخن گفت. در درس‌های بعدی درباره‌ی اهداف این بازیگران و وسایلی که جهت دست‌یابی به اهداف خود از آن استفاده می‌کنند، بحث خواهیم کرد.

---

۱- به نقل از سخنرانی حسن روحانی در هفتمین اجلاس رسمی مجلس خبرگان رهبری، با عنوان «استراتژی جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدات اخیر آمریکا» که در مجله‌ی «راهبرد»، شماره ۲۴، چاپ شده و از نشانی زیر قابل دسترسی است:

<http://www.csr.ir/ZFa/PDF/Rohani/d-maj24.pdf>

در ضمن، راهبرد آمریکا برای قرن بیست و یکم، در کتاب «استراتژی امنیت ملی آمریکا در قرن ۲۱» با مشخصات زیر آمده است.

کمیسیون تدوین استراتژی امنیت ملی آمریکا (۱۳۸۱) استراتژی امنیت ملی آمریکا در قرن ۲۱. جلال دهمشگی، بابک فرهنگی و ابوالقاسم راه‌چمنی. تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

## گفت و گو کنید



در کتاب «تاریخ ایران و جهان ۲» درباره‌ی حمله‌ی عراق به ایران در سال ۵۹ مطالبی خواندید. در رسانه‌ها هم معمولاً به مناسبت سالگرد دفاع مقدس تحلیل‌های مختلفی درباره‌ی وقوع جنگ ارائه می‌شود.

با فرض این که هر اقدام دولت‌ها بر مبنای راهبرد معینی انجام می‌شود و هر راهبردی بر مبنای مفروضات و اطلاعاتی است که آن دولت درباره‌ی موقعیت خود و دیگران دارد، با استفاده از اطلاعات خود و به کمک دیگران، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

– حکومت عراق در سال ۵۹ درباره‌ی جامعه‌ی عراق و ایران و شرایط بین‌المللی چه اطلاعات و مفروضاتی داشت که به ایران حمله کرد؟  
– هدف عراق از حمله به ایران چه بود؟ (فکر می‌کرد در این حمله به چه منافعی دست می‌یابد؟)

– اهداف بلندمدت و کوتاه‌مدت آن چه بود؟  
– حکومت عراق پیش‌بینی می‌کرد که دولت و مردم ایران، نسبت به آن حمله چه واکنشی نشان می‌دهند؟  
– به نظر شما، اگر از مقاومت مردم ایران اطلاع داشت، به ایران حمله می‌کرد؟ دلایل خود را ذکر کنید.

پاسخ‌های مختلف به این سؤال‌ها را به کمک دبیر خود در کلاس فهرست و طبقه‌بندی کنید. چرا دانش‌آموزان به سؤال‌ها پاسخ‌های متفاوتی داده‌اند؟



## درس را خلاصه کنید



.....

.....

.....

## فعالیت برای درس بعدی

با راهنمایی دبیر، تعدادی از دانش آموزان با مراجعه به روزنامه یا سایت‌های خبری، مانند ایرنا و ایسنا، از فعالیت‌ها و موضوع‌گیری‌های کشورهای مختلف درباره‌ی موضوعات مختلف در طول یک هفته فهرستی تهیه کنند و پس از آماده‌سازی، آن را به کلاس ارائه دهند.

## اهداف دولت‌ها در عرصه‌ی جهانی

**گفت‌وگو کنید**



الف – با توجه به فهرستی که هم کلاسی‌های شما آماده کرده و در کلاس ارائه می‌کنند، درباره‌ی اهداف و موضع‌گیری‌هایی که کشورها دارند، گفت‌وگو کنید. به نظر شما، دنبال کردن کدام اهداف برای هر کشور اولویت بیش‌تری دارد؟ چرا؟

ب – در صورتی که توسعه، آزادی، رفاه همگانی، حراست از مرزها، کمک به محرومان جهان، سرکوبی‌اشرار، مبارزه با اعتیاد و عضویت در سازمان تجارت جهانی از جمله اهداف یک کشور باشد و آن کشور بخواهد سه هدف مهم برای خود انتخاب کند، شما کدام هدف‌ها را به عنوان هدف‌های مهم به او معرفی خواهید کرد؟ در این مورد گفت‌وگو کنید و با استدلال مهم‌ترین اهداف را برگزینید.

– دلایلی را که برای اثبات اهمیت اهداف ذکر شده است، با هم مقایسه کنید. به نظر شما، کدام دلیل برای پذیرش اهمیت یک هدف محکم‌تر است؟

### انواع هدف

دولت – ملت‌ها، در عرصه‌ی جهانی اهداف مختلفی را دنبال می‌کنند. این اهداف اهمیت یکسانی ندارند؛ بعضی از آن‌ها اگر تحقق نیابند، موجب فروپاشی جامعه می‌شوند؛ به همین علت، ملت‌ها برای دستیابی به آن‌ها از خودگذشتگی و فداکاری می‌کنند. این‌گونه اهداف، به عنوان اهداف «اساسی»، «درجه اول» و «حیاتی» هر جامعه شناخته می‌شوند و از

جمله‌ی مهم‌ترین آن‌ها حفظ استقلال و موجودیت و تأمین امنیت در برابر سایر جوامع است.

در کنار اهداف اساسی، باید از هدف‌هایی یاد کرد که تحقق آن‌ها به بهبود و تعالی جامعه منجر می‌شود. این‌ها اهداف «درجه دوم» جوامع شناخته می‌شوند؛ مانند دستیابی به رفاه اجتماعی، توسعه‌ی اقتصادی، افزایش پرستیز، گسترش نفوذ در جهان و بین‌ملت‌های دیگر.

علاوه بر این، باید از اهدافی یاد کرد که به آرمان‌ها و رؤیاهای یک جامعه برای جهان مربوط می‌شود که از آن می‌توان با عنوان «هدف‌های جهانی» و «درازمدت» یاد کرد؛ مانند حکومت جهانی، نظم نوین جهانی و تحول در جامعه‌ی بشری. در این درس به بحث درباره‌ی برخی از اهداف اساسی (درجه اول) می‌پردازیم.

### حفظ موجودیت

هر جامعه خود را با ویژگی‌هایی، از جوامع دیگر متمایز می‌کند و به‌عنوان هویتی متفاوت با سایرین، می‌شناساند. بر مبنای همین هویت متمایز، هر جامعه تلاش می‌کند تا در عمل نیز مستقل باشد، بتواند به اهدافی که برای خود در داخل و خارج جامعه تعریف کرده است، دست یابد و با آرمانی که می‌خواهد، زندگی کند. بر این اساس، می‌توان گفت یکی از اهداف اساسی هر جامعه «حفظ موجودیت» خود در مقابل جوامع دیگر است.

گاه هویت متمایز یک دولت – ملت توسط جوامع و ملت‌های دیگر، مورد تردید قرار می‌گیرد یا به رسمیت شناخته نمی‌شود؛ این به معنای تهدید حیات آن جامعه است؛ زیرا کشورهایی که هویت متمایز دولت – ملتی را به رسمیت نمی‌شناسند و نادیده می‌گیرند، اگر قدرت داشته باشند، از اشغال و کنترل آن کشور هم ابایی ندارند.

برای نمونه، می‌توان به شکل‌گیری کشور بوسنی اشاره کرد. آن‌چه در سال‌های اخیر با عنوان بوسنی و هرزگوین شناخته می‌شود، بخشی از کشور بزرگ‌تر یوگسلاوی سابق است. زمانی که این کشور تجزیه و به چند کشور، از جمله بوسنی تقسیم شد، صرب‌ها که عمدتاً حاکمان سابق یوگسلاوی بودند، موجودیت این کشور را نپذیرفتند و می‌خواستند که

قلمرو بوسنی، بخشی از حکومت آن‌ها باشد؛ به عبارت دیگر، موجودیت کشور بوسنی را به رسمیت نشناختند. به همین سبب، از حمله به این سرزمین و کشتار مردم آن نیز ابایی نداشتند و کشتارهایی را که از آن با عنوان «نسل‌کشی» یاد می‌شود، در این کشور به راه انداختند.

## حق تعیین سرنوشت

هدف حیاتی و اساسی دیگر، «حق تعیین سرنوشت» است و آن‌چه جوامع با عنوان «استقلال» از آن یاد می‌کنند، عمدتاً به همین هدف اشاره دارد.

باید بدانید یکی از عواملی که استقلال جوامع را طی دو قرن گذشته از بین برد، «استعمار» بود که با مبارزات مردم مستعمره‌ها پایان یافت. در سده‌های گذشته، بخش زیادی از آسیا، آمریکای لاتین و آفریقا مستعمره‌ی کشورهای اروپایی شدند؛ به عبارت دیگر، کشورهای مانند انگلیس، فرانسه و آلمان، با انتصاب نماینده‌ی خود به‌عنوان حاکم این جوامع، درباره‌ی زندگی مردم، آن‌طور که می‌خواستند تصمیم می‌گرفتند. در دهه‌های میانی قرن بیستم، «مبارزات ضداستعماری» شکل گرفتند و در نتیجه‌ی آن، کشورهای آفریقایی و آسیایی توانستند استقلال خود را به‌دست آورند. نمونه‌ی بارز این امر، هند است که توسط حاکم انگلیسی اداره می‌شد و با مبارزات گاندی توانست حق تعیین سرنوشت خود را به‌دست آورد.

«مداخله در امور داخلی» کشور دیگر، شکل دیگری از نقض حق تعیین سرنوشت است که جوامع با آن مبارزه می‌کنند. کشوری مانند ایران که مستعمره هم نبود، دیرزمانی از مداخله‌ی غیرمستقیم کشورهای قدرتمند رنج می‌برد و این نیز به معنای سلب حق تعیین سرنوشت بود. در تاریخ دوره‌ی قاجار و پهلوی، شواهد بسیاری از این نوع مداخله‌ها وجود دارد که در تاریخ خوانده‌اید. یکی از مصداق‌های مداخله در امور داخلی ایران، کودتای ۲۸ مرداد است که توسط آمریکایی‌ها شکل گرفت و جریان مبارزات مردم سالارانه را که در آن زمان دنبال می‌شد، برای حدود ۲۵ سال متوقف کرد.

## حفظ امنیت ملی

هر جامعه با تهدیدهایی مواجه است، مواجهه با چنین تهدیدهایی، دیگر هدف حیاتی جوامع است که از آن با عنوان «حفظ امنیت ملی» یاد می‌شود.<sup>۱</sup>

– اگر لازمه‌ی بقای جامعه، داشتن مکانی معین به عنوان سرزمین است، تهدید و تعرض جوامع دیگر به سرزمین، به مثابه‌ی تهدید و سلب امنیت آن جامعه است.

– اگر لازمه‌ی بقای جامعه وجود مردمی است که خود را با آن ملیت می‌شناسند، نابود کردن آن‌ها نیز نوعی تهدید تلقی می‌شود.

– اگر جامعه، دستیابی به منابع طبیعی خاصی را لازمه‌ی تداوم حیات اقتصادی خود می‌داند، تهدید این منابع، تهدید امنیت آن جامعه محسوب می‌شود.

– اختلال در اقتصاد یا نابودی آن نیز نوعی تهدید محسوب می‌شود؛ زیرا تداوم زندگی جامعه را با مشکل مواجه می‌کند.

## راهبرد امنیت ملی

هر جامعه به اقتضای شرایطی که در آن قرار دارد، تهدیدهایی را که با آن‌ها مواجه می‌شود، تعریف می‌کند و برای حفظ خود در برابر آن‌ها، راهبردهایی را درپیش می‌گیرد که به آن‌ها «راهبرد امنیت ملی» گفته می‌شود.

با توجه به این که دولت – ملت، یک واحد اجتماعی پیچیده و دارای اجزای مختلف است، امنیت آن هم وجوه متفاوتی دارد که به راحتی نمی‌توان از آن سخن گفت؛ زیرا هر جامعه، بنا به درکی که از موجودیت و سرنوشت خود دارد، اموری را تهدید تلقی می‌کند که ممکن است در جامعه‌ای دیگر، تهدید تلقی نشوند.

برای رژیم اشغال‌گر قدس که توسعه‌ی سرزمینی از اهداف بلندمدت آن است و به همین علت در طول حیاتش به طور مداوم در حال جنگ و کشمکش با همسایگان خود بوده

---

۱- پژوهشگری به نام والتر لیپمن، «امنیت ملی» را این چنین تعریف می‌کند: یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزش‌های اساسی خود را حفظ کرده و اجتماع انسانی خود را فارغ از هرگونه تهدید به سمت توسعه هدایت کند و در صورت اقدام به جنگ بتواند آن را به پیش ببرد.

## اهداف آمریکا در جهان

وزیر امور خارجه‌ی آمریکا در سال ۲۰۰۴، درباره‌ی اهداف آمریکا در جهان چنین می‌گوید: آمریکا می‌بایست در سال ۲۰۰۴ از نیروی نظامی خود برای «حفظ منافع اساسی» اش در جهان استفاده کند و از آن برای اعطای آزادی به ملت‌ها بهره‌گیرد؛ همان‌گونه که در افغانستان و عراق عمل کرد. ایالات متحده می‌کوشد دولت‌های خاورمیانه را به حکومت‌های دموکراتیک تبدیل کند. ... هرگز جنگ ما با مخالفان در خاورمیانه محدود نمی‌شود. ... ما مردم جهان را آزاد خواهیم کرد. ... (۲۷/۱۰/۸۲)

### وضعیت ذخایر نفت در جهان و جایگاه خاورمیانه

نشریه‌ی بین‌المللی «جهان نفت»، ذخایر نفت خام ایران را در پایان سال ۲۰۰۴، برابر با ۱۰۵ میلیارد بشکه اعلام کرد.

ایران پس از عربستان و عراق دارای بیش‌ترین ذخایر نفت در جهان است. نزدیک به ۱۰ درصد کل ذخایر یک تریلیون و ۵۰ میلیارد بشکه‌ای نفت خام جهان، به ایران اختصاص دارد.

نشریه‌ی «جهان نفت»، ذخایر نفت عربستان را ۲۶۱/۷ میلیارد بشکه و ذخایر نفت عراق را نیز ۱۱۵ میلیارد بشکه اعلام کرده است.

این گزارش حاکی است، کویت با ۹۹/۳، امارات با ۶۶/۲، روسیه با ۶۵/۳، ونزوئلا با ۵۲/۴، نیجریه با ۳۳، لیبی با ۳۰، قطر با ۲۷، آمریکا با ۲۱/۸ و چین با ۱۵/۵ میلیارد بشکه نفت، دیگر کشورهای بزرگ از لحاظ ذخایر نفت خام محسوب می‌شوند.

نشریه‌ی «جهان نفت» هم‌چنین، اعلام کرده است که بیش از ۶۵ درصد کل ذخایر نفت خام جهان در منطقه‌ی خاورمیانه قرار دارد؛ بر این اساس، کل ذخایر نفت خام کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه برابر با ۶۸۶ میلیارد و ۳۴۵ میلیون بشکه است.

منبع: <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx>

NewsID=213917 (۸۴/۵/۱۲)

است، نفوذ در حکومت قدرتمندی مانند آمریکا و حفظ حمایت آن، بخشی از راهبرد امنیت ملی محسوب می‌شود. چنان‌که داشتن سلاح اتمی و جلوگیری از دستیابی کشورهای اسلامی و عربی به این نوع سلاح، بخشی دیگر از این راهبرد است.

برای کشوری مانند سودان، حفظ تمامیت ارضی، عدم تجزیه و خاتمه دادن به جنگ داخلی، اولویت راهبرد امنیت ملی است.

برای آمریکا، حفظ سرکردگی (ابرقدرتی)، استقرار دموکراسی مورد نظر خود در خاورمیانه، تسلط بر مناطق نفت خیز در خاورمیانه و آسیای میانه، مبارزه با تروریسم و حفظ امنیت اسرائیل بخش‌هایی از راهبرد امنیت ملی شناخته می‌شود؛ زیرا آمریکا، جامعه‌ای صنعتی است که برای تداوم حیات اقتصادی به نفت و برای حفظ بازارهای جهانی به تداوم سلطه‌ی خویش در جهان و تقویت نیروی نظامی نیازمند است. تقویت نیروی نظامی، به نوبه‌ی خود بر صنعت این کشور اتکا دارد. همه‌ی این ملاحظات سبب شده است تا آمریکا برای تسلط بر عمده‌ترین منابع نفتی جهان - نفت خلیج فارس و آسیای میانه و دریای خزر - اقدام کند.

### تغییر موقعیت و تغییر راهبرد امنیت ملی

امنیت مفهومی است که نه تنها از یک جامعه تا جامعه‌ی دیگر تغییر می‌کند بلکه در یک جامعه نیز به اقتضای تغییر موقعیت آن کشور و شرایط جهانی تغییر می‌کند. به تبع تغییر موقعیت، راهبرد امنیت ملی نیز متناسب با شرایط جدید تغییر می‌کند. برای نمونه، می‌توان به تغییر موقعیت آمریکا در جهان در پایان قرن بیستم اشاره کرد. برای دوره‌ای طولانی (بعد از جنگ جهانی دوم تا دهه‌ی ۱۹۹۰)، در عرصه‌ی جهانی دو قدرت اصلی حضور داشتند: آمریکا و شوروی سابق. در این دوره، کشورهای جهان نیز عمدتاً به دو بلوک تقسیم شده بودند: بخشی از کشورها به عنوان «بلوک غرب» و بخشی، به عنوان «بلوک شرق» شناخته می‌شدند. رهبری بلوک غرب با آمریکا و رهبری بلوک شرق با شوروی بود. این دو کشور نیز دو ابرقدرت شناخته می‌شدند که هر یک در پی تسلط بر بخش‌های بیش‌تری از جهان بود.

برای هیچ‌یک از این دو، که یکدیگر را دشمن تلقی می‌کردند، امکان حذف دیگری وجود نداشت؛ به همین دلیل، تلاش می‌کردند تا با دستیابی به سلاح‌های پیشرفته‌تر و عمدتاً سلاح‌های کشتار جمعی، طرف مقابل را از دست زدن به حمله یا توسعه طلبی باز دارند. از این دوره به علت وضعیت شبه جنگی، به عنوان دوران «جنگ سرد» (در برابر جنگ گرم که با کشتار و تخریب همراه است) یاد می‌شود.

با فروپاشی شوروی سابق و بلوک شرق<sup>۱</sup>، موقعیت آمریکا تغییر یافت و راهبردهایی که برای مواجهه و عمل در شرایط «جنگ سرد» تدوین شده بودند، کارایی خود را از دست دادند؛ به همین دلیل، ما شاهد تدوین و شکل‌گیری راهبرد جدید «امنیت ملی آمریکا در قرن بیست و یکم» هستیم که جهت‌گیری و نحوه‌ی عمل آمریکا را در شرایط بعد از جنگ سرد مشخص می‌کند.

تغییر موقعیت آمریکا بر اثر انفجار برج‌های دوقلوی تجارت جهانی، سبب شد تا این کشور، مقابله با تروریسم و تشکیل ائتلاف ضد تروریسم را نیز به‌عنوان راهبردی در امنیت ملی خود تعریف کند.

---

۱- درباره‌ی فروپاشی شوروی و بلوک شرق و شکل‌گیری دولت - ملت‌های جدید، در کتاب «جغرافیای

۲» مطالبی خوانده‌اید.



## بررسی کنید



قبل از انقلاب، ایران نیز یکی از کشورهایی بود که با آمریکا رابطه‌ی نزدیک داشت. با وقوع انقلاب اسلامی، این رابطه تغییر کرد و جای خود را به خصومتی پایدار داد که هنوز هم ادامه دارد. علت آن هم این بود که با وقوع انقلاب، آمریکا منافع بسیاری را، هم در ایران و هم در مناطق دیگر، از دست داد.

در زمان وقوع انقلاب اسلامی، هنوز شوروی سابق وجود داشت و دو بلوک شرق و غرب در برابر یکدیگر قرار داشتند. ایران در شمال با شوروی سابق و در شرق با افغانستان – که شوروی در آن مداخله‌ی نظامی کرده بود و حاکمان آن، خود را وامدار شوروی سابق می‌دانستند – هم‌مرز بود. عراق از جمله کشورهایی بود که پیوندهای نزدیکی با شوروی داشت و از حمایت آن برخوردار بود. در مقابل، ترکیه و پاکستان کشورهایی بودند که پیوندهای نزدیکی با آمریکا و غرب داشتند.

در طول سال‌هایی که از انقلاب می‌گذرد، شوروی سابق فروپاشیده است و کشورهای تازه استقلال یافته چون آذربایجان، ترکمنستان و ارمنستان با ایران همسایه شده‌اند. کشورهای متعددی در آسیای میانه شکل گرفته‌اند (مانند تاجیکستان و قرقیزستان) که آمریکا در آن‌ها پایگاه نظامی دارد و حاکمان آن‌ها تلاش می‌کنند برای مقابله با نفوذ روسیه در کشور خود، روابط حسنه‌ای با آمریکا داشته باشند.

در افغانستان، حکومت هوادار شوروی، ساقط شده و بعد از یک دوره حکومت مجاهدان افغانی و بعدها حکومت طالبان، آمریکا در افغانستان

مداخله‌ی نظامی کرده است و در آن‌جا حضوری جدی دارد. در عراق نیز حکومت  
بعثی سقوط کرده است و آمریکا فعالانه حضور دارد. حکومت‌های جدیدی در  
این دو کشور بر سر کار آمده‌اند که ضمن رابطه با آمریکا، با جمهوری اسلامی  
ایران هم روابط حسنه دارند.

— با توجه به تغییراتی که طی این دو دهه در موقعیت ایران در منطقه  
پدید آمده است، به نظر شما، این تغییر موقعیت، چه نتایجی برای امنیت ملی  
ایران دارد؟

— برای مواجهه با شرایط جدید چه راهبردهایی را باید مد نظر داشت؟  
نظر خود را با استدلال بیان کنید.

 درس را خلاصه کنید

.....

.....

.....

.....

## روش‌ها و وسایل دست‌یابی به اهداف

همان‌طور که اشاره کردیم، اگر بازیگران عرصه‌ی جهانی، اهدافی را دنبال می‌کنند یا می‌خواهند دنبال کنند، این کار را در حضور دیگر بازیگران، که آن‌ها نیز اهدافی دارند، انجام می‌دهند. این به معنای آن است که هر کشوری تا آن‌جا به اهداف خود دست می‌یابد که کشورهای دیگر، آن را بپذیرند یا آن کشور بتواند آن را بر دیگر کشورها تحمیل کند. اکنون این سؤال مطرح می‌شود: جوامع از چه امکاناتی برای قبولاندن یا تحمیل اهدافشان سود می‌جویند؟

### بررسی کنید



— در جامعه، افراد چگونه دیگران را به کاری که می‌خواهند، وادار می‌کنند؟ به عبارت دیگر، برای این کار از چه روش‌ها و وسایلی استفاده می‌کنند؟ با استفاده از تجربه و دانسته‌های خود، فهرستی از این روش‌ها تهیه کنید.

— از هریک از این روش‌ها و وسایل در چه شرایطی استفاده می‌شود؟ این شرایط را توضیح دهید.

— فکر می‌کنید در رابطه‌ی بین دولت‌ها از کدام یک از این روش‌ها و وسایل می‌توان سود جست؟ در این باره استدلال کنید.

### انواع روش‌ها و وسایل

گاه افراد با گفت‌وگو و اقناع دیگران را به انجام دادن کاری تشویق می‌کنند؛ جوامع نیز چنین روشی را به کار می‌برند. گاه نیز افراد، دیگران را با تطمیع به سود یا تهدید به ضرر

به انجام دادن کاری وادار می‌کنند و افراد، بر مبنای محاسبه‌ی عقلانی سود و زیان به این نتیجه می‌رسند که انجام دادن آن کار بهتر از انجام ندادن آن است. در عرصه‌ی جهانی نیز در بسیاری از موارد، چنین روندی دنبال می‌شود. افراد می‌توانند با استفاده از زور نیز دیگران را به کاری وادار کنند. در عرصه‌ی جهانی هم چنین امری معمول است و بعضی کشورها با استفاده از حمله‌ی نظامی، محاصره‌ی اقتصادی، جنگ روانی و اموری نظیر آن، دیگر کشورها را به رفتاری که می‌خواهند، مجبور می‌کنند.

بر این اساس، می‌توان گفت، روش‌ها و وسایل مورد استفاده‌ی جوامع در طیفی از گفت‌وگو و اقناع، پیشنهاد پاداش و تهدید به مجازات تا استفاده از ابزار اقتصادی و نظامی قرار می‌گیرد<sup>۱</sup>. بخشی از این روش‌ها که با عنوان «دیپلماسی» شناخته می‌شود، رایج‌ترین روش دست‌یابی به هدف است.

## دیپلماسی

به مجموعه‌ی فعالیت‌هایی که از سوی هر جامعه برای دست‌یابی به اهداف خود در عرصه‌ی جهانی انجام می‌گیرد و در آن از اقناع، پیشنهاد پاداش و تهدید به مجازات (نه خود مجازات) استفاده می‌شود، «دیپلماسی» می‌گویند.

رابطه‌ی دیپلماتیک زمانی بین دولت‌های دو جامعه برقرار می‌شود که از طرف هریک از دو جامعه، نمایندگانی در گفت‌وگوها شرکت کنند و به نوعی توافق برسند.

اقناع: اقناع معمولاً زمانی شکل می‌گیرد که طرفین گفت‌وگو، ارزش‌ها و باورهای مشترکی داشته باشند.

در شرایط کنونی جهان که ارزش‌هایی چون حقوق بشر، مردم‌سالاری، آزادی و صلح و امنیت جهانی، به‌صورت ارزش‌های مشترک جوامع درآمده است، معمولاً اقناع با تکیه بر این ارزش‌ها انجام می‌شود.

برای نمونه، می‌توان به «دیپلماسی تروریسم» اشاره کرد. بعد از واقعه‌ی ۱۱ سپتامبر،

---

۱- باید توجه داشت که برای دست‌یابی به یک هدف، لزوماً از یک روش استفاده نمی‌شود بلکه ممکن است از روش‌های مختلف در کنار یکدیگر استفاده شود.

که در آن تعداد زیادی افراد غیرنظامی کشته شدند، آمریکا با تکیه بر ارزش‌هایی چون مذموم بودن کشتن افراد غیرنظامی، صلح و امنیت بین‌المللی، با دیگر کشورها به گفت‌وگو پرداخت و توانست «ائتلاف ضد تروریسم» را شکل دهد که در آن، همه‌ی کشورها تروریسم را محکوم کردند و تعداد زیادی از کشورها در زمینه‌ی مبارزه با تروریسم به همکاری با آمریکا تن دادند.

نمونه‌ی دیگر در این زمینه، گفت‌وگو درباره‌ی فلسطین است. اخراج مردم از سرزمین آبا و اجدادی، اقدامی ناموجه است که امروزه درباره‌ی نادرستی آن توافق جمعی وجود دارد. اسرائیل فلسطینی‌ها را از سرزمین اصلی‌شان بیرون رانده است. بر مبنای باورهای مورد توافق، نوعی همدلی با فلسطینی‌ها شکل گرفته است که این مردم باید دارای کشوری مستقل باشند. کشورهایی هم که اقدامات استشهادی فلسطینی‌ها را نوعی دفاع مشروع می‌دانند، بر همین نکته تأکید می‌کنند که فلسطینی‌ها برای احقاق حق خود می‌کوشند و رفتار آن‌ها را نباید ترور به حساب آورد بلکه باید آن را نوعی مقاومت در برابر ظلم و زورگویی دانست.

پیشنهاد پاداش و تهدید به مجازات: نمایندگان کشورها معمولاً بر مبنای محاسبه‌ی سود و زیانی که از یک اقدام نصیب آن‌ها و دیگران می‌شود، یکدیگر را به اقدام و عملی تشویق یا از آن منع می‌کنند.

برای نمونه، می‌توان با پیشنهادهای اتحادیه‌ی اروپا و سه کشور اروپایی (انگلیس، فرانسه و آلمان) به ایران برای تعلیق غنی‌سازی اورانیم اشاره کرد. در تابستان سال ۸۴، در پی توافقات قبلی، سه کشور اروپایی که درباره‌ی فعالیت‌های هسته‌ای ایران مذاکره می‌کردند، پاداش‌هایی را به ایران پیشنهاد کردند تا در مقابل، ایران نیز غنی‌سازی اورانیم را به‌طور دائم، به حالت تعلیق درآورد.

حمایت از برنامه‌های مبارزه با مواد مخدر در ایران، حمایت از گسترش تولید انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز و تحقیقات مرتبط با آن، تأمین سوخت هسته‌ای ایران، تکثیر قدرت هسته‌ای غیرنظامی، حمایت از همکاری هسته‌ای روسیه با ایران، تعهد روسیه مبنی بر فراهم کردن سوخت هسته‌ای راکتورهای ساخت خود در ایران به‌طور دائم، تلاش برای شناسایی

ایران به عنوان منبع بلندمدت نفت و گاز اتحادیه‌ی اروپا، حمایت سیاسی از عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی و تعهد به همکاری فناورانه و علمی بلندمدت با ایران در زمینه‌ی فناوری زیست محیطی، اطلاعاتی و ارتباطاتی از جمله پاداش‌های پیشنهادی سه کشور اروپایی بود. از آن‌جا که ایران داشتن انرژی هسته‌ای را حق مسلم خود می‌دانست و نیز به دلیل کم‌اهمیت بودن پیشنهادهای ذکر شده در برابر تعلیق دائمی اورانیم (عدم تناسب بین پاداش و خواسته) و عدم اعتماد به تحقق این تعهدات، پیشنهاد سه کشور اروپایی را نپذیرفت، این کشورها در قالب قطعنامه‌ی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ایران را به «ارجاع پرونده به شورای امنیت» و مجازات‌هایی که شورای امنیت علیه ایران تجویز خواهد کرد (مانند تحریم اقتصادی)، تهدید کردند.

### رسانه‌ها و «کلیشه سازی»

همان‌طور که در سال‌های قبل اشاره کردیم، افراد هنگام روبه‌رو شدن با هم، براساس تصویری که از دیگران در ذهن خود دارند، با آن‌ها برخورد می‌کنند. این تصویر در بسیاری از موارد، به‌ویژه درباره‌ی «ما»ها، نتیجه‌ی تجربه‌ی مستقیم نیست بلکه از طریق آموزش ممکن می‌شود. به چنین تصویری که از طریق آموزش و رسانه‌ها به افراد منتقل می‌شود، «کلیشه»<sup>۱</sup> گفته می‌شود.

تصویری که ملت‌ها از یکدیگر دارند، عمدتاً کلیشه‌هایی است که بر مبنای آن‌چه رسانه‌ها ارائه می‌کنند، ساخته می‌شود.

قدرت زیاد رسانه‌ها در ساختن کلیشه درباره‌ی کشورها و جوامع مختلف، سبب شده است تا جوامع از آن به عنوان ابزاری در جهت مقاصد خود سود جویند. جوامع می‌توانند با ارائه‌ی کلیشه‌ای منفی از یک کشور، کشورهای دیگر را از آن بترسانند و هزینه‌ی برقراری رابطه با آن کشور را در نزد بازیگران دیگر افزایش دهند. متقابلاً، با ارائه‌ی تصویری مثبت، می‌توانند برای رابطه با یک کشور جاذبه ایجاد کنند که این امر به نوبه‌ی خود موجب جلب منافع بیش‌تر به آن کشور می‌شود.

علاوه بر این، رسانه‌ها می‌توانند درباره‌ی «موقعیت‌ها» نیز کلیشه‌سازی کنند؛ مثلاً موقعیتی را به‌عنوان «بحران»، «نابودکننده‌ی بشر» یا یک «موقعیت برای بشریت و جوامع» معرفی کنند.

همان‌طور که در سال گذشته خواندید، افراد و جوامع بر مبنای شناختی که از موقعیت دارند، عمل می‌کنند؛ از این‌رو، رسانه‌ها با کلیشه‌سازی درباره‌ی موقعیت‌ها نیز بر تصمیم جوامع و دولت‌ها در یک موقعیت معین تأثیر می‌گذارند.<sup>۱</sup>

برای نمونه، می‌توان به حجم عظیم تبلیغات رسانه‌های آمریکا درباره‌ی سلاح‌های کشتار جمعی عراق و خطری که از این رهگذر متوجه بشریت و آینده‌ی جهان است و نیز به واقعه‌ی ۱۱ سپتامبر که رسانه‌ها از آن فاجعه‌ای بشری ساختند، اشاره کرد. در چنین فضایی بود که کشورها در هم‌دردی با آمریکا و محکوم کردن تروریسم برهم سبقت می‌جستند. علاوه بر این، رسانه‌ها به علت برد فراملی‌ای که این روزها پیدا کرده‌اند، می‌توانند با شکل دادن به «افکار عمومی» در جوامع دیگر، سیاستمداران آن‌ها را برای تحقق اهداف خود زیر فشار بگذارند یا تشویق کنند.

در سال‌های اخیر، به علت دخالت‌های متعدد آمریکا در کشورهای اسلامی، حمایت بی‌چون و چرا از اسرائیل و برخورد با گروه‌های مبارز فلسطینی به‌عنوان گروه‌های تروریست، موضع‌گیری علیه مسلمانان بعد از واقعه‌ی ۱۱ سپتامبر و محدود کردن مسلمانان در آمریکا، موضع‌گیری منفی نسبت به آمریکا در بین مسلمانان گسترش یافته است. آمریکا در تلاش برای تغییر این فضا، برنامه‌ای رسانه‌ای را تدوین کرده است تا افکار عمومی کشورهای مسلمان را نسبت به رفتار خود تغییر دهد.

عمل رسانه‌ها در این زمینه آن‌قدر اهمیت دارد که باید آن را مکمل دیپلماسی و حتی

---

۱- یکی از اشکال این نوع اقدامات، همان چیزی است که از ده‌ها سال قبل، از آن با عنوان «جنگ روانی» یاد می‌شود و در جریان جنگ یک کشور علیه کشور دیگر، از آن استفاده می‌کنند.

یکی دیگر از اشکال استفاده از رسانه‌های با برد زیاد، استفاده از آن‌ها در زمان خصومت است. دولت‌ها می‌توانند از رسانه‌ها برای ایجاد تفرقه در داخل یک جامعه، تحریک اقلیت‌های قومی به استقلال‌خواهی و تقویت جریان‌های مخالف یک دولت استفاده کنند.

بخشی از دیپلماسی به حساب آورد؛ زیرا رسانه‌ها می‌توانند باورها و ارزش‌های مشترکی را شکل دهند که بر مبنای آن، نمایندگان کشورها، دیگران را قانع کنند. رسانه‌ها می‌توانند موقعیت‌ها را به نحوی کلیشه‌سازی کنند که حتی در محاسبه‌ی سود و زیان نیز مؤثر افتد و از این طریق نیز مکمل دیپلماسی باشد.

کلیشه‌سازی، بخشی از جنگ یک کشور علیه کشوری دیگر نیز محسوب می‌شود. زمانی که آمریکا تصمیم گرفت به عراق حمله کند، از مدت‌ها قبل، رسانه‌ها افکار عمومی جهانی را برای مشروع دانستن چنین اقدامی آماده می‌کردند. تکیه‌ی آن‌ها بر سلاح‌های کشتار جمعی در عراق و خطری که از این بابت متوجه بشریت بود، تلاشی برای «مشروع ساختن» حمله‌ی آمریکا به عراق بود که بعدها نادرستی آن ثابت شد و از آن با عنوان «فریب افکار عمومی» یاد شد.

## اقتصاد

یکی از لوازم تداوم زندگی اجتماعی و بهبود آن، اقتصاد است. اگر جامعه‌ای در عرصه‌ی اقتصادی مشکلاتی داشته باشد، در تداوم زندگی خود در جهان دچار مشکل می‌شود. اگر به این مطلب این نکته را هم بیفزاییم که در زمانه‌ای که ما زندگی می‌کنیم، قدرت نظامی نیز عمده‌تأ بر صنعت و پیشرفت و رشد اقتصادی متکی است، اهمیت آن برای ادامه‌ی حیات و بهبود زندگی یک جامعه در جهان بیش‌تر آشکار می‌شود.

حال اگر کشوری بتواند با اقداماتی، اقتصاد جامعه‌ی دیگری را دچار مشکل یا متضرر کند یا مانع دست‌یابی آن کشور و اعضای آن به منافع اقتصادی شود، می‌تواند آن جامعه را به کاری که می‌خواهد وادارد؛ زیرا آن جامعه برای فرار از ضرر یا کسب سود و به میزان سود یا زبانی که متوجه اوست، حاضر خواهد شد به خواست‌های دیگران تن در دهد.

آمریکا در طول بیش از دو دهه‌ای که از وقوع انقلاب اسلامی در ایران می‌گذرد، در مقابله با ایران و در تلاش برای وادار کردن ایران به قدم گذاشتن در جهتی که مدنظرش است، فهرستی بلند و مفصل از اقدامات اقتصادی برای ضرر زدن به ایران و محروم کردن



کشور ما از بسیاری منافع انجام داده است که در این جا امکان ارائه‌ی آن وجود ندارد. بلوکه کردن دارایی‌های ایران در بانک‌های آمریکایی، جلوگیری از دریافت وام از بانک جهانی، جلوگیری از عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی، مانع شدن از گذشتن خط لوله‌ی نفت ترکمنستان از ایران و طراحی آن برای گذر از دریای خزر با هزینه‌ای بسیار بالاتر از هزینه‌ی گذر آن از ایران (خط باکو - جیحان)، ممنوعیت صدور و فروش لوازمی که بخشی از تجهیزات آن آمریکایی است و جریمه کردن شرکت‌هایی که با ایران قرارداد منعقد کنند، بعضی از این اقدامات خصمانه است.

### روز شمار تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران

در ۱۷ آبان ۱۳۵۸ درست چهار روز پس از تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان انقلابی ایران، که به گروگان‌گیری دیپلمات‌ها و اتباع ایالات متحده آمریکا منجر شد، جیمی کارتر، رئیس‌جمهوری وقت آمریکا، به استناد قانون «کنترل صادرات تسلیحات»، صادرات تسلیحات و جنگ‌افزار نظامی به ایران را ممنوع کرد.

به این ترتیب، ایران با اولین تحریم آمریکا مواجه شد و سفارشات ایران و وجوهی که برای خرید تسلیحات و هواپیماها پرداخته بود، بلوکه شد.

چهار روز بعد از آن، دولت آمریکا به استناد قانون «گسترش تجارت»، واردات نفت از ایران را ممنوع کرد.

با ادامه‌ی بحران گروگان‌گیری در سفارت آمریکا، کارتر، با صدور فرامین اجرایی، اقدامات تحریمی خود را علیه ایران تشدید کرد.

در ۲۳ آبان ۱۳۵۸ با فرمان اجرایی ۱۲۱۷۰، کلیه‌ی دارایی‌های دولت ایران نزد بانک‌های آمریکایی مسدود شد.

در ۱۸ فروردین ۱۳۵۹، هرگونه صادرات، به جز غذا و دارو، به ایران، با فرمان اجرایی ۱۲۲۰۵ ممنوع شد.

فرمان اجرایی ۱۲۲۱۱ در تاریخ ۲۸ فروردین ۱۳۵۹، آمریکاییان را از هرگونه معامله‌ی مالی با ایرانیان منع کرده و هر نوع واردات از ایران و تمامی سفرها به ایران یا از ایران را ممنوع

اعلام کرد؛ ضمن این که تمامی تجهیزات نظامی را که ایران خریداری کرده یا سفارش داده بود، توقیف کرد.

بعد از آزادی گروگان‌ها، بخشی از این تحریم‌ها لغو شدند. تا اواخر سال ۱۳۶۲ تنها تحریم آمریکا علیه ایران، همان تحریم تسلیحاتی بود. اما در ۳ بهمن ۱۳۶۲، وزارت خارجه‌ی آمریکا، ایران را به فهرست کشورهای حامی تروریسم بین‌المللی اضافه کرد؛ در نتیجه، کنترل‌های شدید و سخت‌گیرانه‌تری در خصوص صادرات به ایران وضع شد.

در ۶ مهر ۱۳۶۳، رونالد ریگان (رئیس جمهوری وقت آمریکا)، به استناد قانون «اداره‌ی کل صادرات» محدودیت‌های صادراتی بیش‌تری را برای صادرات تجهیزات نظامی با کاربرد دوگانه به ایران صادر کرد.

در ۴ آبان ۱۳۶۶، با فرمان اجرایی ۱۲۶۱۳، کلیه‌ی واردات از ایران – به جز نشریات و مطالب برای نشر خبر و نیز محصولات تصفیه‌شده‌ی نفتی از کشورهای ثالث که از مواد خام نفتی ایرانی تهیه شده باشند – را ممنوع کرد.

در ۱۶ آبان ۱۳۶۸، وزارت خارجه‌ی آمریکا، ۶۵۷ میلیون دلار از دارایی‌های مسدود شده‌ی ایران را به ایران انتقال داد اما هم‌چنان ۹۰۰ میلیون دلار به علاوه‌ی کلیه‌ی دعاوی ایران برای «برنامه‌ی خریدهای نظامی خارجی» باقی مانده است.

با روی کار آمدن دولت کلینتون، مسیر تحریم‌ها به سوی ممنوعیت بیش‌تر برای معاملات و سرمایه‌گذاری در بخش انرژی ایران سوق داده شد.

در ۲۵ اسفند ۱۳۷۳، با فرمان اجرایی ۱۲۹۵۷، هرگونه معامله برای توسعه‌ی نفتی ایران ممنوع شد.

در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۴، هرگونه تجارت (صادرات و واردات) و سرمایه‌گذاری متقابل بین ایران و آمریکا، به استناد فرمان اجرایی ۱۲۹۵۹، ممنوع شد. این فرمان، هم‌چنین، هرگونه واردات نفت خام و محصولات تصفیه‌شده از مواد خام نفتی ایران و نیز فاینانس یا سرمایه‌گذاری تجاری در ایران را منع می‌کند.

قانون «تحریم‌های ایران و لیبی» در تاریخ ۱۳ مرداد ۱۳۷۵ به تصویب رسید. این قانون، برای شرکت‌های غیرآمریکایی که در بخش انرژی ایران بیش از ۲۰ میلیون دلار در سال سرمایه‌گذاری کنند، مجازات‌هایی را مشخص کرده است. این قانون با فرمان اجرایی ۱۳۰۵۹ در تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۷۶ تشدید شد و برای کشورهای ثالث که به ایران صادرات دارند، تحریم‌های بیش‌تری در نظر گرفت.

با همه‌ی این موارد، وزیر امور خارجه وقت آمریکا، مادلین آلبرایت، در تاریخ ۲۶ اسفند ۱۳۷۸، اعلام کرد که تحریم‌ها علیه ایران می‌تواند کاهش یابد تا شهروندان آمریکایی بتوانند فرش و محصولات غذایی مانند خشکبار، آجیل و خاویار ایرانی را بخرند. این تغییر با اصلاح «مقررات معاملات با ایران» در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۷۹ به اجرا درآمد.

در حال حاضر، فرامین اجرایی ۱۲۱۷۰ و ۱۲۹۵۷ (متعاقباً ۱۲۹۵۹ و ۱۳۰۵۹) همه ساله به تمدید نیاز دارد که فرمان اول در تاریخ ۲۳ آبان ۱۳۸۱ و فرمان دوم در تاریخ ۲۳ اسفند ۱۳۸۱ تمدید شده است.

مجموعه‌ی فرامین اجرایی صادره از سوی رئیس‌جمهور آمریکا، مستند به قوانین مصوب کنگره آن کشور است. این فرامین که لازم‌الاجرا هستند، برحسب شرایط زمانی خاص، صادر و در صورت تأمین اهداف، لغو می‌شوند.

منبع: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8408210055>

## ابزار نظامی (زور)

در رابطه‌ی بین جوامع، یکی از روش‌های وادار کردن جوامع به آنچه منظور نظر جامعه‌ی دیگر است، زور است که در قالب استفاده از ابزار نظامی جلوه‌گر می‌شود. صورت آشکار و بارز استفاده از ابزار نظامی، جنگ و اشغال است که سابقه‌ای به اندازه‌ی عمر بشر دارد. حمله‌ی عراق به ایران در سال ۱۳۵۹، اشغال نظامی کویت توسط عراق در سال ۱۳۶۹ و اشغال عراق توسط آمریکا در سال ۱۳۸۲، نمونه‌هایی نزدیک به منطقه و زمان ماست. در این موارد، کشورهای مهاجم سعی کرده‌اند با استفاده از نابودی منابع و تصرف سرزمین، طرف مقابل را به قبول خواسته‌های خود وادار سازند یا با نابودی طرف مقابل، به هدف خود برسند.

علاوه بر این، از ابزار نظامی به عنوان شاخصی برای ارزیابی قدرت یک جامعه نیز استفاده می‌شود. کشورهایی که دارای قدرت نظامی بیش‌تری‌اند، در زمان مذاکره و گفت‌وگو قدرت چانه‌زنی بیش‌تری دارند.

### تحقیق کنید



- یکی از موضوعات زیر را انتخاب کرده و درباره‌ی آن گزارشی تهیه کنید (با استفاده از منابع رسانه‌ای، مانند روزنامه، رادیو و تلویزیون یا سایت‌ها).
- کلیشه‌سازی رسانه‌ها درباره‌ی بازیگران نظام جهانی
  - کلیشه‌سازی رسانه‌ها درباره‌ی موقعیت‌ها و حوادث
  - دیپلماسی یکی از دولت‌ها در زمینه‌ی معین (در یک دوره‌ی زمانی).

### درس را خلاصه کنید.



.....

.....

.....

برای درس بعدی، کتاب «تاریخ ایران و جهان ۲» به ویژه رابطه‌ی ایران با جوامع دیگر در دوره‌ی صفویه تا مشروطیت را مرور کنید.

## ایران و نظام جهانی

### ادغام در نظام جهانی

گفت و گو کنید



با توجه به مطالبی که در کتاب «تاریخ ایران و جهان ۲» در باره‌ی شرایط ایران از دوره‌ی صفویه تا مشروطیت و رابطه‌ی آن با کشورهای اروپایی خوانده‌اید و آن چه در درس‌های قبل درباره‌ی ادغام واحدهای اجتماعی در نظام جهانی ارائه شد، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

— ادغام ایران در نظام جهانی از چه زمانی آغاز شد؟

— ایران چگونه در نظام جهانی ادغام شد؟

ایران، بیرون از نظام جهانی: اگر با نگاهی دقیق به حکومت صفوی بنگریم، باید آن را یک امپراتوری محسوب کنیم؛ زیرا در این حکومت، واحدهای اجتماعی متعددی با هم پیوند می‌خورند و بین آن‌ها روابط اقتصادی برقرار می‌شود. مرکز این امپراتوری هم اصفهان، پایتخت صفویه، است که بیش‌ترین مقدار مازاد از این واحدهای اجتماعی به آن‌جا منتقل می‌شد.

در دوره‌ی صفویه، حکومت‌های اروپایی با ایران رابطه برقرار می‌کردند (روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی). اما این روابط در قالب رابطه‌ی امپراتوری‌ها با یکدیگر بود و نمی‌توان آن را آغازی برای ادغام ایران در نظام جهانی دانست؛ زیرا نه حکومت‌های اروپایی قدرت آن را داشتند که ایران را مستعمره‌ی خود کنند و نه از نظر اقتصادی، چنان وضعی داشتند که رابطه‌ی تجاری‌شان با ایران، موجب شکل‌گیری رابطه‌ی مرکز — پیرامون و وابستگی متقابل شود.

**دوره‌ی ادغام:** در دوره‌ی قاجاریه، اوضاع اروپا و ایران تغییراتی یافت که شرایط برای ادغام ایران در نظام جهانی فراهم شد. از یک سو، اقتصاد ایران، به علت فروپاشی امپراتوری صفویه (که بیش از دو قرن تداوم داشت) و هرج و مرج‌های بعد از آن که امکان استقرار حکومتی با ثبات را از بین برده بود، ضعیف و ضعیف‌تر شده بود و از سوی دیگر، شرایط زندگی در اروپا تغییر یافته بود. در عرصه‌ی اقتصادی، انقلاب صنعتی رخ داده و اقتصاد کشورهای عمده‌ی اروپایی، صنعتی شده بود. در عرصه‌ی سیاسی، انقلاب فرانسه شکل گرفته و اندیشه‌ی مردم سالاری، شکل حکومت کردن را تغییر داده بود. حکومت‌های اروپایی هم در پی گسترش سلطه‌ی خود در جهان بودند.

حکام قاجار، در برخوردهایی که با کشورهای اروپایی داشتند، بخش‌هایی از قلمرو خود را از دست دادند اما این به معنای ادغام نبود بلکه ادغام ایران در نظام جهانی از زمانی آغاز شد که حکام ایرانی، شرایط تجارت تعرفه‌ای را پذیرفتند.

از این دوره است که وابستگی متقابل ایران با نظام جهانی شکل می‌گیرد و کشور ما به عنوان کشوری پیرامونی به این وابستگی (ادغام) واکنش نشان می‌دهد؛ نهضت تنباکو، انقلاب مشروطیت و تغییرات و تحولات بعد از آن را باید واکنش به همین شرایط محسوب کرد.

**توسعه‌ی وابسته:** در دوره‌ی پهلوی‌ها، تلاش‌هایی برای نوسازی ایران انجام شد که به بسط و گسترش صنعت در ایران انجامید ولی از آن‌جا که این تغییرات تحت تأثیر تغییرات نظام جهانی بود، موقعیت پیرامونی ایران تغییری نیافت. ایران، زمانی با صدور مواد خام و به ویژه نفت، در تقسیم کار جهانی ایفای نقش می‌کرد. زمانی هم که کشورهای مرکز به نیروی کار ارزان و بازارهای نزدیک نیاز داشتند، ایران می‌توانست نیروی کار ارزان در اختیار آن‌ها بگذارد و هم چنین به خاطر درآمد حاصل از صدور نفت بازار مصرف مطمئنی بود.

از این‌رو، در دوره‌ی پهلوی‌ها شاهد توسعه‌ی ایران هستیم اما توسعه‌ای که «توسعه‌ی وابسته» خوانده می‌شود؛ زیرا عامل آن درونی نیست بلکه نیازهای نظام جهانی و کشورهای مرکز است.

## چالش با نظام جهانی

از جمله پیامدهای کوتاه مدت توسعه، فاصله‌ی طبقاتی، فاصله‌ی شهر و روستا و فقر و غنی است که در دوره‌ی پهلوی‌ها افزایش نارضایتی را در پی داشت. این امر به همراه عوامل دیگری که در تاریخ خوانده‌اید، به شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ منجر شد.

انقلاب اسلامی، قبل از هر چیز بر وجوه دینی هویت ایرانی تأکید کرد و با شعار «بازگشت به خویشتن»، به احیای باورها و ارزش‌هایی پرداخت که با ارزش‌ها و باورهای نظام جهانی سازگاری نداشتند.

همان‌طور که قبلاً گفتیم، نظام جهانی در خاستگاه خود، با ارزش‌هایی چون انسان‌گرایی و دنیاگرایی رشد و نمو کرد، سرمایه‌داری نیز با بسط همین ارزش‌ها راه خود را از درون حکومت‌های شاهی اروپایی و نیز در سطح جهانی باز کرد. انقلاب اسلامی، با تکیه بر اسلام به عنوان عنصر هویت‌بخش، باورها و ارزش‌هایی را که در تعارض با این ارزش‌ها و باورها بودند، مطرح کرد.

برخلاف انسان‌گرایی رنسانس، که انسان را محور همه چیز در جهان قرار می‌داد و اعتقاد به خدا را به دوره‌ی ضعف و عقب‌ماندگی انسان نسبت می‌داد، انقلاب اسلامی، انسان را جانشین خدا در زمین معرفی کرد. این انسان اگر چه اشرف مخلوقات محسوب می‌شود، در نهایت بنده‌ی خداست و تا آن‌جا که خدا اجازه می‌دهد، می‌تواند در طبیعتی که آن هم مخلوق خداست، تصرف کند.

اگر انسان‌گرایی رنسانس بر آزادی، برابری انسان‌ها و ... به عنوان حقوقی طبیعی تأکید می‌کرد، انقلاب اسلامی آن‌ها را ودیعه‌ای الهی به بشر می‌دانست.

در برابر دنیاگرایی رنسانس که بر اهمیت دنیا (رفاه، کمال دنیوی و ...) به عنوان غایت زندگی انسان (فرد و جامعه) تأکید می‌کرد، انقلاب اسلامی بر وسیله بودن دنیا برای زندگی جاوید تأکید داشت و محدود کردن انسان به افق‌های محدود این دنیا را ظلم به او تلقی می‌کرد.

غلبه‌ی این باورها در انقلاب اسلامی و عمل بر مبنای آن، از منظر کشورهای مرکز،

به معنای مقابله با باورها و ارزش‌های نظام جهانی و نوعی انحراف تلقی می‌شد. با توجه به وجود یک میلیارد مسلمان در جهان، که عمدتاً در کشورهای پیرامونی زندگی می‌کردند، بسط چنین باورها و ارزش‌هایی می‌توانست مشکلات بیش‌تری را برای نظام جهانی و کشورهای مرکز پدید آورد.

از سوی دیگر، انقلاب اسلامی ایران با طرح شعار مقابله با مستکبران، عملاً بر نابرابری‌های بین کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته و سهم کشورهای قدرتمند در ایجاد و حفظ این نابرابری تأکید کرد. این شعار نیز از نظر کشورهای مرکز، نامطلوب بود.

در این شرایط، کشورهای مرکز، انقلاب اسلامی ایران را یک تهدید تلقی کردند و مقابله با انقلاب اسلامی ایران و محدود کردن آن، به عنوان یک راهبرد توسط کشورهای مرکز و «سرکرده» (آمریکا) دنبال شد.

راه انداختن کودتا بعد از انقلاب، تشویق آشوب در مناطق مختلف، ترساندن همسایه‌ها از انقلاب اسلامی و امکان صدور آن به کشورهای دیگر و در نهایت، راه انداختن جنگ علیه ایران توسط همسایه‌ی غربی (عراق)، از جمله اقداماتی بود که برای محدود کردن ایران انجام شد. تحریم اقتصادی علیه ایران، بلوکه کردن دارایی‌های ایران در آمریکا و صدها فعالیت دیگر را باید به فهرست اقدامات یاد شده افزود.

## جنگ تحمیلی

جنگ ناخواسته و تحمیلی، خسارت‌های بسیاری به مردم و کشور ما وارد آورد اما در طول دو قرن گذشته، اولین جنگی بود که در جریان آن، ایرانیان با تمام قوا از سرزمین کیان کشور خود دفاع کردند و یک وجب از خاک کشور را از دست ندادند.<sup>۱</sup>

در دوران جنگ، به رغم تحریم اقتصادی که امکان استفاده از صنعت کشورهای

---

۱- می‌توان به جنگ‌های ایران با روسیه‌ی تزاری که در آن، بخش‌های زیادی از ایالت‌های شمال غربی از دست رفت (ایالاتی که اکنون چند کشور را تشکیل می‌دهند) و از دست دادن هرات در زمان ناصرالدین‌شاه اشاره کرد که در آن‌ها بخش‌هایی از سرزمین ایران از دست رفته است.



مرکز و حتی جوامع نیمه پیرامونی را از بین برده بود یا محدود می کرد، ایران توانست طولانی ترین جنگ منطقه ای را در دهه های اخیر اداره کند. این امر موجب شکل گیری توانمندی های بسیاری برای ایران بود؛ این توانمندی ها را باید در معنای وسیع کلمه، هسته های اولیه ی «توسعه ی فناوری» نامید؛ زیرا همان طور که در فصول گذشته آموختید، فناوری به توانایی هایی اشاره دارد که امکان تولید صنعت و اداره ی رفتارهای انسانی را فراهم می کنند.

در جنگ تحمیلی، طرف مقابل، از همه گونه حمایت های کشورهای مرکز و همسایگانی که احساس خطر می کردند، برخوردار بود و کشورهای مرکز، علاوه بر این که حجم عظیمی از جنگ افزارهای پیشرفته ی متعارف را در اختیار او گذاشتند، امکان تولید جنگ افزارهای کشتار جمعی (جنگ افزار شیمیایی و اتمی) را هم برایش فراهم کردند. در زمینه ی اداره ی جنگ، نه تنها در طراحی عرصه ی عملیات به عراق کمک می کردند بلکه اطلاعات ماهواره ای مرتبط با آرایش نظامی نیروهای ایرانی را هم در اختیارش قرار می دادند. به دلیل همین حمایت ها و فراتر از آن، همکاری هاست که جنگ عراق علیه ایران را باید به نوعی، جنگ کشورهای مرکز علیه ایران تلقی کرد.<sup>۱</sup>

جنگ تحمیلی با قبول قطعنامه ی ۵۹۸ از سوی ایران و در حالی پایان یافت که ایران توانسته بود نشان دهد بدون کمک دیگران و با حداقل امکانات، می تواند در برابر هجوم خارجی بایستد و با اتکا به باورها و ارزش های دینی و هویت بومی خود، تهدید بزرگی مانند جنگ را از سر بگذراند.

---

۱- البته نباید فراموش کرد که تقویت عراق در برابر ایران، موجب شد تا بعد از جنگ با ایران، حکومت صدام برای بازسازی غرور از دست رفته ی خود، به کویت حمله کند؛ اقدامی که واکنش کشورهای مرکز را برانگیخت و با تضعیف و تحریم این حکومت و درنهایت، سقوط آن پایان یافت.

## خسارت‌های جنگ

شورای امنیت سازمان ملل در بند هفتم قطعنامه ۵۹۸، با تصدیق ابعاد عظیم خساراتی که در طول منازعه وارد شده است و ضرورت تلاش‌های بازسازی با کمک‌های مناسب بین‌المللی پس از خاتمه‌ی منازعه، از دبیرکل درخواست می‌کند گروهی از کارشناسان را برای بررسی مسئله‌ی بازسازی، تعیین و به شورای امنیت گزارش کند.

در اجرای این بند از قطعنامه، دبیرکل وقت سازمان ملل، یک «گروه کارشناسی» را مأمور این کار کرد. این هیئت دوبار، در ۳۱ مه تا ۲۱ ژوئن (خردادماه) و ۷ نوامبر تا ۱ دسامبر ۱۹۹۱ (آبان ماه ۱۳۷۰) به ایران سفر کرد.

در سفر اول، اطلاعاتی درباره‌ی استان‌هایی که صحنه‌ی عملیات جنگی یا هدف حملات هوایی و موشکی بوده‌اند، مراکز شهری و روستایی که با خاک یکسان شده یا خسارت کلی دیده‌اند، خانه‌های مسکونی که کاملاً منهدم شده یا آسیب جدی دیده‌اند، غیرنظامیانی که کشته، مجروح یا برای همیشه از کار افتاده شده‌اند و خسارت‌های سنگینی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به بخش‌های اقتصادی وارد شده است، از جمله در بخش کشاورزی و به ویژه نابودی باغ‌های نخل ایران، در اختیار هیئت قرار گرفت.

گروه اعزامی پس از بازگشت از سفر اول، در گزارشی به دبیرکل نوشت: «میزان خسارت‌های وارده به زیر ساخت‌های ایران، چنان گسترده است که بازسازی آن سال‌ها طول می‌کشد. صنایع نفتی و اقتصاد ملی ایران خسارات گسترده دیده و پالایشگاه آبادان و بزرگ‌ترین تأسیسات بارگیری نفت جهان در جزیره‌ی خارک و هم‌چنین، بندر تجاری - مسافرتی خرمشهر کاملاً منهدم شده‌اند.»

در سفر دوم، هیئت با مسئولان نهادها و سازمان‌ها در ایران مذاکرات حضوری داشت تا خسارت‌های وارده را به طور دقیق برآورد کند و تا حد امکان از مراکز و تأسیسات آسیب‌دیده به طور مستقیم بازدید به عمل آورد.

نتایج تحقیق و بررسی‌های به عمل آمده در گزارشی به شماره‌ی S/۳۶۸۲۲ مورخ ۳۱ ژوئیه‌ی ۱۹۹۱، تسلیم دبیرکل سازمان ملل شد و در آن، اطلاعات کاملی از ماهیت و میزان خسارت‌های وارده، برآوردهای دولت ایران از هزینه‌ی بازسازی‌های گذشته و حال در بخش‌های

خانه‌سازی، صنایع نفت، حمل‌ونقل، صنایع سبک و سنگین، کشاورزی و سیستم آبرسانی، انرژی و نیرو، ارتباطات دور و مخابراتی، آموزش و پرورش، بهداشت و میراث فرهنگی ارائه شد. در نتیجه‌گیری گزارش، میزان خسارت‌های مستقیم وارده به ایران، ۹۷/۲ میلیارد دلار و خسارات غیرمستقیم، ۳۴۵۳۵ میلیارد ریال (حدود ۱۴۵ میلیارد دلار) برآورد شده بود. جمهوری اسلامی ایران میزان خسارت برآورد شده در گزارش دبیرکل را نادرست خواند و میزان آن را یک تریلیون دلار (۱۰۰۰ میلیارد دلار) اعلام کرد. دفتر اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه ایران در گزارشی، آمار آسیب‌های وارد شده به بخش‌های مختلف اقتصادی کشور را ۳۰۸۱۱۴۲۳ میلیارد ریال برآورد کرد.

منبع: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8407060192>

(۸۴/۷/۶ با تلخیص و اصلاح رقم مربوط به خسارات غیرمستقیم)

## آغاز توسعه و سازندگی

در دوره‌ی جنگ (دفاع)، کشور ما منابع مادی و انسانی بسیاری را از دست داد و سطح رفاه و برخورداری نسبت به گذشته کم‌تر شد اما با اتکا به نیروهایی که در جنگ - چه جبهه و چه پشت جبهه - توانایی‌های زیادی کسب کرده بودند، به رغم تداوم تحریم‌های اقتصادی، در «دوره‌ی سازندگی» بازسازی را آغاز کرد و با اجرای «برنامه‌های توسعه‌ی اول و دوم» گام‌های اصلی را در جهت بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای توسعه‌ی بعدی برداشت.

### بررسی کنید



— در درس بعدی، نمودارهایی از بعضی شاخص‌های توسعه‌ی ایران در  
چهل سال گذشته ارائه شده است. با مروری بر این نمودارها، تأثیر جنگ را بر  
این شاخص‌ها نشان دهید.

— توفیق‌ها و ناکامی‌های ایران را در زمینه‌ی شاخص‌های مذکور در دوره‌ی  
بعد از جنگ بررسی کنید.

— به نظر شما، به رغم خسارت‌های سنگین جنگ بر تأسیسات زیربنایی  
کشور، چه عواملی موجب کسب موفقیت‌های بعد از جنگ بوده است. در این  
باره گفت‌وگو کنید.

— با توجه به حجم ۱۰۰۰ میلیاردی خسارات جنگ (که معادل سال‌های  
بسیار درآمد نفت ایران است)، داوری شما درباره‌ی این موفقیت‌ها چیست؟ آن  
را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ قابل تحسین، قابل قبول یا کم‌تر از حدّ مورد انتظار؟  
چرا؟

### درس را خلاصه کنید.



.....

.....

.....

## جایگاه ایران در نظام جهانی

گفت و گو کنید



در صفحات بعدی این درس، نمودارهایی ارائه شده است که در آن‌ها:  
الف – روند توسعه‌ی ایران در چهل سال اخیر، در بعضی زمینه‌ها نشان داده شده است.

ب – جایگاه ایران از جهات مختلف با چهار گروه از کشورهای «دارای درآمد بالا»، «دارای درآمد متوسط بالا»، «دارای درآمد متوسط پایین» و «دارای درآمد پایین» مقایسه شده است.

پ – وضعیت ایران با مجموعه‌ای از کشورهای منطقه (همسایگان، آسیای میانه، خاور میانه، شمال آفریقا و ...) در بعضی شاخص‌های توسعه مقایسه شده است.

با مروری بر نمودارها، درباره‌ی جایگاه ایران در منطقه و جهان و علل احتمالی جایگاه کنونی ایران در زمینه‌های مختلف بحث کنید.

### توسعه و جایگاه جوامع در نظام جهانی

همان‌طور که در درس‌های گذشته اشاره کردیم، توسعه مسیری است که از طریق آن، کشورها می‌توانند جایگاه خود را در نظام جهانی تغییر دهند. چنان‌که بازماندن از توسعه و کندشدن روند آن، با تقلیل جایگاه کشورها در سلسله مراتب قدرت و ثروت جهانی همراه است؛ زیرا همان‌طور که در کتاب «اقتصاد» خوانده‌اید، «رشد» به معنای افزایش تولید و «توسعه» به معنای به کارگیری روش‌های بهتر و فناوری مناسب‌تر با هدف افزایش ظرفیت

تولیدی است. افزایش ظرفیت‌های تولید و به تبع آن تولید بیش‌تر، به افزایش ثروت و قدرت یک جامعه منجر می‌شود؛<sup>۱</sup> بنابراین، اگر بخواهیم درباره‌ی جایگاه ایران در نظام جهانی داوری کنیم، لازم است روند توسعه در ایران را مورد بررسی قرار دهیم.

## توسعه‌ی ایران بعد از انقلاب

همان‌طور که در درس قبلی اشاره کردیم، در طول سده‌ی گذشته، تلاش‌های زیادی برای توسعه‌ی ایران صورت گرفته است. اولین تلاش منظم در این زمینه در دوره‌ی حکومت رضاشاه با عنوان «صنعتی‌شدن» و «نوسازی» ایران صورت پذیرفت. در دوره‌ی پهلوی دوم، نیز می‌توان از تلاش‌هایی یاد کرد که عمدتاً در دهه‌های ۳۰، ۴۰ و ۵۰ شمسی، با اجرای برنامه‌های عمرانی (اول تا پنجم) انجام گرفت.

بعد از انقلاب، هشت سال جنگ تحمیلی، امکان اجرای برنامه‌های توسعه را از بین برد؛ زیرا در شرایطی که موجودیت و حاکمیت ملی ایران از سوی کشوری خارجی تهدید می‌شد و در شرایط تحریم اقتصادی که از سوی کشورهای مرکز اعمال می‌شد، تلاش و همت دولت ما مصروف اداره‌ی جنگ و تأمین حداقل شرایط برای زیست عموم مردم می‌شد.

اولین برنامه‌ی توسعه‌ی کشور بعد از پایان جنگ و از سال ۱۳۶۸ (تا ۱۳۷۲) و بعد از آن برنامه‌ی دوم توسعه (۱۳۷۸ - ۱۳۷۴) و برنامه‌ی سوم توسعه (۱۳۸۳ - ۱۳۷۹) اجرا شد و از سال ۱۳۸۴ برنامه‌ی چهارم توسعه در حال اجراست.

توسعه‌ی ایران، در طول دوره‌ی اجرای این برنامه‌ها، با چالش‌هایی مواجه بوده است؛ یکی از این چالش‌ها، خرابی‌های ناشی از جنگ بود. در کنار این مشکل باید از چالش تحریم اقتصادی و محدودیت‌هایی یاد کرد که کشورهای مرکز و به ویژه آمریکا علیه ایران اعمال کرده‌اند. با مواردی از این محدودیت‌ها، در دروس گذشته آشنا شدید.

---

۱- باید توجه داشت که در ارزیابی قدرت کشورها، عوامل دیگری نیز دخالت دارند و قدرت کشورها فقط بر مبنای ثروت آن‌ها سنجیده نمی‌شود؛ چنان‌که چین و هند در دهه‌های گذشته، از نظر توسعه، جزء کشورهای توسعه‌نیافته یا کم‌درآمد بودند، اما به دلیل برخورداری از نیروی نظامی و ادوات جنگی قابل توجه، در ردیف کشورهای قدرتمند در سطح منطقه‌ای و جهانی محسوب می‌شدند.

چالش سومی که در برابر توسعه‌ی ایران قرار داشت، رشد سریع جمعیت بود. دو برابر شدن جمعیت در طول بیست و اندی سال و وجود رشد ۳ درصدی که از دهه‌ی ۱۳۴۰ شروع شده بود و تا اوایل دهه‌ی ۱۳۷۰ ادامه یافت، عاملی بود که روند توسعه را با دشواری مواجه می‌کرد؛ زیرا این رقم رشد موجب آن می‌شد تا سهم زیادی از تولید کشور، صرف هزینه‌های جمعیت غیرفعال (زیر سن فعالیت اقتصادی) شود و میزان انباشت سرمایه کاهش یابد.

به رغم این چالش‌ها، در این دوره‌ی شانزده ساله، ایران توانسته است به رشد اقتصادی ۶-۷ درصدی در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ برسد. از لحاظ ایجاد زیرساخت‌ها نیز شرایط فراهم شده که ایران را در آستانه‌ی نوعی «جهش اقتصادی» قرار داده است. نمودارهایی که در صفحات آینده ارائه شده، روند توسعه‌ی ایران را در طول چهل سال و بیش‌تر بر مبنای بعضی از شاخص‌های توسعه که توسط بانک جهانی تدوین شده است، نشان می‌دهد.

### روند توسعه‌ی ایران در طول چهل سال گذشته

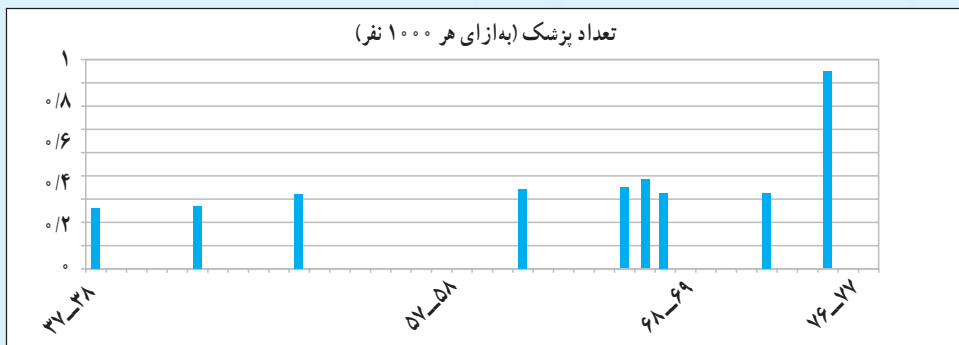
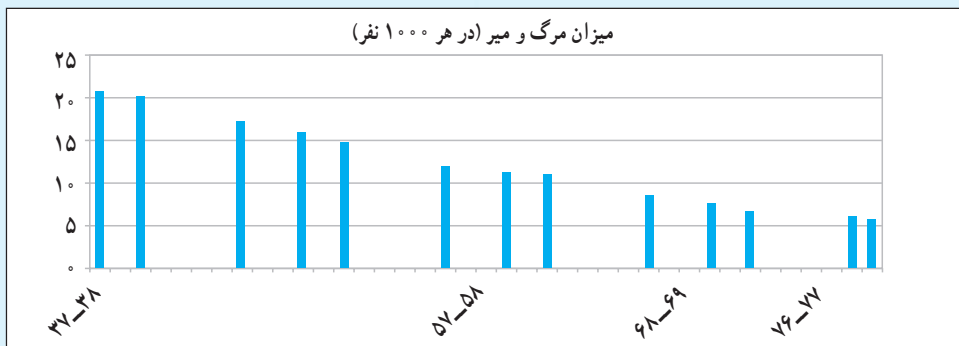
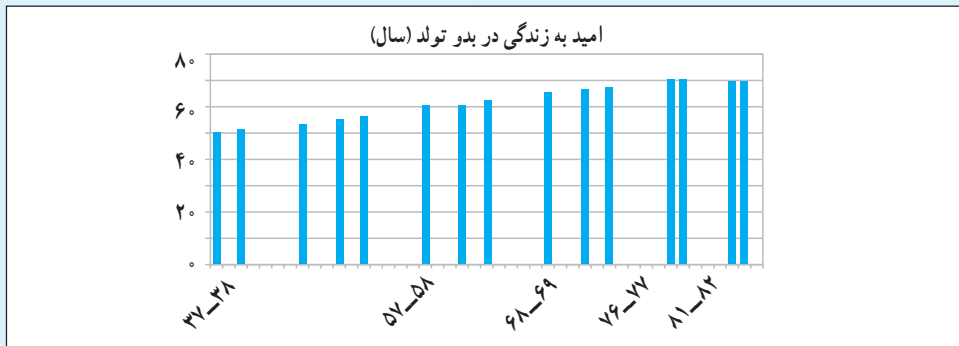
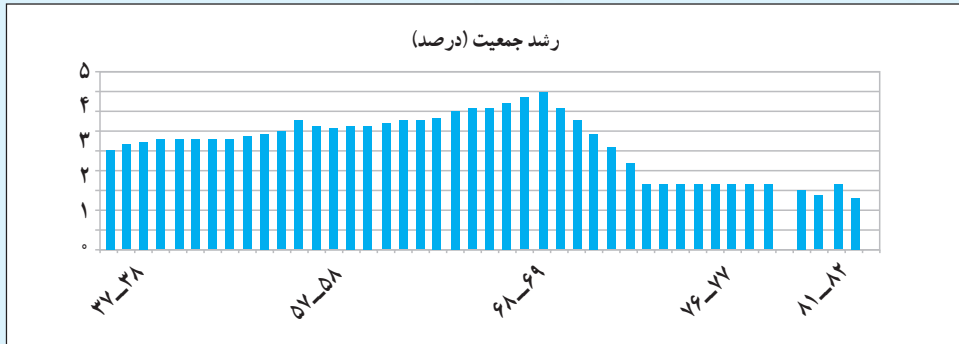
**توضیح:** اطلاعات این قسمت از بانک داده‌های WDI متعلق به گروه بانک جهانی گرفته شده است. تاریخ‌های میلادی به هجری شمسی تبدیل شده‌اند و برای ساده‌تر شدن نمودارها، تاریخ چند مقطع زمانی در نمودار آمده است اما داده‌ها مربوط به هر سال است. گفتنی است برای تعدادی از سال‌ها، نمودار میله‌ای ترسیم نشده است که دلیل آن، فقدان اطلاعات در زمینه‌ی آن شاخص در آن سال‌هاست.

برای دستیابی به اطلاعات کامل و مشاهده‌ی شاخص‌های دیگر می‌توانید به نشانی‌های زیر مراجعه کنید.

<http://www.ieicenter.com/Statistics/wdi.asp>

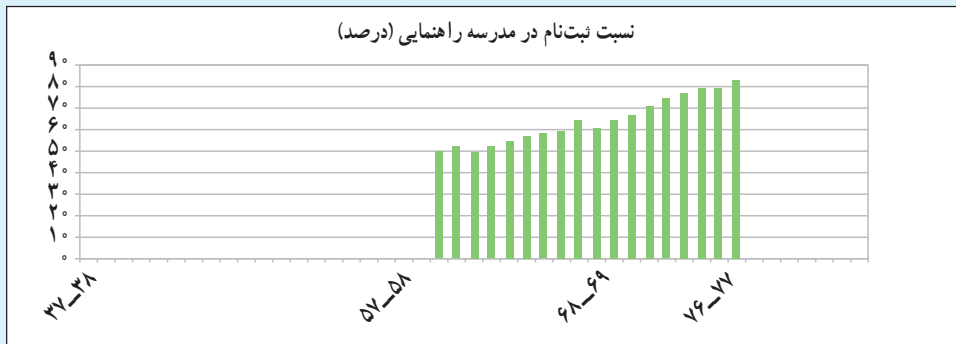
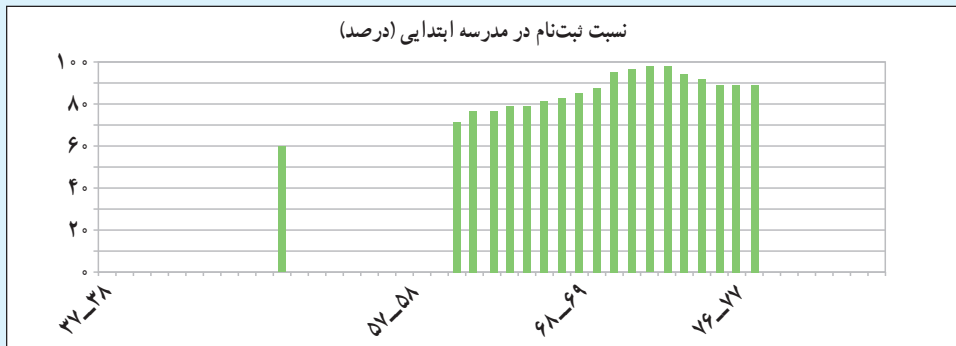
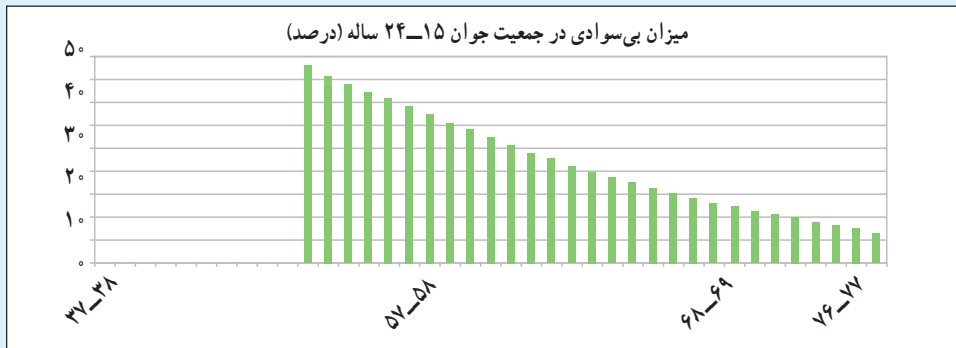
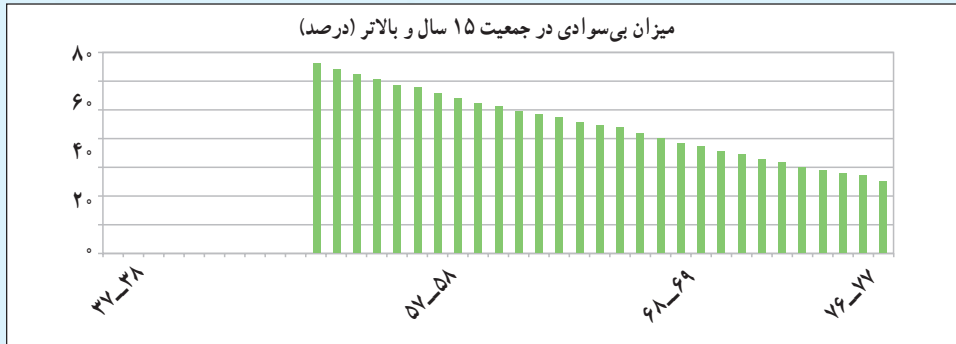
<http://devdata.worldbank.org/data-query/>

## جمعیت و سلامت

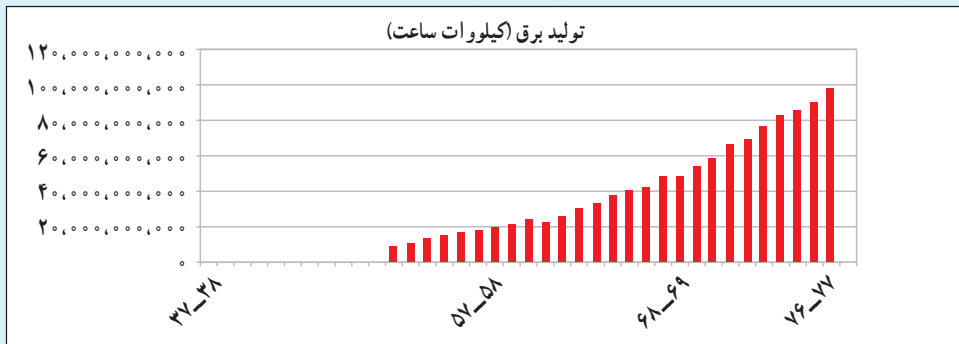
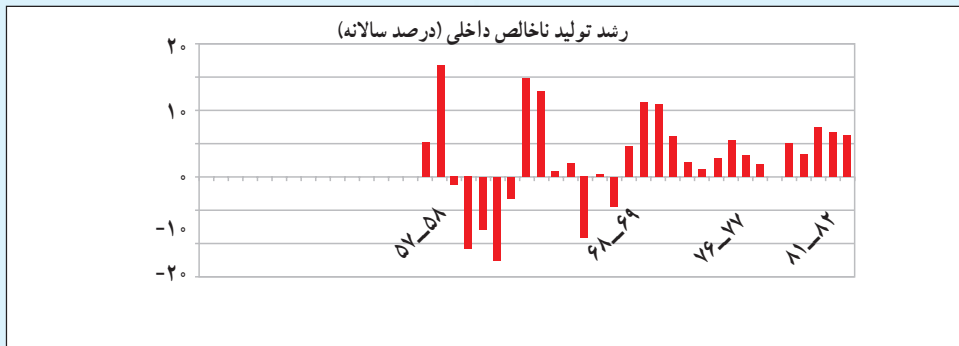
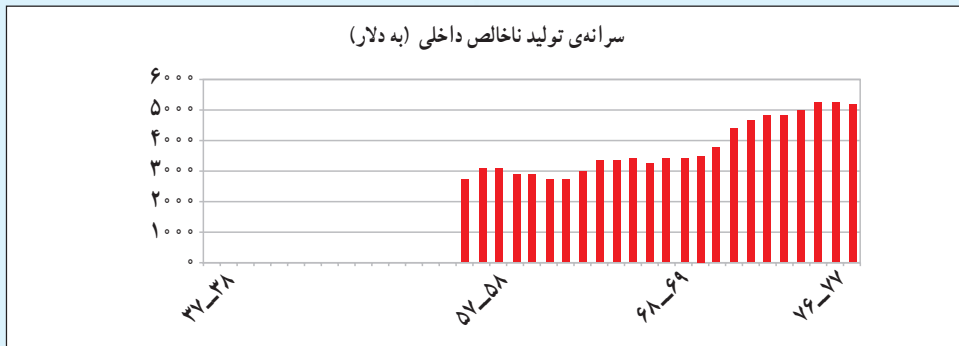
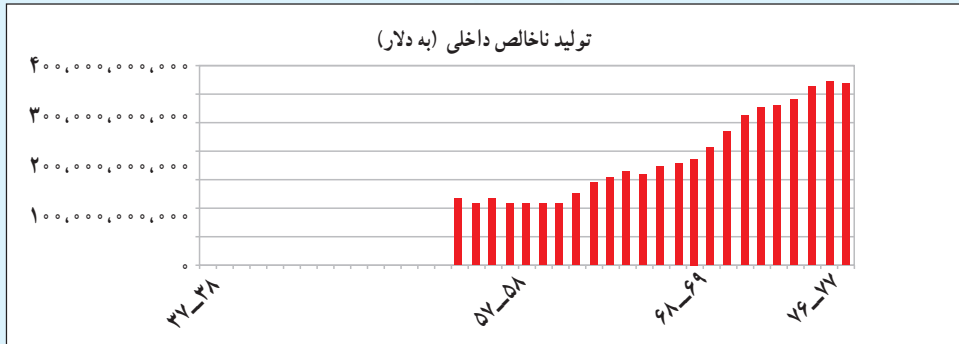




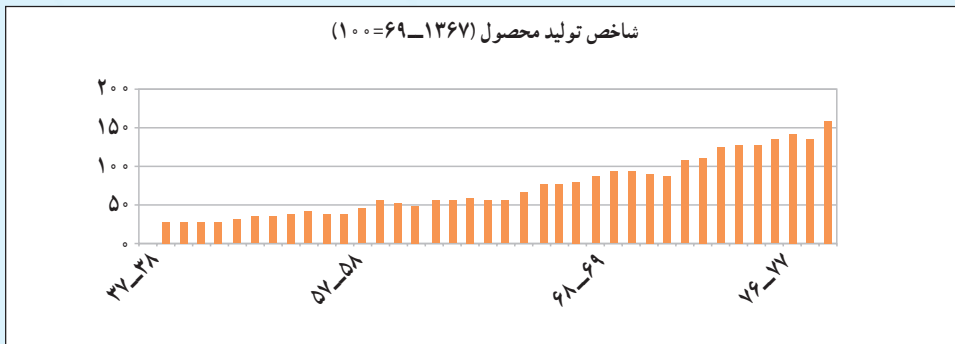
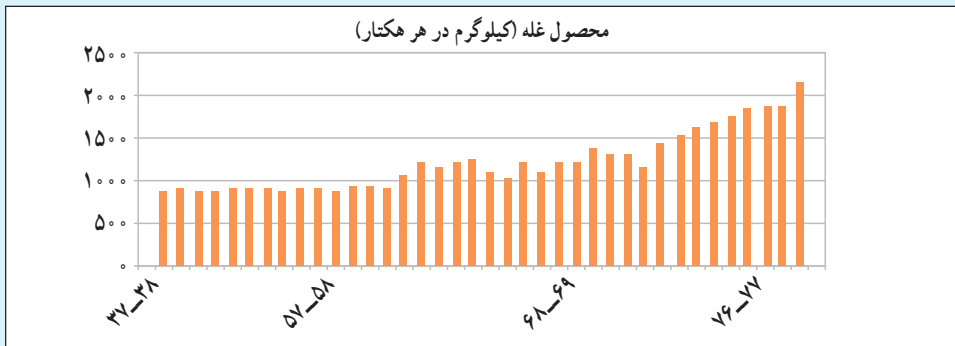
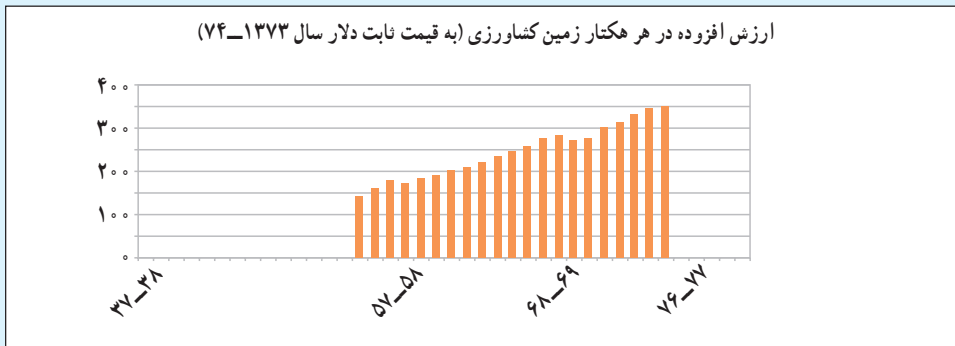
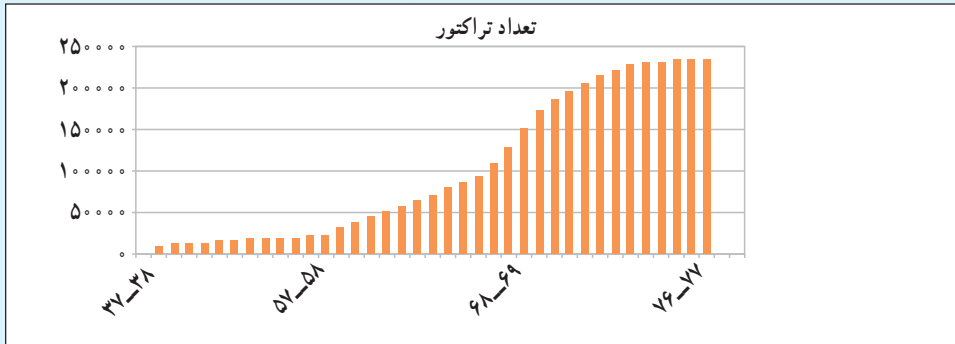
## سواد و آموزش و پرورش



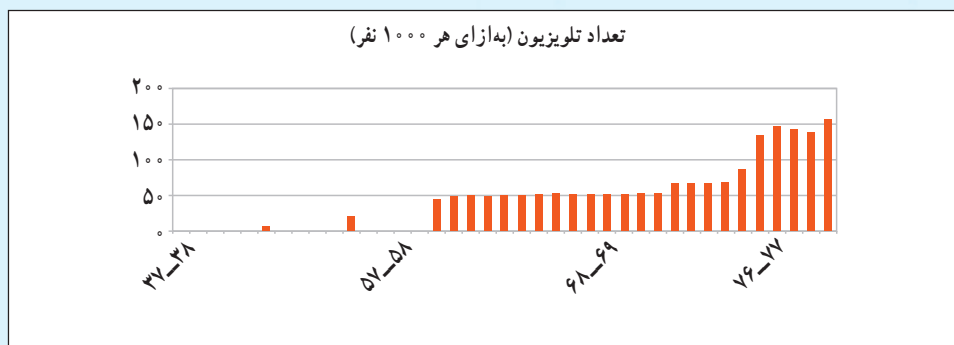
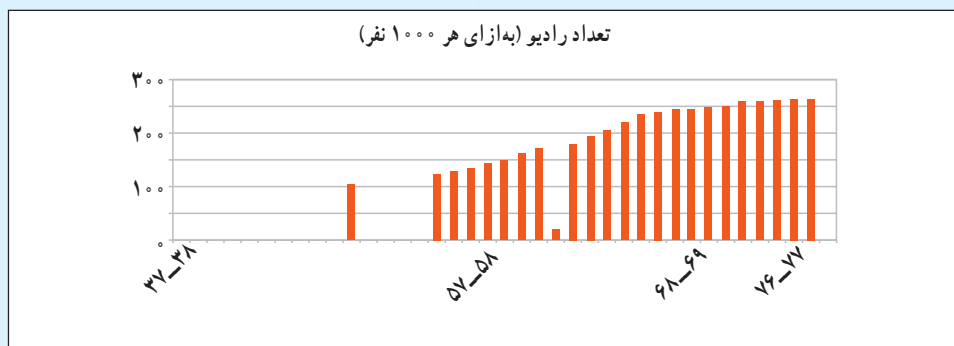
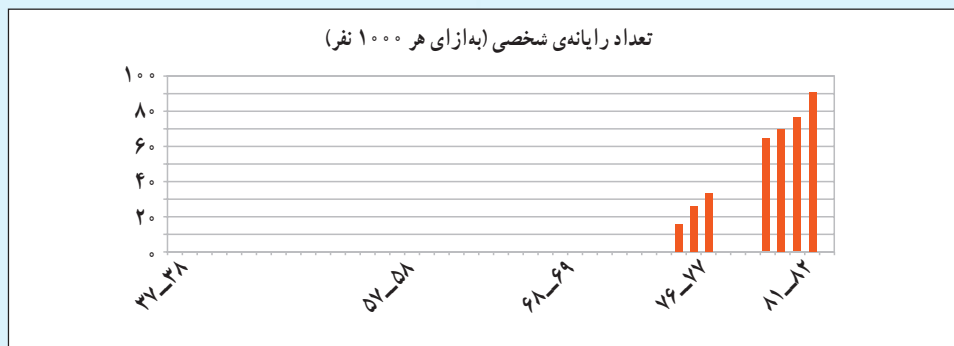
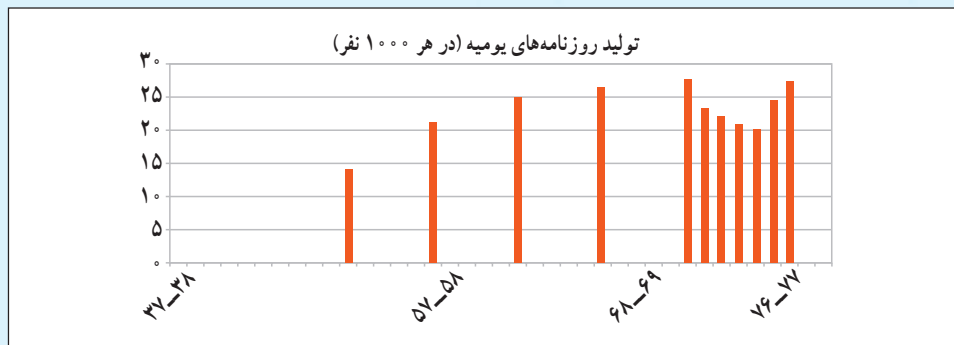
## اقتصاد



## کشاورزی



## فرهنگ و ارتباطات



## جایگاه ایران در نظام جهانی

تجربه‌ی نرخ رشد ۶ تا ۷ درصد در سال و قرارگرفتن در آستانه‌ی جهش اقتصادی، به معنای آغاز راهی برای تغییر موقعیت ایران در نظام جهانی است که در آن، جایگاه خود را به عنوان «نیمه پیرامونی» تثبیت می‌کند.

ایران این موقعیت را در شرایطی کسب می‌کند که کشورهای مرکز انواع محدودیت‌ها را بر سر راه توسعه‌ی ایران ایجاد کرده‌اند. هم‌چنین، در شرایطی به این موقعیت دست می‌یابد که بر هویت ایرانی - اسلامی خویش تأکید می‌کند و در زمینه‌ی فرهنگی، به عنوان وارث تمدن ایرانی - اسلامی با تمدن‌های دیگر به گفت‌وگو پرداخته است.

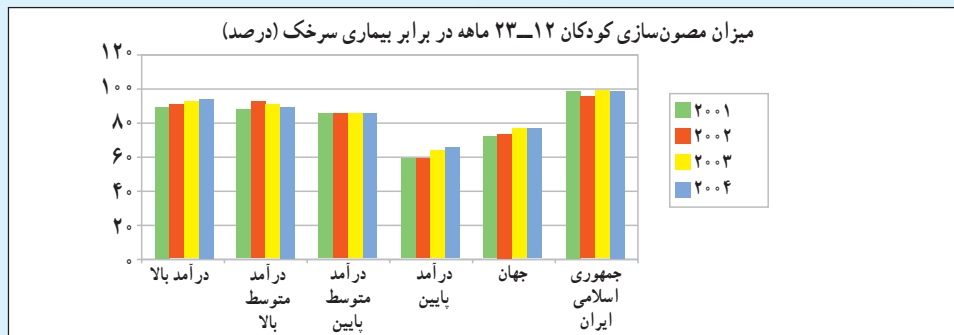
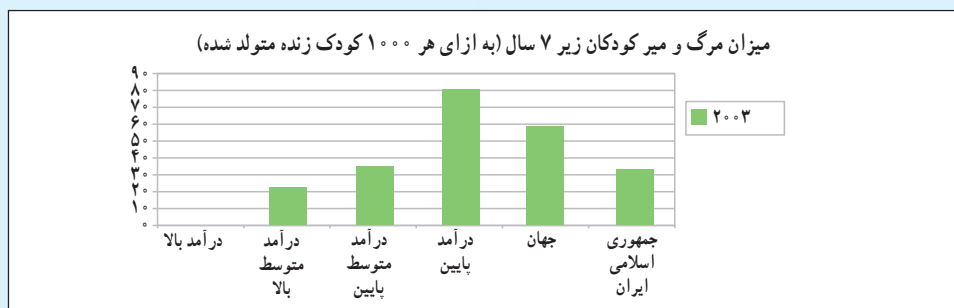
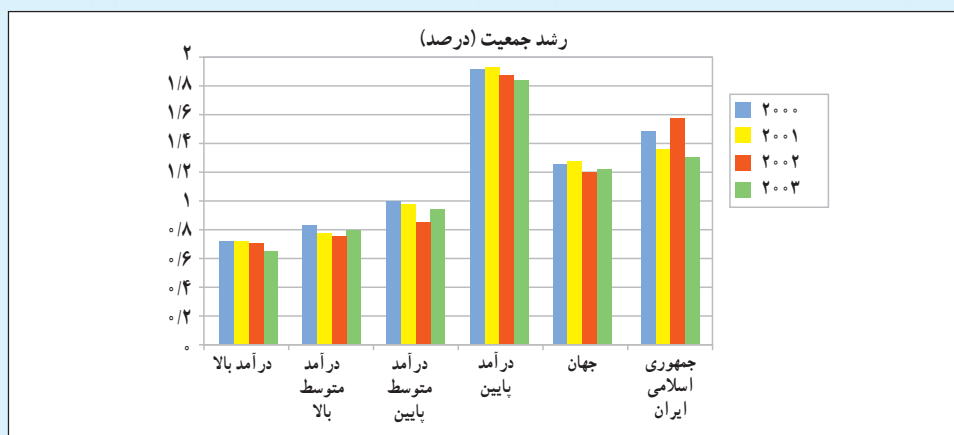
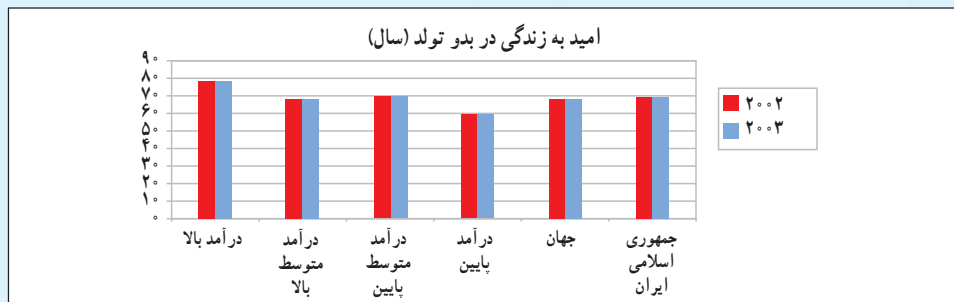
ایران اسلامی در حالی مسیر توسعه‌ی اقتصادی خویش را می‌پیماید که در زمینه‌ی فرهنگ توانسته است در سطح جهان، خود را به عنوان کشوری دارای سیمایی خاص در کنار کشورهایی چون آمریکا و فرانسه مطرح کند.

برای تشخیص جایگاه ایران در جهان، می‌توان به داده‌های بانک جهانی درباره‌ی شاخص‌های توسعه مراجعه کرد. ایران در بعضی از این شاخص‌ها با چهار گروه از کشورها شامل کشورهای «دارای درآمد بالا» (عمدتاً کشورهای مرکز)، «دارای درآمد متوسط بالا» (عمدتاً نیمه پیرامونی‌های ثروتمند)، «دارای درآمد متوسط پایین» (نیمه پیرامونی‌های ضعیف و پیرامونی‌های قوی) و «دارای درآمد پایین» در سال‌های ۲۰۰۰ و بعد از آن، مقایسه شده است. هم‌چنین، شاخص جهانی هم ارائه شده است تا موقعیت ایران نسبت به متوسط جهانی هر شاخص مشخص شود. نمودارها را مرور کنید.

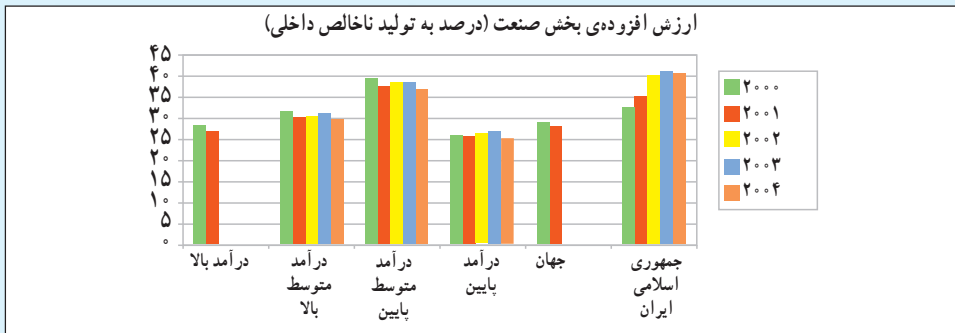
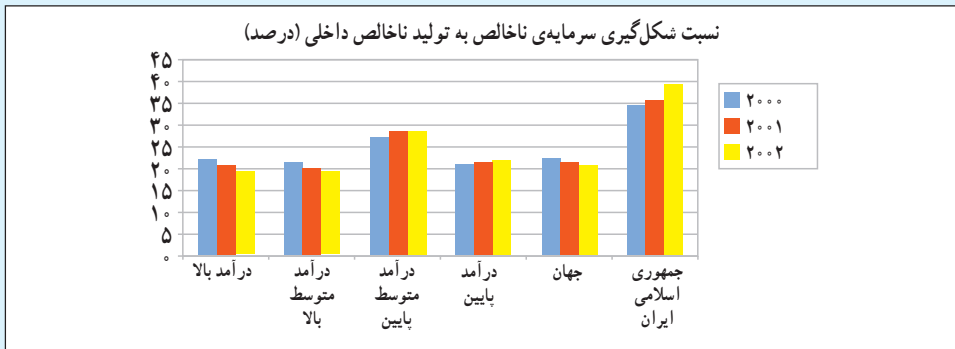
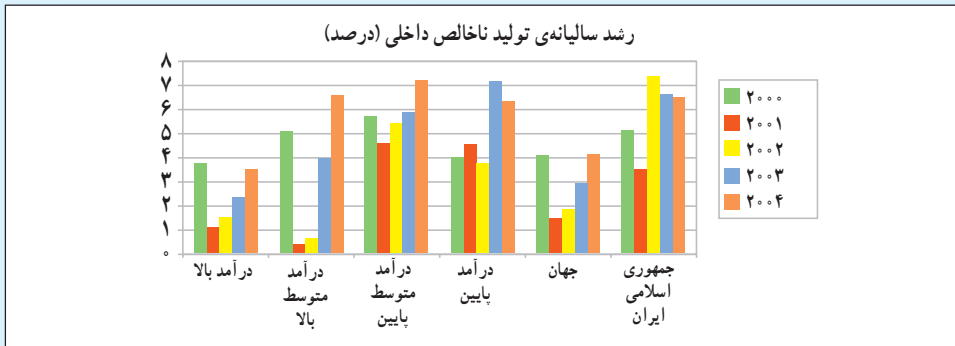
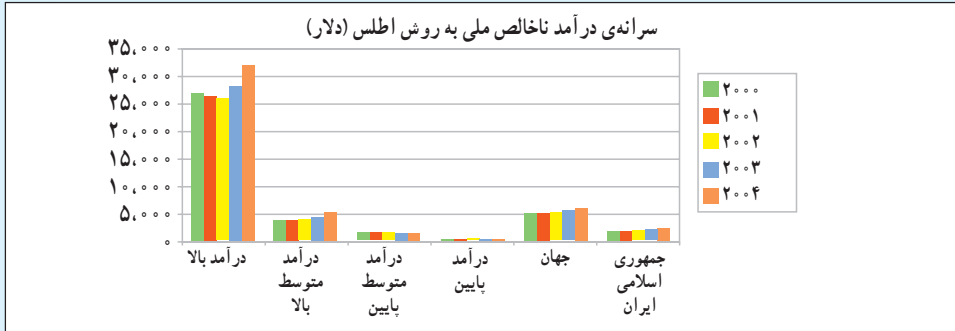
برای دستیابی به سایر شاخص‌ها و اطلاعات بیش‌تر، می‌توانید به نشانی زیر مراجعه کنید.

<http://devdata.worldbank.org/data-query/>

## جمعیت و سلامت

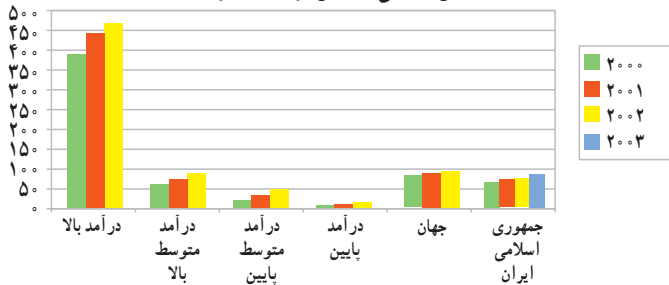


## اقتصاد

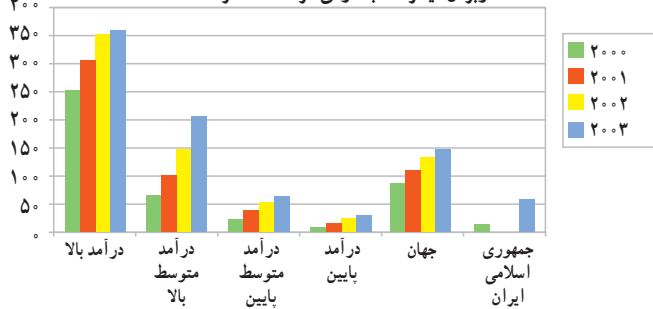


## ارتباطات و تعلیم و تربیت

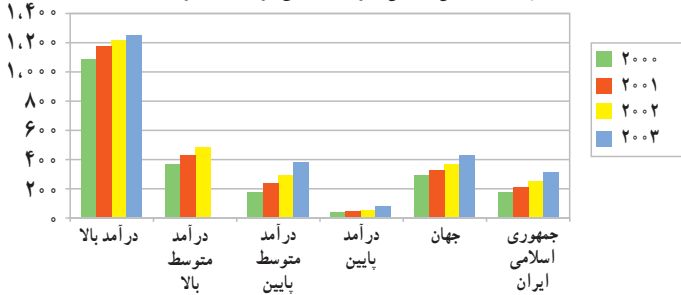
تعداد رایانه‌ی شخصی (به ازای هر ۱۰۰۰ نفر)



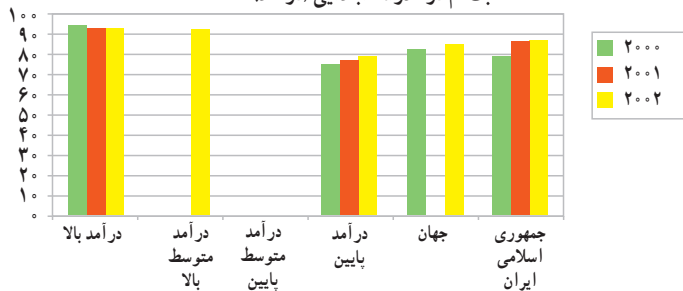
تعداد کاربران اینترنت (به ازای هر ۱۰۰۰ نفر)



تعداد خطوط ثابت تلفن و تلفن همراه (به ازای هر ۱۰۰۰ نفر)

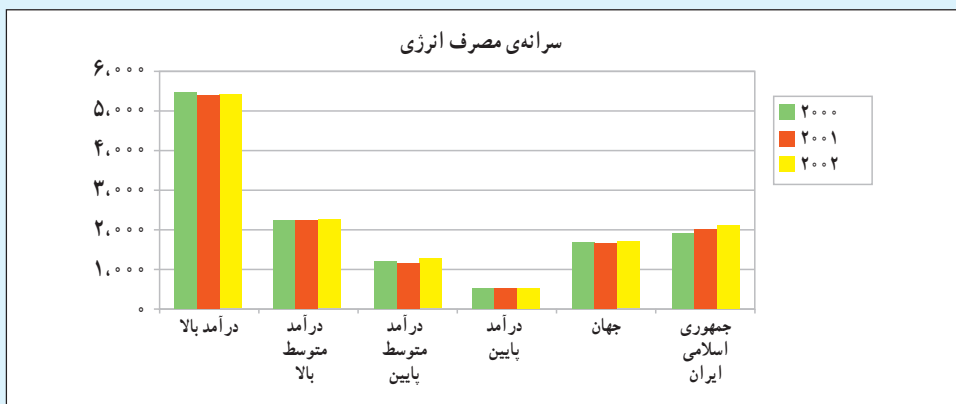
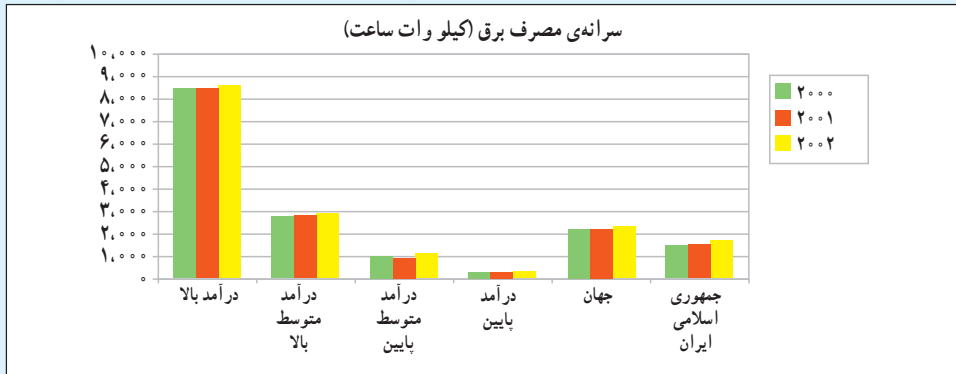


ثبت‌نام در مدرسه ابتدایی (درصد)





## مصرف انرژی



## چشم انداز بیست ساله و جایگاه ایران در منطقه

با توجه به توفیقاتی که در طول ۱۶ سال اجرای برنامه‌های توسعه نصیب ایران شده، سند چشم انداز بیست ساله‌ی توسعه‌ی ایران برای سال‌های ۱۳۸۴-۱۴۰۴، در سال ۱۳۸۲ تدوین و مسیر توسعه‌ی آینده‌ی ایران مشخص شده است. در این سند چنین آمده است:

«در چشم انداز بیست ساله،

ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین الملل.»

براساس این راهبرد، ایران در بیست سال آتی، ضمن حفظ هویت اسلامی و انقلابی خود، باید جایگاه اول را در زمینه‌ی اقتصاد، علم و فناوری در منطقه پیدا کند.



جمهوری اسلامی ایران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی»

با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه ریزی شده و مدبرانه‌ی جمعی و در مسیر تحقق آرمانها و اصول قانون اساسی، در چشم‌انداز بیست ساله:

ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل.

جامعه‌ی ایرانی در افق این چشم‌انداز چنین ویژگیهایی خواهد داشت:

- توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، و متکی بر اصول اخلاقی و ارزشهای اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر: مردم سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادیهای مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسانها، و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی.
- برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی.

○ امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه جانبه و پیوستگی مردم و حکومت.

سید علی خامنه‌ای



## جمهوری اسلامی ایران

- برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصتهای برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب.
- فعال، مسئولیت‌پذیر، اینارگر، مؤمن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه‌ی تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن.
- دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه‌ی آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاور میانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقاء نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل.
- الهام بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه‌ی کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره).
- دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت.
- ملاحظه: در تهیه، تدوین و تصویب برنامه‌های توسعه و بودجه‌های سالیانه، این نکته مورد توجه قرار گیرد که: شاخصهای کمی کلان آنها از قبیل: نرخ سرمایه‌گذاری، درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی، نرخ اشتغال و تورم، کاهش فاصله درآمد میان دهک‌های بالا و پایین جامعه، رشد فرهنگ و آموزش و پژوهش و تواناییهای دفاعی و امنیتی، باید متناسب با سیاستهای توسعه و اهداف و الزامات چشم انداز، تنظیم و تعیین گردد و این سیاستها و هدفها به صورت کامل مراعات شود.

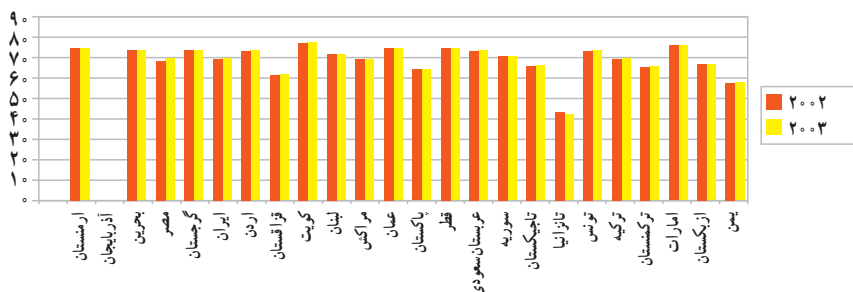
منبع: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی قابل دسترسی از نشانی زیر:

<http://www.mporg.ir/barnameh4/ebلاغ.htm>

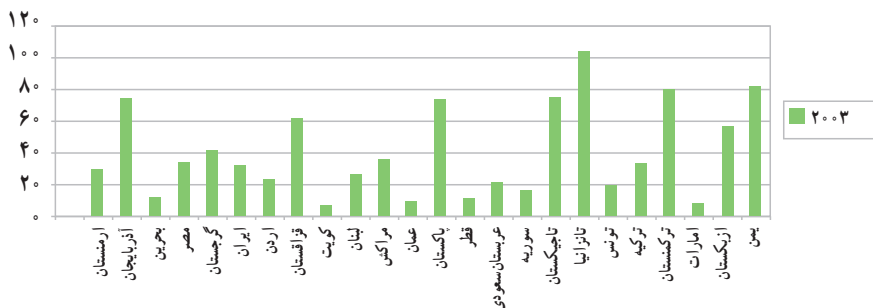
برای این که مشخص شود در سال‌های آینده چه راهی را باید بپیماییم، در نمودارهای صفحات بعد، موقعیت ایران در سال ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ بین مجموعه‌ای از کشورهای همسایه (جز عراق که اطلاعات مربوط به آن موجود نبود)، بعضی از کشورهای آسیای میانه، خاور میانه، شمال آفریقا و آسیای جنوبی، در بعضی از شاخص‌های توسعه نشان داده شده است. با مرور این نمودارها، می‌توان تصویر روشن‌تری از موقعیت کنونی ایران و جایگاهی که باید به آن برسد، به دست آورد.

## جایگاه ایران در منطقه جمعیت و سلامت

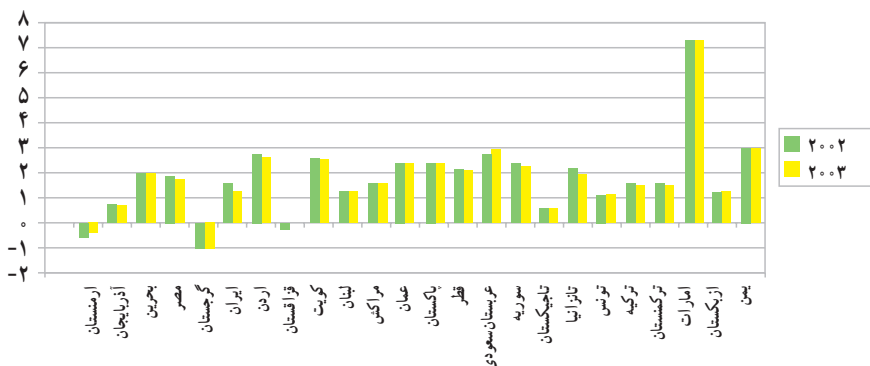
امید به زندگی در بدو تولد (سال)



میزان مرگ و میر کودکان زیر ۷ سال (به ازای هر ۱۰۰۰ کودک زنده متولد شده)

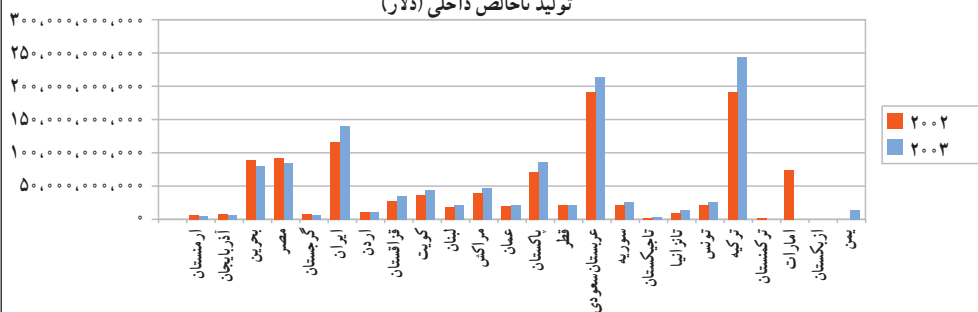


رشد جمعیت (درصد)

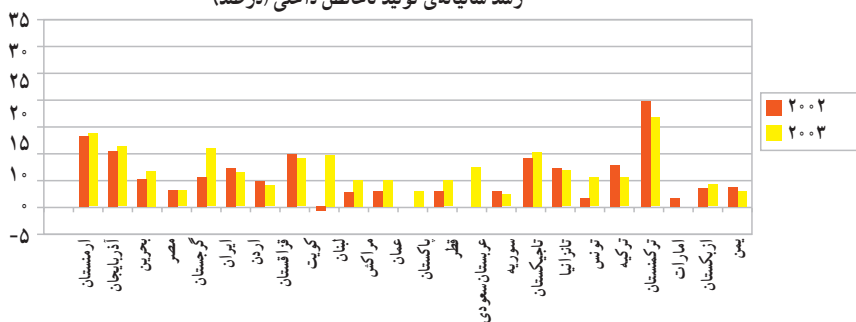


## اقتصاد

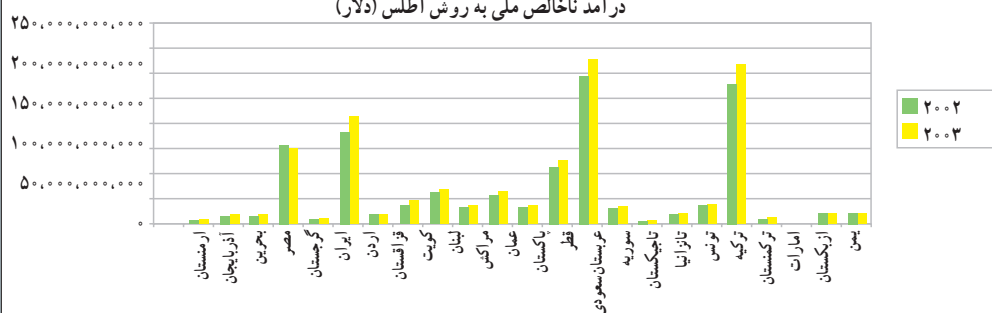
تولید ناخالص داخلی (دلار)



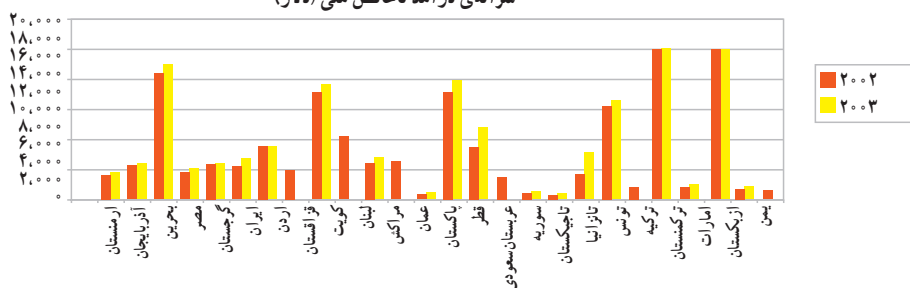
رشد سالیانه تولید ناخالص داخلی (درصد)



درآمد ناخالص ملی به روش اتپس (دلار)

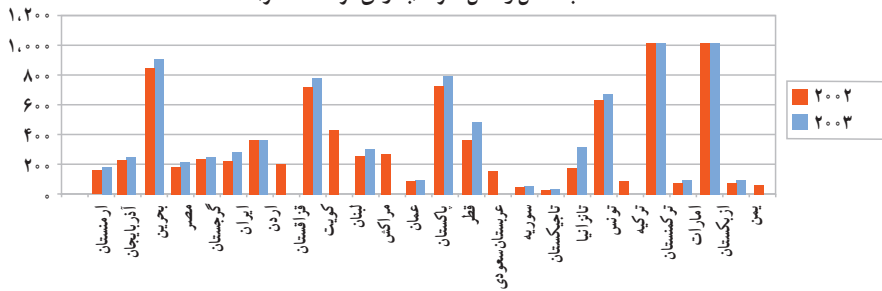


سرانه درآمد ناخالص ملی (دلار)

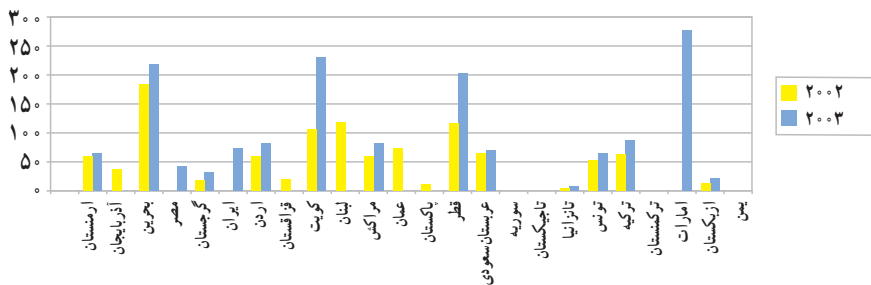


## فرهنگ و ارتباطات

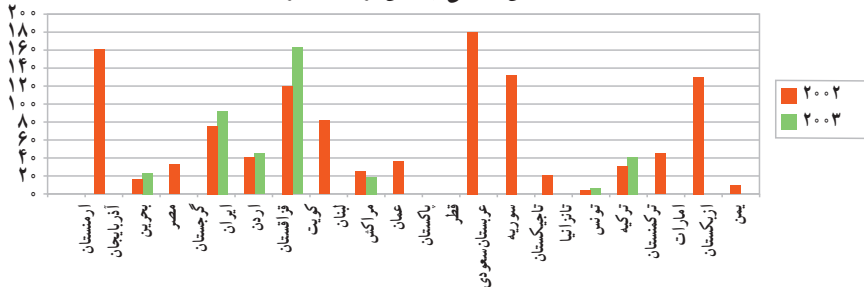
تعداد خط ثابت تلفن و تلفن همراه (به ازای هر ۱۰۰۰ نفر)



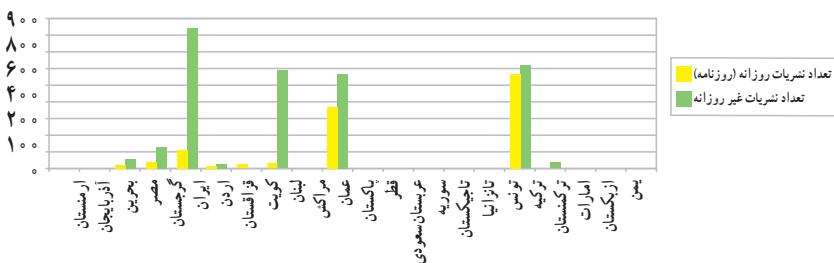
تعداد کاربران اینترنت (به ازای هر ۱۰۰۰ نفر)



تعداد رایانه‌ی شخصی (به ازای هر ۱۰۰۰ نفر)



تعداد نشریات منتشره در سال ۱۹۹۹



### تحقیق کنید



با توجه به مطالبی که در درس‌های مختلف با آن‌ها آشنا شدید، درباره‌ی یکی از موضوعات زیر تحقیق کنید.

— تحریم‌های کشورهای مرکز چه تأثیری بر توسعه‌ی ایران داشته است و در صورتی که ادامه یابد، بر تحقق چشم‌انداز بیست‌ساله چه تأثیری خواهد داشت؟

— با توجه به سطح توسعه‌ی ایران، ورود سرمایه‌گذاری خارجی چه تأثیری بر روند توسعه‌ی ایران خواهد داشت؟ آیا مانند کشورهای هند و چین موجب سرعت یافتن روند توسعه می‌شود یا مانند کشورهای صحرای آفریقا، موجب عقب‌افتادگی بیش‌تر می‌شود؟ در این باره استدلال کنید.

— عضویت در سازمان تجارت جهانی چه پیامدهایی برای توسعه‌ی ایران دارد؟

— با توجه به اطلاعاتی که از نمودارها به دست آورده‌اید و اطلاعات شخصی که درباره‌ی کشورهای منطقه دارید، به نظر شما رقبای عمده‌ی ایران در سطح منطقه چه کشورهایی‌اند؟ مزایای ایران برای پیشی گرفتن بر این کشورها چیست؟

— چه عواملی ممکن است تحقق چشم‌انداز را با مشکل مواجه کنند؟

### درس را خلاصه کنید



.....

.....

.....



## توضیح چند واژه

### اندازه‌گیری دخل و خرج ملی (تولید ناخالص ملی، تولید ناخالص داخلی و ...)

اندازه‌های دخل و خرج ملی که توسط اقتصاددانان مورد استفاده قرار می‌گیرد، برای تخمین ارزش کالاها و خدمات تولید شده در یک اقتصاد است و از آن به عنوان حساب‌های ملی (national account و national accounting) یاد می‌شود. بعضی از مهم‌ترین ابزارهای اندازه‌گیری، «تولید ناخالص ملی» (GNP)، «تولید ناخالص داخلی» (GDP)، «درآمد ناخالص ملی» (GNI)، «تولید خالص ملی» (NNP)، و «درآمد خالص ملی» (NNI) است.

برای محاسبه‌ی این اعداد، حداقل دو یا سه راه وجود دارد. «رویکرد هزینه‌ای» (penditure approach) یا «تقاضای کل» (aggregate demand) هزینه‌ی ناخالص ملی را با جمع کردن مصرف، سرمایه‌گذاری، هزینه‌های دولتی / حکومتی و صادرات خالص تعیین می‌کند. در سوی دیگر، «رویکرد درآمدی» قرار دارد که با «رویکرد برون‌داد» خیلی نزدیک است و در آن، مصرف، پس‌انداز و مالیات‌دهی با هم جمع می‌شود. روش‌ها باید به نتیجه‌ی واحدی برسند؛ زیرا کل هزینه‌ی کالا و خدمات (GNE) باید مساوی با ارزش کالاها و خدمات تولید شده (GNP) و هر دو باید مساوی با کل درآمد پرداخت شده برای عواملی باشد که این کالاها و خدمات با آن تولید شده است (GNI).

در واقعیت هم تفاوت کمی بین نتیجه‌ی کاربرد این روش‌ها وجود دارد. این امر به دلیل آن است که ممکن است کالاهایی تولید شوند و بنابراین جزئی از تولید ناخالص داخلی باشد اما به فروش نرسیده باشد و در نتیجه، در (GNI) به حساب نیاید. همین‌طور، ممکن است زمان سبب شود تا تفاوت اندکی در ارزش کالاها و خدمات (GDP) و پرداخت برای عوامل تولید کالاها ایجاد شود.

**تولید ناخالص ملی**، عبارت است از مجموع ارزش کالاها و خدمات نهایی تولید شده در یک سال توسط مردم یک کشور (شامل منافع حاصل از سرمایه‌گذاری در خارج از مرزها). کالاهای نهایی کالاهایی‌اند که در نهایت مصرف می‌شوند تا در تولید کالای دیگری مورد استفاده قرار گیرند. فقط کالاهای نو تولید شده محاسبه می‌شود. تغییر در کالاهای موجود، مانند کالاهای دست دوم، در محاسبه وارد نمی‌شود.

**ارزش‌های اسمی و واقعی**، تولید ناخالص ملی اسمی، ارزش برون‌داد را در یک سال معین با استفاده از قیمت‌های غالب در آن سال اندازه‌گیری می‌کند؛ در حالی که در طول زمان، سطح عمومی قیمت‌ها بر اثر تورم افزایش می‌یابد. این امر سبب می‌شود تا تولید ناخالص ملی، به‌رغم این که سطح کالاها و خدمات بدون تغییر باقی مانده، افزایش یابد. تولید ناخالص ملی واقعی، ارزش برون‌داد را در دو یا چند سال مختلف از طریق ارزش‌گذاری کالاها و خدمات با تورم سازگار شده، اندازه‌گیری می‌کند؛ برای مثال، اگر تولید ناخالص ملی اسمی و سطح قیمت بین ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵ دو برابر شده باشد، تولید ناخالص ملی واقعی یکسان باقی خواهد ماند. تولید ناخالص ملی بیش‌تر شاخصی برای محاسبه‌ی میانگین ثروت محسوب می‌شود.

**سرانه‌ی تولید ناخالص ملی**، اغلب به عنوان اندازه‌ی رفاه مردم به کار می‌رود.

**درآمد**، بخشی از تولید ناخالص ملی به حساب می‌آید، برحسب این که چه کسی مالک عوامل تولید است تا این که تولید در کجا انجام می‌شود؛ برای مثال، منافع حاصل از کارخانه‌ی خودروسازی که مالکیت آن متعلق به یک آلمانی است اما در آمریکا مستقر است، بخشی از تولید ناخالص ملی آلمان محسوب می‌شود. اما همین مورد، جزء تولید ناخالص داخلی آمریکا محسوب می‌شود. در مورد دستمزد کارگرانی هم که در خارج زندگی می‌کنند نیز این امر صادق است.

**تولید ناخالص داخلی**، کل ارزش کالاها و خدمات نهایی در درون مرزهای یک کشور در یک سال است. برای تبدیل تولید ناخالص ملی به تولید ناخالص داخلی باید عامل درآمدی را که از خارج حاصل شده است، تفکیک کرد و درآمدی را که به خارج ارسال می‌شود، به آن اضافه کرد.

**استهلاک**، تمام تولید ناخالص ملی برای تولید کالاها و خدمات مورد استفاده قرار نمی‌گیرد بلکه بخشی از آن برای حفظ قابلیت تولیدگری ملی کنار گذاشته می‌شود. کالاهای سرمایه‌ای، مانند ساختمان‌سازی و ماشینی‌کردن، ارزش از دست رفته برای فرسودگی است.

استهلاک مقداری از تولید ناخالص ملی را اندازه‌گیری می‌کند که باید صرف کالاهای سرمایه‌ی جدید برای از بین بردن فرسودگی شود.

در رویکرد درآمدی، تولید خالص ملی همان تولید ناخالص ملی است منهای استهلاک. درآمد خالص ملی همان تولید خالص ملی است منهای مالیات‌های مستقیم.

### دلار بین‌المللی

دلار بین‌المللی یک واحد فرضیه‌ای است از نقود که همان قدرت خریدی را دارد که دلار آمریکا در آمریکا در یک زمان معین دارد و نشان می‌دهد که یک واحد پول محلی، درون مرزهای یک کشور چه قدر ارزش دارد.

تبدیل ارزها به دلار بین‌المللی با استفاده از «برابری قدرت خرید» محاسبه می‌شود. این شاخص امکان مقایسه‌ی بین دو کشور و یک کشور در طول زمان را فراهم می‌کند.

### محاسبه‌ی درآمد ناخالص ملی به روش اطلس (GNI in US\$ Atlas method)

بانک جهانی «روش اطلس» را برای مقایسه‌ی اندازه‌ی نسبی اقتصادها، مناسب تشخیص داده است و از آن برای طبقه‌بندی کشورها به پایین، متوسط و بالا استفاده می‌کند. در این روش، اولاً رشد تولید و درآمد ناخالص ملی به جای این که بر حسب قیمت ثابت و واحد پولی ملی محاسبه شود، بر مبنای دلار آمریکا محاسبه می‌شود؛ ثانیاً، برای رفع اثرات نوسانات نرخ تبدیل ارز، متوسط نرخ تبدیل سه سال، مبنای قرار می‌گیرد. این امر سبب می‌شود تا اثر نوسانات کوتاه مدت نرخ ارز رفع شود.

### برابری قدرت خرید (PPP/purchasing power parity)

برابری قدرت خرید، تخمینی است از نرخ تبدیل ارزها به یکدیگر که برای یکسان‌سازی قدرت خرید پول و نقود مختلف، قیمت‌های کالا و خدمات در کشورهای گوناگون از آن استفاده می‌شود. این شاخص برای مقایسه‌ی استانداردهای زندگی در دو یا چند کشور ضروری است. زیرا تولید ناخالص داخلی که نرخ تبدیل بازار را مورد استفاده قرار می‌دهد، دقیقاً تفاوت در درآمد و مصرف را اندازه نمی‌گیرد چون نرخ بازار، به طور گسترده نوسان دارد و برابری قدرت خرید فرض

می‌کند که تعادل بلند مدت است که برابری قدرت خرید را مشخص می‌کند؛ برای مثال می‌توان به مقایسه‌ی تولید سرانه‌ی چین با سایر کشورها در دو حالت اشاره کرد. اگر تولید سرانه‌ی داخلی در چین را برحسب دلار آمریکا محاسبه کنیم، ۱۵۰۰ دلار است، اما اگر آن را برحسب برابری قدرت خرید محاسبه کنیم، عدد ۶۲۰۰ دلار به دست می‌آید. این نشان می‌دهد که اگر چه تولید سرانه برای هر چینی برحسب دلار ۱۵۰۰ است اما برحسب قدرت خرید، به اندازه‌ی ۶۲۰۰ دلار است. براین اساس، در مقایسه‌ی کشورها در تولید ناخالص (داخلی یا ملی)، تولید سرانه و اموری نظیر آن، اگر مبنا، برابری قدرت خرید باشد، رتبه‌ی کشورها متفاوت خواهد بود تا زمانی که بر مبنای دلار یا یک ارز دیگر محاسبه شود.

بانک جهانی این روش را برای اندازه‌گیری فقر و غنای کشورها مناسب دیده است.

### ارزش افزوده (value added)

ارزش افزوده ترجمه‌ی value added است که به «مازاد» هم ترجمه می‌شود. این واژه، به ارزش اضافه شده در تولید یک کالا در یک مرحله‌ی خاص تولید اشاره دارد و در تناظر با درآمدی است که نصیب مالکان عوامل تولید (مانند زمین، کار، سرمایه و ...) می‌شود؛ برای مثال، تبدیل سیب به آب میوه ارزش یا قیمت یک سیب را که روی آن کاری انجام نشده است، افزایش می‌دهد.

### شاخص دستاوردهای فناوریانه (تکنولوژیک) (technological Achievement index)

این شاخص برای اولین بار در سال ۲۰۰۱، توسط سازمان ملل در گزارش «شاخص‌های توسعه‌ی انسانی» معرفی و مورد استفاده قرار گرفت.

این شاخص از هشت معرف (indicator) در چهار بُعد ساخته شده است.

۱- «ابداع فناوری» که از طریق محاسبه‌ی سرانه‌ی پتنت (patent) ثبت شده و سرانه‌ی دریافت امتیازات و لیسانس از خارج از کشور اندازه‌گیری می‌شود.

۲- «اشاعه‌ی ابداعات و نوآوری‌های جدید» که با سرانه‌ی تعداد میزبان (host) اینترنت و سهم صادرات فناوری برتر و میانه در کل صادرات کالا محاسبه می‌شود.

۳- «اشاعه‌ی ابداعات و نوآوری‌های کهنه» که با سرانه‌ی تلفن (ثابت و همراه) و سرانه‌ی

مصرف انرژی محاسبه می‌شود.

۴- «مهارت‌های انسانی» که با میانگین سال‌های مدرسه در جمعیت ۱۵ سال و بیش‌تر و میزان ثبت نام خام در دبیرستان محاسبه می‌شود. این شاخص با میانگین ساده‌ی چهار بعد ساخته می‌شود. هر بعد نیز نمره‌ای بین ۰ تا ۱ می‌گیرد؛ به طوری که خود شاخص نیز نمره‌ای بین ۰ تا ۱ دارد.

### تحقیق و توسعه (R&D)

فعالیت تحقیق و توسعه معمولاً توسط واحد تخصصی ویژه‌ی متعلق به یک شرکت، دانشگاه و دولت انجام می‌شود. در زمینه‌ی تجاری، تحقیق و توسعه معمولاً به فعالیت‌های آینده محور و بلند مدت در دانش و فناوری، تحقیق علمی‌ای که نتیجه‌ی آن از قبل تعیین نشده یا تحقیق علمی‌ای که نتیجه‌ی تجاری آن از قبل تعیین شده است، اشاره دارد. هزینه‌های جاری و سرمایه‌ای مصرف شده در زمینه‌ی تحقیق و توسعه را «هزینه‌ی تحقیق و توسعه» (Expenditures for R&D) می‌گویند.

### امید به زندگی در بدو تولد

تعداد متوسط سال‌های زندگی هر فرد را پس از سن صفر، با استفاده از جدول استاندارد «طول عمر»، امید زندگی در بدو تولد می‌نامند. این شاخص شرایط بهداشتی کشور را نشان می‌دهد و به توسعه‌ی کشورها وابسته است. امید به زندگی شاخصی است از شرایط مرگ و میر برای دوره‌ی معینی از زمان.

فدراسیون بین‌المللی زنان و مامایی و شورای جمعیت نیویورک (۱۳۶۸) **باروری و جمعیت**، ترجمه‌ی زهرا پورانصاری و علی ناصری، مرکز نشر دانشگاهی.

<http://en.wikipedia.org/wiki/>

<http://aol.countrywatch.com/aol.underline>

topic.asp?vCOUNTRY=8&SECTION=SUB&T

BL=TINDOVER&TYPE=GRANK/2006/4/5-85/1/16

<http://web.worldbank.org/WBSITE/EXTERNAL/DATASTATISTICS/0..content>

MDK:20437349~menuPK:1504474~pagePK:64133150~piPK:64133175~theSitePK:239419,00.html2006/4/5-85/1/16/

<http://web.worldbank.org/WBSITE/EXTERNAL/DATASTATISTICS/0>"content

MDK:20399244~menuPK:1504474~pagePK:64133150~piPK:64133175~theSitePK:239419,00.html

## کتاب‌شناسی

- ۱ - امین، سمیر (۱۳۸۲): سرمایه‌داری در عصر جهانی شدن، ترجمه‌ی ناصر زرافشان، تهران، آگه.
- ۲ - شاف، آدام (۱۳۷۵): جهان به کجا می‌رود؟ پیامدهای اجتماعی انقلاب صنعتی دوم، ترجمه‌ی فریدون نوایی، تهران، آگه.
- ۳ - هال، گس و وپ، سام (۱۳۸۱): روندهای اخیر جهانی شدن و آلترناتیوهای واقعی آن، ترجمه‌ی احمد جواهریان و هما احمدزاده، تهران، پژوهنده.
- ۴ - تاملینسون، جان (۱۳۸۱): جهانی شدن فرهنگ، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی با همکاری مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها.
- ۵ - تب، ویلیام (۱۳۸۳): فیل بی‌اخلاق: جهانی شدن و مبارزه برای عدالت اجتماعی در قرن بیست‌ویکم، ترجمه‌ی حسن مرتضوی، تهران، دیگر.
- ۶ - رابرتسون، رونالد (۱۳۸۰): جهانی شدن: تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی، تهران، نشر ثالث، مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها.
- ۷ - رجب‌زاده، احمد (۱۳۷۸): جامعه‌شناسی توسعه: بررسی تطبیقی تاریخی ایران و ژاپن، تهران، انتشارات سلمان.
- ۸ - سلیمی، حسین (۱۳۸۴): نظریه‌های گوناگون درباره‌ی جهانی شدن، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ۹ - سو، آلوین. ی (۱۳۷۸): تغییر اجتماعی و توسعه؛ مروری بر نظریات نوسازی، وابستگی و نظام جهانی، ترجمه‌ی محمود حبیبی مظاهری، انتشارات پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.
- ۱۰ - سوئیزی، پل و امین، سمیر (۱۳۸۰): «جهانی شدن با کدام هدف؟»، ترجمه‌ی ناصر زرافشان، تهران، آگه.

- ۱۱- فوران، جان (۱۳۸۰)؛ مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه‌ی احمد تدین، تهران، خدمات فرهنگی رسا.
- ۱۲- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۲)؛ جهانی‌شدن و جهان سوم: روند جهانی‌شدن و موقعیت جوامع در حال توسعه در نظام بین‌الملل، تهران، وزارت امور خارجه.
- ۱۳- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)؛ عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (ظهور جامعه شبکه‌ای)، جلد ۱، ۲ و ۳، ترجمه‌ی احد علیقلیان، افشین خاکباز و حسن چاوشیان؛ تهران، طرح نو.
- ۱۴- کچویان، حسین (۱۳۸۷)؛ نظریه‌های جهانی‌شدن و دین: مطالعه‌ای انتقادی، تهران، نشر نی.
- ۱۵- کچویان، حسین (۱۳۸۷)؛ نظریه‌های جهانی‌شدن: پیامد چالش‌های فرهنگ و دین، تهران، نشر نی.
- ۱۶- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱)؛ جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت، تهران، نشر نی.
- ۱۷- تارو، لسترسی (۱۳۸۳)؛ برندگان و بازندگان جهانی‌شدن، ترجمه‌ی مسعود کرباسیان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۸- والرشتاین، ایمانوئل (۱۳۸۱)؛ سرمایه‌داری تاریخی، ترجمه‌ی یوسف نراقی، تهران، نشر قطره.
- ۱۹- هلد، دیوید و مک‌گرو، آنتونی (۱۳۸۲)؛ جهانی‌شدن و مخالفان آن، ترجمه‌ی عرفان ثابتی، تهران، ققنوس.
- ۲۰- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲)؛ جایگاه شرکت‌های چند ملیتی در فرایند جهانی‌شدن و تأثیر آن‌ها بر امنیت ملی و اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، تهران، مؤسسه‌ی تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.

